



دربارهٔ ترجمه بر آن است تا وسیله‌ای باشد برای:

- آشنایی با رشته‌های دانشگاهی ترجمه
- اطلاع‌رسانی در زمینهٔ مسائل مربوط به ترجمه: کتابها، نشریه‌ها، پایان‌نامه‌ها و ...
- آشنایی بیشتر با دوره‌های کارشناسی ارشد مترجمی
- تعامل بهتر و بیشتر با استادان رشته‌های ترجمه در دانشگاه
- انعکاس مقالات، یافته‌ها و دیدگاه‌های علمی دانشجویان، علاقه‌مندان و استادان رشته‌های مرتبط با ترجمه در حوزهٔ مطالعات ترجمه.

هزینهٔ چاپ و تکثیر این شماره از نشریه از محل یارانهٔ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به نشریات دانشجویی تأمین شده است. در اینجا از همکاری، همیاری و پشتگیری جناب آقای دکتر خلیل علیمحمدزاده معاون محترم فرهنگی این دانشگاه و جناب آقای دکتر بیرجندی ریاست محترم دانشکدهٔ ادبیات و زبانهای خارجی سپاسگزاری می‌شود.

- شیوهٔ خط به‌کاررفته در این نشریه، براساس آخرین ویرایش کتاب دستور خط فارسی، مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.

- نظرات مطرح شده در نوشته‌ها و مقالات، لزوماً نظر "دربارهٔ ترجمه" نیست.

- بدین وسیله از همهٔ علاقه‌مندان در کلیهٔ رشته‌های مرتبط با حوزه‌های ترجمه و زبان دعوت به همکاری می‌شود. در صورت تمایل، به همراه مقاله‌ها و نوشته‌های خود یک قطعه عکس خود را نیز ارسال فرمایید. همچنین خواهشمند است در صورت دسترسی به هرگونه خبر قابل توجهی مرتبط با ترجمه، جهت اطلاع‌رسانی به‌موقع، ما را مطلع کنید یا آن را جهت انعکاس در این نشریه برای ما ارسال کنید.

- این نشریه، کلیهٔ نظرات و پیشنهادهای شما را دربارهٔ خود به دیدهٔ منت می‌پذیرد و در انتظار دریافت نوشته‌ها و مقاله‌های شما دربارهٔ ترجمه است. از طریق نشانی پستی، نشانی پست الکترونیک یا تلفن با ما در ارتباط باشید.

دربارهٔ ترجمه

گاهنامهٔ علمی، فرهنگی، خبری

(در حال حاضر به صورت فصلنامه منتشر می‌شود)

سال دوم، شمارهٔ سوم

زمستان ۱۳۸۵

صاحب امتیاز: بهروز کروی

مدیر مسئول و سردبیر: سید حسین حیدریان

ویراستار: علی کازرونی زند

نقل مطالب **دربارهٔ ترجمه** با ذکر مأخذ مانعی ندارد.

نشانی و بگام معاونت فرهنگی دانشگاه

(جهت دریافت نسخهٔ pdf نشریه): www.vccans.ir

وب‌نوشت نشریه: about-translation.blogspot.com

پست الکترونیک: AboutTranslation@gmail.com

نشانی: تهران - صندوق پستی ۴۶۳-۱۹۵۷۵

تلفن ارتباط با نشریه: ۱۶۸۷ ۲۲۷ - ۰۹۱۲

		فهرست:
۳	-----	یادداشت
۴	-----	مصاحبه با استادان ترجمه
		این شماره: دکتر محمد شهبان
<hr/>		
۱۳	-----	پایان نامه‌ها
		این شماره: پایان نامه‌های کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی
		دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات
<hr/>		
۲۵	-----	آشنایی با دوره کارشناسی ارشد مترجمی
		بررسی سؤالات آزمونهای ورودی کارشناسی ارشد
۴۱	-----	منابع پیشنهادی برای سؤالات تخصصی
۴۳	-----	برنامه و سرفصل دروس کارشناسی ارشد
<hr/>		
۴۶	-----	نکته‌ها و ناگفته‌های ترجمه
۵۵	-----	نشریه‌ها و خبرها
۵۷	-----	مقالات
۶۶	-----	در آئینه تاریخ

Darbareye Tarjomeh

(About Translation)

A Persian Translation Studies Journal
Volume 2, Number 3, Winter 2007

از استادان بزرگوار این رشته جناب آقای دکتر تجویدی، جناب آقای دکتر ملانظر و سرکار خانم دکتر فرحزاد به دلیل پشتگرمیها و راهنماییهای ارزنده‌شان در خصوص انتشار این مجله قدردانی می‌شود. همچنین از همکاران بزرگوار که نامشان در زیر می‌آید و در تهیه و تنظیم مطالب این شماره با ما همراه بوده‌اند سپاسگزاری می‌شود:

امید احمدی (کارشناس ارشد مترجمی و مدرس ترجمه در دانشگاه)، فاطمه جبارزاده (کارشناس ارشد مترجمی زبان انگلیسی - دانشگاه تربیت معلم)، لیلا عظیمی (کارشناس ارشد مترجمی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس)، حمید امینی (دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات) و پرینا قمی (دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی - دانشگاه شهید بهشتی).

درباره ترجمه

فهرست مطالب هدف برای شماره چهارم نشریه علاوه بر عناوین این شماره شامل موارد زیر خواهد بود:

- آشنایی با تاریخ مطالعات ترجمه
- درباره مترجمان - نکته‌هایی از مترجمان
- آشنایی بیشتر با دوره کارشناسی ارشد مترجمی - مشخصات مراکز ارائه‌دهنده این دوره در ایران
- اخبار همایشها و رویدادهای ترجمه
- اخبار پایان نامه‌ها - در جهت تهیه کتابشناسی کامل پایان نامه‌های مترجمی
- بررسی آخرین آزمونهای ورودی کارشناسی ارشد
- معرفی کتابهای جدید در مطالعات ترجمه و کتابهای موجود این رشته
- کتابشناسی ترجمه
- بررسی نمونه‌هایی از ترجمه عملی

درباره ترجمه از جناب آقای دکتر بابایی، مدیر محترم کتابخانه مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات، و نیز سرکارخانم خشکبارچی رئیس محترم گروه کتب و مرجع که با سعه صدر و حس والای فرهیختگی بهره‌برداری از منابع پایان نامه‌های موجود را برای این نشریه تسهیل نمودند تشکر می‌نماید.

یادداشت

گامی دیگر

خوشحالیم که شماره سوم نشریه را پربارتر از گذشته و نزدیکتر به اهداف ذکر شده در صفحه آغازین، به دست شما رسانده‌ایم. یادداشت این شماره را با ذکر برخی ویژگیهای متمایز "درباره ترجمه" که طی این مدت انتشار به آن دست یافته‌ایم آغاز می‌کنیم.

نشریه ما علاوه بر خبرنگار، به صورت مرجعی برای اهل فن و محققان و دستاران ترجمه درآمده است. بهره‌مندی از کتابشناسی‌ها، فهرستهای مراجع، پایان‌نامه‌ها و ... آن را با یک خبرنگار مصرفی متفاوت کرده است و خوشحالیم که به این دلیل، خوانندگان ما آن را به عنوان مأخذی برای خود حفظ می‌کنند. مرجع‌نویسی صحیح حتی در حجمی اندک که به‌ظاهر آسان می‌نماید کاری بسیار دشوار ولی ماندگار است که طبیعتاً و در کنار مسائلی که قبلاً برشمردیم، روند انتشار مجله را کند کرده است.

نشریه ما در پیروی از اهداف ذکر شده، به‌طور کامل به فارسی منتشر می‌شود. از آنجا که شکل فارسی مقاله‌ها و نوشته‌ها بر خلاف عادت مرسوم دانشگاهی در رشته‌های مترجمی و آموزش زبان انگلیسی است، تأکید بر این روند، جای سؤال را برای برخی از دوستان ایجاد کرده است. ما معتقدیم چاپ فارسی مقاله‌ها و گزارشها موجب جذب بیشترین مخاطب می‌گردد و عملاً نشریه را به میزان زیادی خواندنی می‌سازد. در سؤالات گاه و بیگاهی که از دوستانم در مورد مقالات بخش انگلیسی ۱۴ شماره از فصلنامه مطالعات ترجمه داشته‌ام به جز مواردی که به تحقیقهای کلاسی و پایان‌نامه‌های آنها مربوط می‌شده است، کمتر به بخش انگلیسی آن نشریه و زین مراجعه داشته‌اند. مطالب فارسی، عامل برانگیزاننده خوانندگانی است که نشریه را در اوقات فراغت اندکشان تا آخرین صفحه ورق می‌زنند تا بخشهایی از آن را بخوانند یا بعداً به آن مراجعه کنند. از سویی ما برآنیم که بومی کردن زبان علم جز با به‌کارگیری واژه‌های تخصصی به زبان مقصد میسر نخواهد شد. در مورد بخشهایی که با عناوین و مشخصات مراجع اصلی در ارتباطند، از جمله کتابها، وبگاهها و یا پایان‌نامه‌هایی که به زبان انگلیسی (یا زبان دیگری) نگاشته شده‌اند ذکر این عناوین و مشخصات به زبان اصلی لازم بوده و این کار انجام شده است.

در این شماره، که با شکلی جدید و تعداد صفحاتی بیشتر منتشر می‌شود، مختصراً به معرفی دوره کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی و آزمونهای ورودی آن در کشورمان پرداخته‌ایم. در بخش مصاحبه با استادان ترجمه، موضوع تازه و پرمخاطب ترجمه فیلم را از منظرهای مختلف شکافته و با استاد مسلم این رشته به بحث نشستیم. سپس به معرفی پایان‌نامه‌های مترجمی زبان انگلیسی در دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات پرداخته‌ایم.

مقوله بحث‌برانگیز تکرار و نیز راهکارهای ترجمه چند عبارت متداول انگلیسی از جمله موارد مطرح شده در "نکته‌ها و ناگفته‌های ترجمه" است. در بخش ضمیمه مقالات، مقاله‌ای از استاد ترجمه در مورد خلأ واژگانی و نیز نوشتاری از دانشجوی علاقه‌مند به مفاهیم ترجمه (با عنوان بررسی ترجمه شعر از سروش/صفهانی) آمده است.

یک نسخه از نشریه ما، به عنوان خبرنگارهای گسترده در حوزه مطالعات ترجمه برای همه افراد علاقه‌مند، کتابخانه‌ها، مراکز فرهنگی و دانشگاههای مرتبط با ترجمه به صورت رایگان ارسال می‌گردد. شما هم می‌توانید مشترک رایگان نشریه ما باشید. (abouttranslation@gmail.com)

مصاحبه با استادان ترجمه

این شماره: دکتر محمد شهبها

سید حسین حیدریان

در باره ترجمه

اینجا دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر در خیابان ورزنده تهران است. برای مصاحبه با استاد ترجمه، در غروب یک روز سرد دی ماه خدمت دکتر محمد شهبها رفته‌ام. کسی که برخلاف رشته‌های تحصیلی دانشگاهی‌اش، دنیایی از اطلاعات در مورد ترجمه، نظریه‌های ترجمه و خصوصاً ترجمه نوار و فیلم دارد. او با بسیاری از استادان مطالعات ترجمه در انگلستان مصاحبه یا همکاری داشته است؛ نامهای آشنایی چون: مونا بیکر، لارنس ونوتی، پیتر نیومارک، پیتر بوش و سوزان بسنت.

دکتر شهبها از استادان بی‌ادعای دانشگاه هنر است. از آن درختهای پربار که از همان اولین لحظه‌ای که او را ملاقات می‌کنم سربه‌زیری و صمیمیتش را در رفتار با خود، دانشجویان و حتی مسئولین دفتر دانشگاه می‌بینم. او امروز از صبح زود تا ساعت ۶ عصر برای دانشجویانش در درسهای اصلی کارشناسی ارشد سینما در دانشگاهی که روزی خودش دانشجوی کارشناسی آنجا بوده است - کلاس فوق‌العاده گذاشته است.

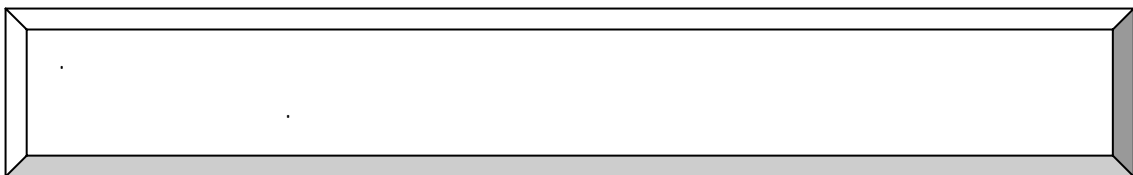
دکتر شهبها در سال ۱۳۴۳ در شهرستان سیرجان استان کرمان به دنیا آمد. رشته تحصیلی او در دانشگاه هنر، تدوین فیلم بود و پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد پژوهش هنر از دانشگاه تهران به انگلستان رفت و دکترای روایت‌شناسی فیلم (Film Narratology) را در سال ۲۰۰۱ از دانشگاه ایست انگلیا اخذ کرد. او کار اصلی‌اش را در حال حاضر به جز تدریس، تدوین فیلم، فیلمنامه‌نویسی، تولید برنامه تلویزیونی و ترجمه آثار سینمایی می‌داند.

shahba@gmail.com

○ آقای دکتر، ارتباط ترجمه با رشته سینما چه بوده است و شما در طول تحصیل در انگلستان و تا به حال چه رابطه‌ای با ترجمه داشته‌اید؟

در کسوت مترجم، من تا به حال بیش از سی کتاب، عموماً در زمینه سینمایی ترجمه کرده‌ام. در جشنواره مطبوعات سال ۱۳۷۴، به خاطر ترجمه مقاله‌ای در مجله فارابی بهترین مترجم شناخته شدم و جایزه سفر حج نصیب شد. اولین ترجمه‌ام را سال چهارم دبستان انجام دادم. از کودکی به طور خودآموز زبان می‌خواندم. خاطریم هست سال چهارم دبستان یک روز که برای زنگ انشا چیزی ننوشته بودم ناچار داستان کوتاهی را ترجمه کردم و سر کلاس خواندم! از آن زمان تاکنون ترجمه در بسیاری از مواقع، مرا نجات داده است.

در سالهای تحصیل دانشگاهی‌ام در زمینه مطالعات ترجمه کار و مطالعه زیادی داشته‌ام. از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ یعنی تا زمانی که به ایران برگشتم، رئیس جلسات هفتگی مرکز ترجمه ادبی بریتانیا بودم و در آنجا با بسیاری از مترجمان و نظریه‌پردازان بزرگ ترجمه آشنا شدم.





درباره ترجمه

رئیس این مرکز، دوست گرامی من پروفسور پیتر بوش بود ولی هزار و یک کار داشت و بیشتر در سفر اسپانیا بود (ایشان از مترجمان نام‌آور اسپانیایی به انگلیسی است که نهایتاً به اسپانیا مهاجرت کرد). پیتر بوش از بنده خواسته بود که در غیاب ایشان این جلسات هفتگی را که با حضور مترجمان و نظریه‌پردازان نام‌آور تشکیل می‌شد اداره کنم. من در زمینه ترجمه یک نظریه دارم که عنوان آن نظریه شناختی (Cognitive) است. اساس این نظریه این است که ما می‌توانیم بر اساس نوع مخاطب و

تواناییهای شناختی او، از یک متن اصلی چند ترجمه قابل قبول داشته باشیم. این نظریه را در دومین همایش ترجمه ادبی در مشهد (۱۳۸۵) ارائه کردم. این نظریه خصوصاً برای جامعه مترجمان ما که بسیار درگیر تقدس متن اصلی‌اند مهم است. این نظریه در جنبه تئوریک شاید تازه بنماید ولی در عمل همیشه آن را انجام می‌داده‌ایم. در این نظریه، «تقدس» متن نه تنها عامل بازدارنده‌ای نیست بلکه حتی توجیه‌کننده گوناگونی ترجمه می‌تواند باشد.

○ من تصور می‌کنم همین جاست که کاربرد نظریه مشخص می‌شود. مترجمان ما غالباً بدون توجه به مخاطب ترجمه می‌کنند. یعنی همیشه نثر خودشان را به کار می‌برند.

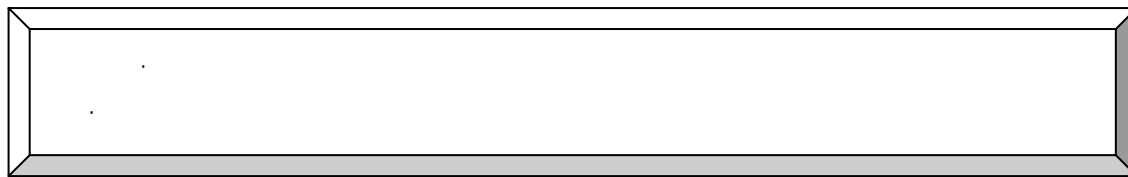
بله. همین طور است. مثلاً ما حتی می‌توانیم کتاب «مقدس» قرآن را با توجه به توانایی شناختی مخاطب، از نظر کلامی (نثر، واژگان و اصطلاحات) به گونه‌های مختلفی ترجمه کنیم.

○ به نظر شما مطالعات ترجمه در ایران چه جایگاهی دارد و رشد آن را چگونه می‌بینید؟

مطالعات ترجمه در کشورهای مثل کشور ما نسبت به دنیای پیشرفته جای رشد خیلی بیشتری دارد. زیرا ما در تمام زمینه‌های دانش بشری فرزند ترجمه‌ایم. آدمی که در انگلستان یا در کشورهای انگلیسی زبان زندگی می‌کند چون علم به زبان مادری خودش تولید می‌شود و در دسترسش قرار می‌گیرد نیازی ندارد یا کمتر نیاز دارد که چیزی را از زبان دیگری برایش ترجمه کنند اما در کشور ما خصوصاً در زمینه علوم انسانی (از جمله جامعه‌شناسی، فلسفه، هنر) و در همه زمینه‌ها، از رایانه گرفته تا آشنایی با مبحث شالوده‌شکنی در ادبیات، دانسته‌ها مان از طریق ترجمه است. در اینجا خیلی محیط مناسبی برای رشد مطالعات ترجمه وجود دارد. به نظر من بخش کوچکی از مطالعات ترجمه، آموزش فن ترجمه است. بخش زیادی از آن آگاهی پیدا کردن از آن است که چه چیزی در ذهن مترجم و چه چیزی در ذهن مخاطب روی می‌دهد و یا ماهیت، سرشت، یا نقش ترجمه را بررسی می‌کند؛ یا برای رسیدن به آن تأثیر مورد نظر خودمان چه راههایی را می‌توانیم انتخاب کنیم. ما همیشه ترجمه را یکی از راههای آموزش زبان دیده‌ایم. در صورتی که ترجمه معمولاً راه مناسبی برای آموزش زبان نیست.

به نظر من مطالعات ترجمه در ایران، آینده‌پرباری را پیش روی خود دارد. هرچند در حال حاضر فقط می‌توان به چند قدم رو به جلو در دانشگاه فردوسی مشهد (دکتر خزاعی فر)، دانشگاه علامه طباطبایی (دکتر ملانظر، دکتر فرحزاد و دیگر استادان) و پایان‌نامه‌های دانشجویان علاقه‌مند پس از تأسیس دوره‌های تکمیلی ترجمه اشاره کرد. به نظر من در کشور ما اولین گام باید اهتمام در جهت گسترش منابع تألیفی کافی برای مطالعات ترجمه باشد. از سویی باید رفته‌رفته گروههای ترجمه را در دانشگاهها از گروههای آموزش زبان و زبانشناسی تفکیک کرد.

○ رابطه سینما با ترجمه در کجاست؟ آیا در دانشکده شما درسی به نام ترجمه وجود دارد؟



سینما با ترجمه رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. هرچند در اینجا ترجمه تدریس نمی‌شود. اما ما مطالعات سینمایی داریم که یک بخش از آن که مطالعات جنبی است با ترجمه در ارتباط است؛ مثل جامعه‌شناسی سینما، تحول بیان سینما، سینما و هنرهای دیگر که یکی از این هنرها ترجمه است. علاوه بر این، خود فیلم «ترجمه» واژگان فیلمنامه است به تصویر. و در اینجا است که بحث جامعه‌شناسی زبان و جامعه‌شناسی سینما مطرح می‌شود. جامعه‌شناسی زبان بخش مهمی از ترجمه است که در این زمینه کم کار کرده‌ایم، یعنی تا جایی که بنده اطلاع دارم منبعی که زبان فارسی را از دیدگاه جامعه‌شناسی بررسی کند نداریم. ضعفهای ترجمه به نظر من بیشتر در فهم زبان فارسی است تا ضعف در دانستن زبان خارجی. آن هم نه فقط فهم دستوری زبان بلکه فهم جامعه‌شناختی زبان. در خصوص سؤال شما در مورد رشته سینما و ترجمه، ما در بخشی از درس زبان تخصصی سینما در مقطع کارشناسی ارشد به موضوع ترجمه فیلم می‌پردازیم.

○ به نظر شما آیا ترجمه فیلم (که بخش مهمی از ترجمه رسانه‌ای است) در ایران متولی خاصی دارد؟ و جایگاه آن در حال حاضر کجاست؟ در کشوری که الان ۷-۸ کانال تلویزیونی با برنامه‌های شبانه‌روزی مرتبط با کار ترجمه داریم و پس از این همه سال که از آموزش ترجمه در ایران می‌گذرد رشد ترجمه رسانه‌ای چگونه بوده است و چه تفاوت‌هایی پیدا شده است؟ آیا چیزی به نام ویرایش رسانه‌ای داریم؟

متأسفانه و خوشبختانه ترجمه فیلم در ایران متولی خاصی ندارد. «متأسفانه» از این جهت که ما در بیشتر زمینه‌ها نیازمند کمک‌های دولتی هستیم و داشتن متولی برای ترجمه فیلم شاید از نظر اقتصادی و تأمین منابع لازم راهگشا باشد. «خوشبختانه» از این جهت که یاریهای دولتی بدون چشم‌داشت نیست و بالاخره محدودیت‌هایی را برای این امر پیش می‌آورد که شاید به بهبود کیفی این امر کمکی نکند. ترجمه فیلم را باید به چند دسته تقسیم کنیم: بخشی از آن فیلمهای سینمایی هستند که در سینماها به نمایش درمی‌آیند که باید پس از ترجمه دوبله هم بشوند. در این نوع ترجمه محدودیت‌هایی وجود دارد مثلاً ترجمه‌ها باید با طول مدت لب خوردن بازیگر همزمان شود. نوع دیگر ترجمه‌ها، ترجمه برای زیرنویس کردن است که در آن دست مترجم بازتر است و می‌تواند سبک و سیاق خود را بهتر وارد ترجمه کند. در ترجمه برای دوبله حتی سبک سخن باید با واژگان مناسب با آن شخصیت هماهنگ باشد پس محدودیت بیشتر می‌شود. نوع سوم، ترجمه فیلمهای مستند یا علمی است که اولاً به‌کارگیری زبانی علمی را می‌طلبد و ثانیاً محدودیت هماهنگی با تصویر در آن بسیار کم است. نوع چهارم، ترجمه همزمان فیلم است که در آن یک یا دو نفر به جای همه شخصیت‌ها حرف می‌زنند یا گفتگوها را همزمان ترجمه می‌کنند. این نوع ترجمه، که امروزه کمتر انجام می‌شود، همان دشواری‌های ترجمه همزمان را دارد، علاوه بر اینکه نباید مزاحم و مخل روند تماشای تصاویر باشد.

○ یک بار حسب اتفاق به همراه بچه‌ها به برنامه‌ای از تلویزیون که به صورت کارتون درست شده بود نگاه می‌کردم. دیدم هیچ سر در نمی‌آورم. من چون علاقه به ترجمه داشتم دقت کردم. برنامه‌ای در مورد مسائل علمی بود. حتی کلمه element که بسیار ساده است و در تمام کتابهای درسی علوم نیز به «عنصر» ترجمه شده است به صورت المنت ترجمه (آوانگاری) شده بود. آیا در سازمان صدا و سیما کسی بر کار ترجمه نظارت دارد؟

سازمان صداوسیما یک شورای ویرایش دارد و رئیس شورای ویرایش آن هم تا جایی که بنده می‌دانم آقای ابوالحسن نجفی بوده‌اند. اما در صدا و سیما از بس حجم کار بالا است، فرصت چندانی برای ضبط و ربط مطالب نیست. در

نتیجه، این اشتباهات پیش می‌آید. گفتم همیشه یک نوع عجله و شتاب در کار صدا و سیما هست که لطمه می‌زند. من خودم دیدم که در فیلم *آخرین امپراتور* ساخته برتولوچی به جای «شهر ممنوع» گفته شد «فوربیدن سیتی»! یعنی *Forbidden City* را اسم خاص در نظر گرفته بودند. البته می‌دانیم که این آشفتگی در ترجمهٔ مکتوب نیز وجود دارد. ولی در ترجمهٔ فیلم و خبر تلویزیونی مهم‌تر است. در تلویزیون که بیننده‌های خیلی زیادی دارد اگر این اتفاق بیفتد تأثیرش خیلی بیشتر است. نمونهٔ تکراری‌اش هم همین کاربرد اصطلاحات خارجی است. دوش گرفتن و حمام گرفتن و به عنوان و وای خدای من و ...

○ مثالهای شما حرفهای کتاب *غلط نویسیم را تداعی می‌کند. پس شما با صحبت‌های آقای ابوالحسن نجفی موافق هستید؟ یعنی گرت برداری حتی به صورت رایج را مجاز نمی‌دانید؟*

من با حرفهای ایشان مقداری موافق و مقداری مخالف هستم. معتقدم زبان معیار، همان زبانی است که مردم همان دوره دارند از آن استفاده می‌کنند و آن را می‌فهمند. اصلاً لازم نیست شما به نثر سعدی و واژگان خاقانی بنویسید. این همان نکتهٔ مهم توجه به جامعه‌شناسی زبان است که پیش‌تر هم مطرح کردم. حتی گاهی در ترجمهٔ فیلم برای نشان دادن موقعیت تحصیلی و اجتماعی شخصیت‌ها شاید لازم باشد که غلط بنویسیم و از همان گرت برداری‌ها حتی از نوع غیرمجازش استفاده کنیم. در مورد زبان فارسی هم اعتقاد ندارم که زبان فارسی صندوقچهٔ درسته‌ای است که هیچ واژهٔ بیگانه‌ای نباید وارد آن شود یا هیچ ترکیب عاریتی نباید در آن رواج پیدا کند. زبان، ابزار ارتباطی اهل آن زبان است و بنده خودم هم وقتی می‌خواهم بروم دوش بگیرم می‌گویم دارم می‌روم «دوش بگیرم»!

با این همه، چیزهایی هستند که می‌توان جلوی آن را گرفت تا اتفاق نیفتد. این مطلبی که می‌گویم چیزی است که این روزها خیلی از طریق ترجمه وارد زبان فارسی شده است. کانالهای تلویزیون دامنه و برد خیلی زیادی دارد. فیلم هم همین طور. اما درجه‌بندی مترجمان وجود ندارد و بیشتر مترجمان که کار ترجمهٔ رسانه‌ای می‌کنند کارمند تلویزیون هستند و با شرایط زندگی کارمندی کار می‌کنند.

○ عنوان *پایان‌نامهٔ شما (روایت‌شناسی)* به چه معنی است و چه چیزی را مطالعه کردید؟ اگر در *پایان‌نامهٔ شما* واژهٔ *translation* را جستجو کنیم چند مورد یافت خواهد شد؟

این رشته بسیار جدید است. روایت‌شناسی فیلم یا *Film Narratology*. بحث در مورد عناصر روایت است در سینمای هنری امروز، که البته یک مقداری از آن به بحث ترجمه برمی‌گردد. گفتم فیلم ساختن اول از هر چیز بحث ترجمهٔ متن فیلمنامه است به تصویر؛ که عین کاری است که مترجمان در ترجمهٔ یک متن می‌کنند. یک فیلمنامهٔ واحد را به ده کارگردان بدهید، ده جور به تصویر برمی‌گردانند، همان‌طور که یک متن واحد را ده مترجم به ده صورت ترجمه می‌کنند.

در واقع بحث اصلی روایت‌شناسی فیلم این است که تماشاگر سینما از طریق تصویر و صداها چگونه داستان را در ذهن خود می‌سازد. چون در فیلم، داستان نمی‌گویند. در فیلم، تصویر می‌بینید و اصواتی را هم می‌شنوید. یک سری آدم کارهایی می‌کنند و حرفهایی هم می‌زنند. از دل اینها ما داستان می‌سازیم. این اتفاق چگونه می‌افتد؟ این بحث، بحث تواناییهای شناختی مخاطب است. و من از همین نکته که در نظریه‌های جدید روایت‌شناسی فیلم مطرح است، در بحث ترجمه استفاده کرده‌ام. من جوهرهٔ نظر خودم را در واقع از سینما گرفته‌ام. اگر در متن *پایان‌نامهٔ من* کلمهٔ *translation* را جستجو کنید شاید یک بار هم به کار نرفته باشد، اما مفهوم ترجمه در آنجا وجود دارد.

○ شناخت مخاطب، یعنی رعایت سبک و واژگانی متناسب با مخاطب و نه حضور خود مترجم. آن‌طور که آقای ونوتی در کتاب "*ناپیدایی مترجم*" (*The Translator's Invisibility*)، در مورد جایگاه مترجمان در اجتماع صحبت کرده و اینکه مترجمان در مقایسه با نویسندگان همیشه ناپیدا بوده‌اند و یا اینکه ترجمه یک خلق جدید است....



به نظر من مترجمان همیشه سعی کرده‌اند خودشان را در متن پنهان کنند یا اینکه خودشان را خیلی نشان بدهند، این دو گرایش افراطی در این زمینه است.

○ یعنی چگونه؟ آیا مترجمان ما به واقع این‌گونه بوده‌اند؟ یا اصلاً ترجمه این‌گونه می‌طلبید؟

بله، یعنی یا سعی کرده‌اند دیده نشوند و اگر کلمه‌ای، نثری، واژه‌ای، مفهومی، عقیده‌ای در متن وجود دارد خواننده خودش آن را بفهمد. البته گاهی ترجمه این‌گونه نمی‌طلبید. ترجمه خیلی جاها نیازمند حضور شخص شما نیز هست. در طول تاریخ ترجمه این اتفاق زیاد افتاده. یکی از کسانی که سعی کرده این ناپیدایی را محو کند و خود را نشان دهد آقای نجف دریابندری است که «How are you» را در «بازمانده روز» ترجمه می‌کند: «به مزاج حضرتعالی چگونه است قربان؟» در اینجا مترجم دارد حضور خود را نشان می‌دهد.

○ آقای منصور می‌چطور؟

طبق نظریه‌ای که من داده بودم و شاید هم کمی مخالف داشته باشد این است که ترجمه‌های آقای ذبیح‌الله منصور برای مخاطب خودش خوب بوده. یعنی برای مخاطب پاورقی‌خوان مجلات هفتگی. طبق نظریه من برای آن نوع مخاطب خوب بوده، هرچند شاید با معیارهای فرهیختگی نخواند. البته فرهیختگی زبان و مترجم جزو معیارهای ترجمه نیست.

○ جدای از مفهوم ونوتی شاید اگر ما پیوستاری از پیدایی (visibility) و ناپیدایی (invisibility) در متن بگذاریم، آقای منصور از کسانی محسوب می‌شوند که در یک سوی این طیف قرار دارد. طرفدار شدید پیدایی بوده است. خودش را بیشتر در نظر داشته و گاهی اوقات حتی نویسنده را نادیده می‌نگاشته.

بله. درست می‌فرمایید. و نجف دریابندری در مورد نوع نثرش طوری است که ما او را در ترجمه‌هایش تشخیص می‌دهیم و این به نظر من امر خوبی است.

○ آیا یک مترجم اگر سعی کند در عین حال که حضور دارد مفاهیم مورد نظر نویسنده را هم در نظر داشته باشد بهتر نیست؟ ناپیدا بیشتر از نظر معنایی و پیدا از نظر سبک؟

این کاری است که بسیاری از مترجمان انجام می‌دهند. آن‌طور که گفته‌اند: «خیرُ الأمور اوسطها»، میانه کار را گرفتن بهتر است. آنچه شما می‌گویید یک مقدار محافظه‌کاری است و این که آدم یک خرده از این و یک خرده از آن را بگیرد. اما به نظر من در دوره‌ای که ما داریم زندگی می‌کنیم، با این‌همه دانش بشری، مترجم حق دارد که مقداری خود را در متن نشان دهد. کاری که آقای کوثری هم می‌کند. اگر دقت کرده باشید آقای «عبدالله کوثری» هر متنی را بیش از آنکه در اصل خود بوده به ادبیّت متن فارسی نزدیک می‌کند. جنبه ادبی ترجمه آقای کوثری بر جنبه ادبی متن نویسنده اصلی می‌چربد. این نوعی نشان دادن خود در متن است. بنابراین، متن آقای کوثری را تشخیص می‌دهیم. با توجه به اینکه مخاطبان متن آقای کوثری متفاوت از مخاطبان متن آقای ذبیح‌الله منصور است. هر دو با توجه به مخاطبشان کار درستی انجام می‌دهند. درست بودن یا نبودن ترجمه عبارت گویایی نیست. به نظرم بهتر است به جای آن مناسب بودن یا نامناسب بودن بگذاریم، که در اینجا حتماً پای مخاطب به میان می‌آید، و توانایی‌ها یا ناتوانی‌هایی او.

○ ما در زمینه مکتوب، آثار ماندگاری داریم که خیلی خوب ترجمه شده‌اند. به عنوان مثال می‌توان از «پیر مرد و دریا»ی نجف دریابندری نام برد یا «دن کیشوت» آقای قاضی. آیا در فیلم چنین چیزی را داریم که یک فیلم را کسی خیلی خوب ترجمه کرده باشد و آن فیلم ماندگار شده باشد؟

بله. و مثلاً «خانواده تیبو» ترجمه آقای نجفی. ما در دوران ترجمه فیلم در دوران پیش از انقلاب، فیلمهایی را داریم که به خاطر ترجمه فیلم ماندگار شده‌اند. مثل «هملت» کوزینسکف. یا فیلم «بر باد رفته». آن فیلمها به خاطر ترجمه و دوبله بسیار شاخص ماندگار شده‌اند.

○ در مورد این فیلمها چند درصد موفقیت را مرهون ترجمه و چند درصد را مرهون دوبله می‌دانید؟

به نظر من، در ترجمه فیلمهایی که به عنوان نمونه عرض کردم، این دو سهمی مساوی (یعنی ۵۰-۵۰) در موفقیت و ماندگاری فیلم ایفا می‌کنند.

○ آیا ما می‌دانیم چه کسی آن را ترجمه کرده است؟ آیا نام مترجم هم همراه فیلم و ترجمه آن ماندگار شده است؟

در آن دوران بیشتر ترجمه فیلمها کار آقای «منوچهر انور» بوده‌اند. ایشان مترجم خوبی در زمینه فیلم بوده‌اند. مدیر دوبلاژ هم مرحوم «علی کسمایی» یکی از بهترین مدیران دوبلاژ بوده‌اند. در نتیجه نمونه‌های بسیاری داریم که هم دوبله و هم ترجمه فیلم خوب بوده است. در سالهای پس از انقلاب نیز سریال «داستانهای جزیره» و «شرلوک هلمز» از نمونه‌های خوب ترجمه است؛ هم دوبله و هم ترجمه خوب دارد. یکی از بدیهای ترجمه رسانه‌ای بر خلاف ترجمه مکتوب این است که نام مترجم در فیلم آورده نمی‌شود. اما اخیراً در تلویزیون، به‌خصوص در زمینه فیلمهای مستند، اسم ذکر می‌شود، اما در دوران پیش از انقلاب، ترجمه رسانه‌ای کاری بود بی‌نام و بی‌نات. و بیشتر علاقه بود تا شغل، ولی امروزه کسانی که به این کار روی می‌آورند بیشتر آن را شغل می‌دانند تا علاقه. به هر حال، کسی که فیلم مستند را نگاه می‌کند بیشتر به خاطر خود فیلم نگاه می‌کند و شاید نام مترجم در یادش نماند. اگر همان را به صورت کتاب بخواند اسم مترجم بیشتر در ذهنش می‌ماند و این است خاصیت اطلاعاتی که در رسانه‌ها داده می‌شود و معمولاً هم فرار است.

○ در انواع ترجمه و در مقایسه با ترجمه مکتوب، ترجمه رسانه‌ای چقدر مهم است؟ در دانشگاهها انتخاب دوره‌ها بر اساس میزان نیازی است که به آن احساس می‌شود. جایگاه ترجمه رسانه‌ای کجاست و چقدر منزلت دارد؟

خیلی. حتی از ترجمه کتاب هم نیاز بیشتری نسبت به آن احساس می‌شود. به دلیل اینکه علاوه بر ۷-۸ شبکه تلویزیونی، ما در رادیو هم ترجمه می‌کنیم. خبری که در رادیو خوانده می‌شود ترجمه‌ای است مثلاً از متن خبر آسوشیتد پرس. و بیشترین مخاطب را دارد و در روزنامه هم همین طور. در وبگاه‌های اینترنتی هم همین طور. اگر همه اینها را رسانه در نظر بگیریم، طیف بسیار گسترده‌ای پیدا می‌کند که پایان‌ناپذیر است. فرض کنید در کشور ما مثلاً یک روز نشر کتاب متوقف شود. این بیشتر محتمل است تا این که رسانه‌ها از جمله رادیو، تلویزیون و انواع روزنامه‌ها همه تعطیل شود و دیگر ترجمه لازم نباشد. هم از نظر بازار کار و هم از نظر میزان فعالیت، ترجمه رسانه‌ای خیلی بیشتر از ترجمه کتاب است. اما نمود آن در ترجمه رسانه‌ای کمتر است. اگر دقت کرده باشید اخبار خارجی تلویزیون همه ترجمه است. اما نام مترجم را نمی‌دانیم و بعد آن قدر با آن اُخت شده‌ایم که تصور نمی‌کنیم که در اینجا هم دارد کار ترجمه صورت می‌گیرد.

○ در ایران و در حال حاضر چه توصیه‌ای دارید؟ آیا بهتر نیست در کنار این همه انواع ترجمه، آموزش ترجمه رسانه‌ای را هم داشته باشیم. آیا باید کارگاه داشته باشیم یا دوره‌های مدون دانشگاهی؟ خیلی‌ها بر این باورند که ترجمه امری استعدادی است. برخی نیز معتقدند که برای این نوع از ترجمه، حتماً باید کارگاهی باشد تا مترجمان

بتوانند اصول و فوت و فن آن را به صورت تجربی بیاموزد. ولی ظاهراً آنچه که غربی‌ها به آن رسیده‌اند دوره‌های مدون دانشگاهی است.

ترجمه با توجه به گستردگی که دارد، نیازمند خلاقیت و استعداد خاص خود است. درست مثل عکاسی است: یا استعداد عکاسی در وجودتان هست یا نیست. وقتی نیست شما عکاس نخواهید شد. هر چند مقدار زیادی عکس بگیرید. عکاس ماهری نمی‌شوید. اما اگر مقدار کمی خلاقیت در وجودتان باشد، می‌توان کاری کرد. هر چیز یک کلیت صددرصد دارد. گاهی خود خلاقیت صددرصد است. در نتیجه آدم‌هایی هستند که بدون کلاس و درس به چیزی علاقه دارند و در آن موفق می‌شوند، مثل افرادی که بدون کلاس و درس فیلم‌ساز یا عکاس یا نقاش یا مترجم خوبی می‌شوند. یک سری آدمها هستند که ۵۰ درصد خلاقیت دارند و ۵۰ درصد بقیه را می‌توانند با آموزش و پشتکار پر کنند. به نظر من افراد متوسط (مثل اکثر دانشجویان ما) ۳۰ درصد استعداد برای این کار دارند. اگر ۴۰ درصد پشتکار و ۳۰ درصد آموزش هم کنار آن بگذارند به آن صددرصد می‌رسند. اشکال در این است که گاهی استعداد را با علاقه اشتباه می‌گیریم و در عین حال هم پشتکار نداریم در صورتی که آن پشتکار شرط لازم است که حتماً باید باشد. به‌علاوه، معمولاً دانشجویان امروزی در همه رشته‌ها عادت کرده‌اند که همه این صد در صد را از آموزش طلب کنند، بی‌آنکه به نقش استعداد و پشتکار خودشان توجه کنند. به همین دلیل است که ما فارغ‌التحصیلان ترجمه بسیار داریم اما مترجمان نام‌آور در بین آنها خیلی کم‌اند. نه این که آنها نمی‌توانستند بالقوه مترجم خوبی بشوند بلکه ظاهراً یک جای کار می‌لنگیده، یا آموزش کم بوده یا استعداد کافی نبوده یا پشتکار خودش یا هر سه اشکال داشته است. در نتیجه، من تنها راه حل را فقط آموزش نمی‌دانم. گزینش دانشجویان مناسب و علاقه‌مند راه حل مناسب‌تری است.

○ دانشگاه به هر حال تأثیر خود را می‌گذارد و دانشجو هم فعالیت می‌کند و در صورت داشتن پشتکار، کار خود را سرانجام پیدا می‌کند.

بله. به نظر من، بخش عمده ترجمه رسانه‌ای (به مفهوم نخست در بحث ما) در سیستم کارگاهی جواب می‌دهد؛ برای اینکه با ترجمه مکتوب فرق دارد. در اینجا شما دارید کلمه را در بحث گفتار و نه نوشتار به کار می‌برید، به‌ویژه در ترجمه‌ای که قرار است برای دوبله صورت بگیرد. که این همیشه با بحث ترجمه مکتوب همسو نیست. جابجا کردن اجزای کلام لازم است. شاید اگر شما در ترجمه مکتوب فعل و فاعل را جابجا کنید، «را» را جا بیندازید، از لحاظ دستوری کار اشتباهی باشد. اما در ترجمه فیلم برای دوبله، این کار لازم است. در اینجا آدمها کتابی حرف نمی‌زنند. کلمات را می‌شکنند، مکث می‌کنند، من من می‌کنند، تکرار می‌کنند. نوعی عادت کردن به روند گفتاری گویشوران یک زبان، یک لهجه، یک جامعه، از همان چیزهایی است که باید در ترجمه رسانه‌ای روی آن خیلی کار کرد.

در ترجمه خبر چند چیز مهم است: اگر خبر سیاسی است، واژگان خودش را دارد. نوع تیترو زدن هم با یک کتاب ادبی فرق می‌کند و به‌علاوه در نظر بگیریم که تمامی مخاطبان در حد متوسط آگاهی، خبر را بفهمند. به نظر من اگر بخواهیم مطلبی را به صورت کتاب به چاپ برسانیم دستمان خیلی بازتر است.

○ شما در زمینهٔ زبانشناسی مطالعه داشته‌اید. در حوزهٔ مطالعات ترجمه، بحث داغ دههٔ گذشته، جدایی ترجمه از زبانشناسی و منازعهٔ این دو بوده است. جای پای این منازعه را در دائرةالمعارف مطالعات ترجمه (مونا بیکر) نیز می‌بینیم. در این مورد چه می‌گویید؟

به نظر من مترجمان حرفه‌ای باید از زبانشناسی آگاه باشند البته نه اینکه از زبانشناسی به ترجمه برسیم. ارتباط بیشتر حوزه‌های زبانشناسی از جمله واژه‌شناسی در ترجمه انکارناپذیر است. من (جوان‌ترین) عضو شورای واژه‌گزینی سینما و تلویزیون فرهنگستان زبان و ادب فارسی هستم. در نتیجه ناگزیر با اصول صرف و نحو، واژه‌سازی و واژه‌شناسی زبان فارسی آشنا هستم. از سوی دیگر، ترجمه می‌کنم و از همین واژگان ساخته شدهٔ خودمان در فرهنگستان در ترجمه‌هایم استفاده می‌کنم. می‌بینید که این رابطه به طور طبیعی وجود دارد. انکار زبانشناسی یا مطالعات ترجمه نه به نفع ترجمه بوده است و نه مفید به حال زبانشناسی. منازعهٔ مطالعات ترجمه و زبانشناسی در غرب به واسطه و اتکای پشتوانه و سنتی نظری است که در کشور ما، خوشبختانه، هیچ‌کدام وجود ندارد.

از این گذشته، ما نمی‌توانیم منکر این باشیم که در طول تاریخ همواره بین زبانشناسی و ادبیات پل داشته‌ایم. من با جبهه‌گیرهای افراطی _ آن‌طور که مونا بیکر تا حدودی به آن دامن می‌زند_ که ترجمه هیچ ربطی به زبانشناسی ندارد موافق نیستم. همان‌طور که گفتیم در عمل می‌بینیم که این دو به هم ربط دارند. مثلاً در دوبلهٔ فیلم، بخشی از کار ما بخش آواشناسی است. هر کسی برای القای معنا یک طوری حرف می‌زند و زبانشناسی به بررسی و بهبود این مسئله کمک می‌کند. البته زبانشناسی، راهی کافی برای فراگیری ترجمه نیست و بررسی نظری ترجمه رویکردهایی فراتر از زبانشناسی می‌طلبد.

○ بازار کار ترجمهٔ رسانه‌ای (نوار و فیلم) در ایران چگونه است؟ در حال حاضر، علاقه‌مندان بسیاری هم دارد. این سؤال مطرح است که کجا می‌توانند کار کنند. مثلاً من کسی را می‌شناسم که مدرک کارشناسی ارشد مترجمی دارد مطالعاتی در این زمینه نیز دارد و کار ترجمه‌اش هم بد نیست. توصیه‌تان به علاقه‌مندان چیست؟

توصیه من به دانشجویانی که به ترجمه رسانه‌ای علاقه‌مند هستند این است که حیطهٔ کوچک‌تر خود را مشخص کنند و ببینند به ترجمهٔ چه چیزی علاقه دارند: خبر، سرمقاله، فیلم، برنامهٔ تلویزیونی، برنامه مستند، سریالهای تلویزیونی، برنامهٔ کودک، فیلم کارتون، ترجمهٔ وب‌گاهها. این یک حیطهٔ بسیار گسترده‌ای است. باید دریابند که به کجا علاقه دارند، این است که نمی‌توان به همهٔ این حوزه‌ها وارد شد. یعنی کسی که در ترجمهٔ فیلمهای کارتون تبحر پیدا می‌کند، برایش سخت است که بیاید برنامهٔ فلسفهٔ امروز را ترجمه کند. به دلیل اینکه این یک حیطهٔ دیگری است. اینکه اول مشخص کنند کجا، بعد وقتی که کجایش را مشخص کردند، کار ترجمهٔ رسانه‌ای هم مثل ترجمهٔ مکتوب، امری است وقت‌بر، انرژی‌بر، نیازمند به عشق و علاقه، گاهی با درآمد بالا، گاهی هم با بیکاری، همهٔ این چیزها در آن هست.

○ الان مترجمان سازمان صدا و سیما را چه کسانی تشکیل می‌دهند؟ آیا فارغ‌التحصیلان دوره‌های مترجمی در میان آنها هستند؟

بله. مخصوصاً در زبانهای غیرانگلیسی. مثلاً فرانسه، مجارستانی، لهستانی، روسی و آلمانی. در رشته‌های غیر انگلیسی اغلب آنها هستند که این رشته را به صورت دانشگاهی آموخته‌اند.

○ آیا شما اطلاعی از آموزش ترجمهٔ رسانه‌ای در خارج از کشور دارید؟ دوره‌هایی به نام ترجمهٔ شنیداری-دیداری (audio-visual translation) در خارج از کشور مدارکی بالاتر از کارشناسی ارائه می‌دهند.

بله. ما audio-visual tools داریم. در تمامی دانشگاههایی که مطالعات ترجمه درس می‌دهند، audio-visual translation داریم. اما به عنوان ترجمه مستقیم برای فیلم و برای زیرنویس کردن فیلم و دوبله فیلم. تا آنجایی که من خبر دارم یک دانشگاه در فرانسه هست که در آنجا دانشجویان را برای یک دوره دو ساله ترجمه فیلم تعلیم می‌دهند.

○ *audio-visual translation* چیست و با ترجمه شفاهی چه شباهتهایی دارد؟ از آنجایی که در برنامه‌های دانشگاهی ایران جای دوره‌های ترجمه شفاهی به صورت متمرکز نیز خالی است.

audio-visual در واقع یک ترجمه سمعی-بصری است که شامل ترجمه کنفرانسها می‌شود. حتی شامل ترجمه حضوری نیز می‌شود؛ این مانند این است که شما دارید نقش بازی می‌کنید، یعنی هم صدای طرف را می‌شنوید و هم خود او را می‌بینید، هم یک سری از حالاتش را انتقال می‌دهید. فکر می‌کنم در دانشگاههای ایران در رشته‌های مترجمی زبان انگلیسی فقط چند واحد به نام ترجمه شفاهی گذاشته‌اند. من شخصاً به ترجمه شفاهی علاقه‌مندم و جزو معدود مترجمان شفاهی کشور هستم و مسائل ترجمه شفاهی را دنبال می‌کنم.

○ جایگاه مترجم شفاهی کجاست؟ آیا حضور او فقط در ترجمه سیاسی و مناسبتهاست؟

بله. بیشترش که در وزارت امور خارجه است و بخش دیگر آن هم در مناسبات و برنامه‌های فرهنگی است. مثلاً فرض کنید هفته گذشته هیئتی از فرانسه آمده بودند برنامه‌ای داشتند درباره سینما و معنویت و من هم با ایشان می‌زگردی داشتیم در مورد آموزش سینما و اینها چون زبان فرانسه حرف می‌زدند، ما یک مترجم شفاهی فرانسه داشتیم، آقای نادر تکمیل همایون، که از مترجمان خوب شفاهی زبان فرانسه است.

○ الان اگر به مترجم شفاهی نیاز بود چگونه شما را پیدا می‌کنند؟ یادم هست که یک بار انجمن مترجمان شفاهی شکل گرفت. آقای رضوانیان از بانیان این انجمن بوده‌اند (و ظاهراً ایشان هم اکنون در مؤسسه‌ای نیز ترجمه شفاهی را آموزش می‌دهند). شما ارتباطی با این انجمن داشته‌اید؟

خیر. من عضو هیچ انجمنی نیستم. من عضو هیچ انجمنی که قبول کند مرا به عضویت بپذیرد نمی‌شوم. این چیزی است که وودی آلن به نقل از گروه مارکس می‌گوید (می‌خندد). وودی آلن می‌گوید: من عضو هیچ انجمنی که حاضر بشود مرا به عضویت قبول کند نمی‌شوم. ترجمه شفاهی سخت‌ترین نوع ترجمه است. شما متن را فقط یک بار می‌شنوید. نمی‌توانید از گوینده کمک بگیرید. هیچ فرهنگ لغتی در دسترس نیست. این روند ترجمه همزمان، فنی‌ترین و سخت‌ترین نوع ترجمه است. حافظه‌ای بسیار قوی لازم دارد. گاه گوینده سه دقیقه حرف می‌زند و شما نمی‌توانید همه آن را یادداشت کنید. باید در عین حال با لهجه‌ها نیز آشنا باشید. مثل حوزه ترجمه رسانه‌ای، به هر صورت، ضرورت وجود یک تشکل در این زمینه نیز شاید احساس بشود.

○ با تشکر فراوان از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید.

بنده هم از شما متشکرم و برای همه دانشجویان، استادان و علاقه‌مندان مطالعات ترجمه، موفقیت و شادکامی و صبر جمیل آرزو مندم.

گردآوری: امید احمدی - علی کازرونی زند

این شماره: پایان نامه‌های کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات*

◆ Problems of Translating Humor in Subtitling

By: Ladan Saba, Advisor: Dr. H. Vossoughi, Reader: Dr. F. Farahzad, 2004

عنوان: مشکلات ترجمه طنز در زیرنویس/ لادن صبا

- به راهنمایی حسین وثوقی - به مشاوره فرزانه فرحزاد- ۸۳-۱۳۸۲

در این تحقیق، از یکسو، مفهوم زیرنویس و طنز به صورت نظری شکافته می‌شود و از سوی دیگر راهکارهای به کار رفته در ترجمه زیرنویس عملاً مورد مذاقه قرار می‌گیرد. این پژوهش در پی درک این امر است که آیا ترجمه طنز در زیرنویس معطوف به زبان و فرهنگ مبدأ است یا خیر و اینکه آیا انتخاب استراتژیها (راهکارها)ی به کار گرفته شده مبتنی بر نظر شخصی مترجم است یا هنجارهای زبان و فرهنگ مبدأ، تعیین کننده این انتخاب است. تحقیق حاضر مشتمل بر چهار فصل است که در آن، از روش توصیفی استفاده شده است. فصل اول، مقدمه، هدف تحقیق با ارائه دو سؤال تحقیق و روش دستیابی به جواب را شامل می‌شود. فصل دوم، به توضیح در مورد بحثهای نظری در ارتباط با این تحقیق اختصاص داده شده است.

در قسمت بحثهای نظری، ترجمه سمعی و بصری، هنجارها و طنز بررسی شده‌اند. ترجمه سمعی و بصری از دیدگاه وضعیت و اهمیت اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته و زیرنویس به مثابه یکی از انواع ترجمه سمعی و بصری به طور کامل در چارچوب عناوین مفهوم، انواع و استراتژیهای معطوف به آن بررسی شده است. هنجارها با توجه به نظریات توری (۱۹۹۵) و رابطه هنجارها و زیرنویس با توجه به نظریات دلاباستیتا (۱۹۹۸) بررسی شده است. سپس، مفهوم، انواع، مبحث ترجمه‌ناپذیر بودن طنز و مشکلات مربوط به آن مورد مذاقه قرار گرفته است. فصل سوم، چهارم و پنجم شامل نحوه گردآوری اطلاعات، نحوه بررسی اطلاعات، نتیجه تحقیق و کاربردهای آموزشی آن است. در این تحقیق، دو فیلم "احمق و احمق‌تر" (۱۹۹۴)، "دروغگو، دروغگو" (۱۹۹۷) ابزار گردآوری اطلاعات است. مدت زمان پخش این دو فیلم به ترتیب ۱۱۰ و ۹۰ دقیقه و هر دو دارای زیرنویس فارسی است. گردآوری اطلاعات از طریق مشاهده و بررسی این دو فیلم و متن آنها صورت گرفته است. فیلمها ابتدا با استفاده از روش ویرایش مترجمان شبکه چهار تلویزیون ولز که مشتمل بر بررسی کردن نگارش، خواندن متن زیرنویس و مشاهده کامل فیلم است مورد بررسی قرار گرفته و نمونه‌های طنز موجود از فیلمها استخراج شده است. سپس، با کمک از متن فیلمها نمونه‌های دیگری به فهرست اضافه شده و فهرست کاملی از نمونه‌های طنز

* معیار در ترتیب ذکر پایان‌نامه‌ها، فهرست تهیه شده در بخش پایان‌نامه‌های دانشگاه (ظاهراً بر اساس زمان ارائه به معاونت پژوهشی دانشگاه) بوده است. قسمت دوم این فهرست در شماره بعد درج خواهد شد. لازم به ذکر است متن اصلی پایان‌نامه‌های مذکور، همگی به زبان انگلیسی است.

موجود در فیلمها به همراه ترجمه آنها فراهم شده است. فهرست فوق بر اساس طبقه‌بندی ارائه شده، طبقه‌بندی شده است و نمونه‌ها بر اساس نوع ترجمه و استراتژیهای به کار برده شده به وسیله مترجمان بررسی شده است. پس از انجام مراحل تحقیق، نتایج به دست آمده تأییدی بر این فرضیه تحقیق بود که ترجمه طنز در زیرنویس معطوف به فرهنگ و زبان مقصد است و بر اساس یافته‌ها مشخص شد که استراتژیهای به کار رفته شده در آنها نیز، ترکیبی از استراتژیهای معطوف به زبان مبدأ و مقصد است که به طرف استراتژیهای زبان مقصد تمایل بیشتر دارد. بر این اساس نیز طبقه‌بندی ارائه شده است. همچنین مشخص شد که ترجمه‌های به کار رفته ترجمه‌های ارتباطی و تحت‌اللفظی است و استراتژیهای به کار رفته بر اساس هنجارهای زبان و فرهنگ مقصد است و بر اساس انتخاب شخصی مترجم نیست.



◆ The Role of Lexical Choices in News Translation

By: Marzieh Fazelnia, Advisor: Dr. F. Farahzad, Reader: Dr. G. Tajvidi, 2004

عنوان: تأثیر انتخابهای واژگانی مترجمان در زبان مقصد/ مرضیه فاضل نیا

- به راهنمایی فرزانه فرحزاد- به مشاوره غلامرضا تجویدی- ۸۳-۱۳۸۲

از آنجایی که مترجمان مختلف نسبت به یک متن واحد در زبان مبدأ ترجمه‌های متفاوتی ارائه می‌کنند، به نظر می‌رسد انتخابهای واژگانی در ترجمه آنها نقش مهمی را ایفا می‌کند، بنابراین بررسی دستکاریهایی که احتمالاً مترجم در متن مبدأ انجام می‌دهد و همچنین توجه به تأثیر انتخابهای واژگانی مترجمان در زبان مقصد از اهمیت بسیاری برخوردار است.

کار تحقیقی حاضر به منظور بررسی نقش ترجمه در مطبوعات به طور اعم و بررسی تأثیر انتخابهای واژگانی مترجم در ترجمه متون مطبوعاتی بالاخص، انجام گرفته است. از آنجائی که دامنه موضوعات مطبوعاتی بسیار گسترده است، مطالعه حاضر تنها به بررسی متون تحلیلی اخبار سیاسی پرداخته است. در این تحقیق سعی شده است که تأثیر انتخابهای واژگانی مترجمان بر روی خوانندگان متن مقصد بررسی شود. گزارش این تحقیق مشتمل بر چهار فصل است.

فصل اول مقدمه را شامل می‌شود، فصل دوم به توضیح در مورد بحثهای نظری در ارتباط با این تحقیق اختصاص داده شده است که عبارتند از: موضوع ایدئولوژی در ترجمه، تحلیل انتقادی گفتمان در حوزه ترجمه‌شناسی (CDA)، دستکاری در ترجمه (Manipulation)، زبان مطبوعات و رسانه‌های خبری، و ترجمه و فرایند "خواندن". فصل سوم مربوط به گزارش تحقیق و یافتن پاسخ به سؤال تحقیق و بررسی فرضیه مطرح شده در مقدمه است: آیا انتخابهای واژگانی مترجم می‌تواند در خواننده متن مقصد تأثیر متفاوت ایجاد کند؟ فرضیه‌های مطرح شده در این تحقیق عبارتند از: (۱) در ترجمه متون تحلیلی اخبار سیاسی از زبان انگلیسی به فارسی، دستکاری‌هایی توسط مترجم صورت می‌گیرد. (۲) انتخابهای واژگانی مترجم بر روی خوانندگان متن مقصد تأثیر متفاوتی ایجاد نمی‌کند.

کار تحقیق در سه مرحله آزمایشی، ترجمه متن اصلی تحقیق، و دادن پرسشنامه به خوانندگان متن مقصد انجام گرفت. افراد مورد تحقیق شامل دو گروه مترجمان و خوانندگان هستند.

گروه مترجمان عبارتند از هفت مترجم از روزنامه‌های کیهان، اطلاعات، همشهری، آفتاب یزد، جمهوری اسلامی، و صدا و سیمای جمهوری اسلامی و گروه خوانندگان که تعداد آنان بالغ بر ۴۶ نفر است. متن ترجمه از میان متون تحلیلی اخبار مربوط به خاورمیانه انتخاب شد.

پرسشنامه نیز مشتمل بر دو بخش بر اساس ترجمه‌های مترجمان تهیه و به خوانندگان داده شد.

پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌های استخراج شده توسط نرم افزار SPSS/PC+ مورد تحلیل قرار گرفت. بحث‌های نظری و نتایج حاصل از این تحقیق هر دو حاکی از این است که انتخاب‌های واژگانی مترجمان در متن مقصد می‌تواند تأثیرات متفاوتی در خوانندگان آن ایجاد نماید. بدین معنا که مترجمان نمی‌توانند بدون تأثیرگیری از قالب گفتمانی جامعه خود و متقاعب آن ایدئولوژی و فضای ذهنی خود به متنی نزدیک شوند. بنابراین کلماتی که آنها برای ترجمه متن مبدأ در متن مقصد به کار می‌برند، متأثر از نظام فکری و ایدئولوژیکی ایشان و جامعه آنها است.

✎ ✎ ✎ ✎

◆ An Assessment of Multiple Choice Test as a Tool for Evaluation of Translator Trainees' Performance

By: Niloufar Ghadiri, Advisor: Dr. Mohammad Alavi, Reader: Dr. F. Farahzad, 2004

عنوان: ارزیابی تست چهارجوابی به عنوان ابزاری برای ارزشیابی دانشجویان ترجمه/ نیلوفر قدیری

- به راهنمایی سید محمد علوی- به مشاوره فرزانه فرحزاد- ۱۳۸۳-۸۴

هدف از انجام این پایان‌نامه ارزیابی تست چهارجوابی به عنوان ابزاری برای ارزشیابی دانشجویان ترجمه است. برای این منظور دو آزمون از دانشجویان ترجمه در ترم‌های ۶، ۷، ۸ گرفته شد. این دو آزمون که یکی متنی برای ترجمه و دیگری یک تست چهار جوابه از همان متن بود، با فاصله زمانی دو هفته برگزار شد، به طوری که ابتدا آزمون متن و سپس آزمون چهار جوابی از دانشجویان گرفته شد. با نمرات کلاسی و معدل دانشجویان آنها که در پرسشنامه گرفته شده بود مقایسه شد. نتیجه آمار و تحلیل‌های آماری نشان داد که تست ترجمه ابزار مناسبی برای ارزشیابی دانشجویان ترجمه نیست. زیرا نمی‌تواند چهار مورد از اصلی‌ترین توانایی‌هایی که برای ترجمه مورد نیاز است را مورد ارزشیابی قرار دهد.

✎ ✎ ✎ ✎

◆ Semantic and Structural Adjustments in English Translation of the Qur'an (Sura 36)

By: Maryam Farrokhi, Advisor: Salar Manafi Anari, Reader: Dr. Hussein Mollanazar, 2004

عنوان: بررسی تعدیلهای ساختاری و معنایی در ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم (سوره ۳۶)/ مریم فرخی

- به راهنمایی سalar منافی اناری- به مشاوره حسین ملانظر- ۱۳۸۲-۸۳

هر زبان دارای خصوصیات زبانشناسی خاص خود است که در امر ترجمه برای انتقال دقیق مفهوم، تغییراتی در این ویژگیها صورت می‌گیرد. قرآن کریم کلام الهی است که برای هدایت کل بشر در تمام اعصار نازل شده است. استفاده از کلام الهی از طریق ترجمه‌های آن به سایر زبانها است که برای کل بشر میسر می‌گردد. توجه به جایگاه والا و خصوصیات خاص زبانی قرآن، حساسیت و اهمیت ترجمه آن را نشان می‌دهد.

در این تحقیق با هدف مشخص نمودن محدوده پذیرفتنی تعدیلهای ساختاری و معنایی در ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم، به بررسی مقابله‌ای و مقایسه‌ای ترجمه‌های انگلیسی سوره سی و ششم قرآن یعنی سوره یاسین پرداخته شده است.

با بهره‌گیری از تفاسیر و ترجمه فارسی قرآن، به مقابله و مقایسه ترجمه‌های آبربری، شاکر، اسد و یوسفعلی با هم و با متن اصلی پرداخته شده است. در این تحقیق دامنه ترجمه ناپذیری قرآن از دیدگاه زبانشناسی بررسی می‌شود و روشهای مترجمان مختلف و انواع تعدیلهای ساختاری و معنایی که در جهت انتقال مفاهیم متن اصلی بدان توسل جسته‌اند، مشخص می‌گردد.

نتایج حاصله که در قالب جدولهایی ارائه شده‌اند، انواع تعدیلهای موجود در ترجمه‌های انگلیسی برخی از آیات را نشان می‌دهد. در ترجمه‌های قرآن، استفاده از تعدیلهای ساختاری و معنایی اجتناب‌ناپذیر است و با وجود بهره‌گیری از آنها هم نمی‌توان ترجمه‌ای معادل کامل متن اصلی ارائه نمود. هر ترجمه فقط تلاشی است برای انتقال مفاهیم والای کلام الهی و نمی‌تواند جایگزین یا معادل کاملی برای آن باشد.

✽ ✽ ✽ ✽

◆ A Study of the Relationship between Interpreting Ability and Intelligence (IQ Level)

By: Ladan Ghazisaidi, Advisor: Dr. F. Farahzad, Reader: Dr. Mehdi Noroozi Khiabani, 2004

عنوان: بررسی رابطه میان هوش (سطح IQ) و توانایی ترجمه شفاهی / لادن قاضی سعیدی

- به راهنمایی فرزانه فرحزاد- به مشاوره مهدی نوروزی خیابانی- ۱۳۸۳

این تحقیق برای مطالعه رابطه میان توانایی ترجمه شفاهی و هوش صورت گرفته است. این مطالعه بر روی سی مترجم شفاهی انجام شده و افراد مورد مطالعه با یک تست ترجمه شفاهی که محقق طراحی کرده است و شامل ترجمه قسمتی از یک مصاحبه می‌باشد، ارزیابی شدند. ترجمه‌های انجام شده بر روی نوار، ضبط شده و توسط سه متخصص نمره‌دهی شدند و نمره میانگین محاسبه شد.

قسمت کتل برای ارزیابی سطح هوش افراد مورد مطالعه استفاده شد. همبستگی میان نمره‌های هوش و ترجمه شفاهی محاسبه شد.

نتایج تحقیق حاکی از یک همبستگی مثبت معنی‌دار میان سطح هوش و توانایی ترجمه شفاهی در افراد مورد مطالعه است.

به علاوه، در خلال انجام تحقیق، نتایج دیگری نیز به دست آمد و پرسشهایی برای تحقیقات بیشتر پیشنهاد شد.

✽ ✽ ✽ ✽

◆ The Impact of Syntactic Complexity on EFL Learners' Translating Difficulties of Imaginative Literary Texts, By: Omid Ahmadi, Advisor: Dr. G. Tajvidi, Reader: Dr. F. Farahzad, 2005

عنوان: تأثیر پیچیدگی نحوی بر مشکلات بی خلاق دانشجویان مترجمی زبان انگلیسی / امید احمدی

- به راهنمای غلامرضا تجویدی- به مشاوره فرزانه فرحزاد- ۸۴-۱۳۸۳

۱. هدف پژوهش: بررسی تأثیر پیچیدگی نحوی بر مشکلات ترجمه ادبی خلاق دانشجویان کارشناسی زبان انگلیسی.

۲. روش نمونه‌گیری: ۴۵ دانشجوی مؤنث کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی پس از برگزاری آزمون مهارت زبانی از میان ۶۲ دانشجو با توجه به سطح معلومات برگزیده شدند.

۳. روش پژوهش: توصیفی - یک گروهی.

۴. ابزار اندازه‌گیری: آزمون مهارت زبان- آزمون مهارت خواندن متون ادبی خلاق- آزمون ترجمه متون ادبی خلاق- آزمون ترجمه متون ادبی.

۵. طرح پژوهش: پس‌آزمون تک گروهی- رابطه علت و معلول.

بر اساس تحلیل داده‌ها در این تحقیق، پژوهشگر به این نتیجه رسید که تأثیر پیچیدگی نحوی بر توانایی ترجمه متون ادبی دانشجویان معنادار بوده و مشکلات آنها را در هنگام ترجمه متون ادبی خلاق بیشتر می‌کند.

◆ Different Techniques of Translating Methaphor, By: Nastaran Habibi, Advisor: Dr. Mohammad Khatib, Reader: Dr. G. Tajvidi, 2005

عنوان: روشهای مختلف ترجمه استعاره / نسترن حبیبی

- به راهنمایی: محمد خطیب - به مشاوره غلامرضا تجویدی - ۸۴-۱۳۸۳

از آنجائی که ترجمه استعاره یکی از مشکل‌سازترین مقولات در ترجمه محسوب می‌شود، توجه به اهمیت این صنعت ادبی در ترجمه ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین در مطالعه حاضر کوشش شده است تا شیوه‌هایی که دانشجویان در ترجمه استعاره از انگلیسی به فارسی به کار می‌برند مورد بررسی قرار گیرد. هدف این مطالعه بررسی این نکته است که آیا دانشجویان برای انواع استعاره تفاوتی قائل هستند و در ترجمه این صنعت ادبی شیوه خاصی بر دیگر شیوه‌ها رجحان دارد یا خیر.

گزارش این تحقیق مشتمل بر پنج فصل است: فصل اول، مقدمه را شامل می‌شود. فصل دوم، به توضیح در مورد بحثهای نظری مرتبط با این تحقیق اختصاص داده شده است که عبارتند از: نقطه نظرات کلاسیک و مدرن در مورد استعاره، طبقه‌بندی‌های نظریه پردازانی از قبیل نیومارک، لیکاف، و ... و همچنین روشهای پیشنهادی برای ترجمه استعاره. فصل سوم، مربوط به گزارش تحقیق، افراد مورد مطالعه و شیوه کار است. فصل چهارم مربوط به تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافتن پاسخ سؤالات زیر مشتمل بر:

- روشهای مورد استفاده مترجمان/ دانشجویان ترجمه برای ترجمه استعاره چیست؟
- در ترجمه استعاره از زبان انگلیسی به زبان فارسی چه روشهایی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند؟ و بررسی فرضیه‌های مطرح شده در مقدمه است:
- در ترجمه استعاره از زبان انگلیسی به فارسی تفاوت اساسی بین معنی‌آنهايي که معادل فارسی دارند و آنهايي که معادل ندارند وجود ندارد.
- در ترجمه استعاره از زبان انگلیسی به زبان فارسی تفاوت اساسی در روشهای مورد استفاده مترجمان وجود ندارد.

کار تحقیق با انتخاب ۲۰ جمله حاوی انواع استعاره آغاز شده است. این جملات از کتابهای "اصطلاحات و تعبیرات" نوشته غفار تجلی و فرهنگ آکسفورد انتخاب شده‌اند. جملات مزبور به هفتاد دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه علامه طباطبائی و همچنین بیست دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی، برای ترجمه از انگلیسی به فارسی داده شده است. پس از جمع‌آوری جملات ترجمه شده، داده‌های گردآوری شده بر اساس جدول استراتژی پیشنهادی نیومارک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و سپس این داده‌ها توسط نرم افزار SPSS بر روی نمودار بررسی شد.

بحثهای نظری و نتایج حاصل از این تحقیق حاکی از این است که دانشجویان در هنگام ترجمه استعاره از انگلیسی به فارسی عمدتاً از شیوه جایگزینی و ترجمه تحت‌اللفظی استفاده کرده‌اند و به ندرت استعاره را به تشبیه تبدیل کرده‌اند. در مواردی که استعاره معادل کلیشه‌ای در زبان فارسی نداشته است، استراتژی حذف نیز مورد استفاده قرار گرفته است. از مواردی که روش حذف کاربرد زیادی داشته است جمله هفت می‌باشد که در این جمله استعاره از نوع استعاره زنده به کار برده شده است و هیچ معادل کلیشه‌ای فارسی برای آن وجود نداشته است و به طور عمده یا حذف شده است و یا نادرست ترجمه شده است.

همچنین این تحقیق نشان داده است که در بین کسانی که در این تحقیق شرکت کرده‌اند خلایقیت جایگاه ویژه‌ای نداشته است.

معیار ارزیابی روشهای مورد استفاده مترجمان در این تحقیق، روشهای ترجمه پیشنهادی نیومارک (۹۱-۸۸ : ۱۹۸۸) می‌باشد.

✎ ✎ ✎ ✎

◆ Lexicography: Principles & Methods, By: Ali Qassemnezhad Djamei, Advisor: Gholam-Reza Tajvidi (Ph.D), Reader: Parviz Birjandi, 2004

عنوان: اصول فرهنگ نگاری تخصصی / علی قاسم نژاد جامعی

به راهنمایی غلامرضا تجویدی، به مشاوره پرویز بیرجندی- ۱۳۸۲

مخاطبان پایان‌نامه حاضر همهٔ آنانی هستند که بر حسب علاقه یا نوع کارشان به فرهنگ‌نگاری و اصولاً مرجع‌شناسی علاقه‌مندند. کانون توجه در این کار، معطوف به انواع گوناگون فرهنگ لغت است: از فرهنگهای کودکان و بزرگسالان گرفته، تا یک زبانه و دوزبانه و عمومی و تخصصی و علمی و فنی. نیم‌نگاهی نیز به فرهنگهای دوزبانه شده تا از این رهگذر، برخی از وجوه اشتراک و افتراق این نوع فرهنگ نویسی (دوزبانه) با فرهنگ نویسی یک زبانه مشخص گردد.

به‌زعم بسیاری از متخصصان واژگان‌نگاری، یکی از بزرگترین معضلات این حوزه از زبان شناسی کاربردی، کمبود منابع است و یکی دو مأخذ مهمی که سالهاست در این عرصه کاربرد دارند، در نگارش این پایان‌نامه نیز در زمرهٔ منابع مهم و اصلی جای داشتند: یکی راهنمای واژگان‌نگاری (Manual of Lexicography) اثر سترگ لادیسلاو زگوستا (Ladislav Zgusta)، پژوهندهٔ اهل چک، و دیگری، اصول و روش واژگان‌نگاری Lexicography: Principles and Practice نوشته ر. ک. هارتمان (R.R.K.Hartman) انتشارات آکادمیک لندن.

برای ورود به عرصهٔ فرهنگ نویسی، پیش از هر چیز باید دو نکته را دانست: اول این که یک فرهنگ لغت (dictionary) چه چیزی هست - یا به عبارت دقیقتر - چه چیزی نیست، و دوم اینکه چه نوع اطلاعاتی باید بدهد. از همین رو، آغازگاه پایان‌نامه، تشخیص و تبیین وجوه تمایز میان فرهنگ لغت و دانشنامه/ دایرةالمعارف (En) است. بدیهی است که لازمهٔ چنین بحثی، آشنایی هر چند اندک با پیشینه و زمینهٔ واژگان‌نگاری (Lexicography) در مرحله بعد، به یکی از مهمترین و در عین حال خطیرترین مقولات مندرج در کار واژگان‌نگاری و پرداخت فرهنگ نویسی، یعنی تعریف واژگان‌نگاری (definition) می‌شود. در اینجا نیز هدف، تبیین تعریف از این نگاه بوده است، نه از دید فلسفه، منطق، یا هر رشته دیگر.

واژگان‌نگاری نیاز چندانی به استعداد یا خلاقیت فردی ندارد، بلکه مستلزم فراست، مهارت و سخت‌کوشی واژه‌نگار است، و ماحصل واژگان‌نگاری، خلق اثری است مانا و پرارزش. به طور معمول، عمر فرهنگهای لغت، واژه‌نامه‌ها و دانشنامه‌ها دیرپاتر از عمر پدیدآورندگانشان است. ساموئل جانسون، فرهنگ‌نویس شهیر انگلیسی، هم شاعر بوده، هم نمایشنامه‌نویس، هم زندگینامه‌نویس، و هم اهل سیاست و بحث و جدل؛ اما آن چه باعث ماندگاری نام او شده، میراث گران سنگ او در عرصه فرهنگ‌نویسی است: جانسون مؤلف نخستین فرهنگ لغت انگلیسی است.

در بخش نهایی پایان‌نامه حاضر، حدود یک سوم از فرهنگ توصیفی اصطلاحات ترجمه‌شناسی نوشته مارک شاتلورث (Mark Shuttleworth) و مویراکویی (Moria Cowie) از انتشارات سنت‌جروم منچستر در سال ۱۹۹۷ با توجه به آن چه در بخش نخست پایان‌نامه آمده، ترجمه شده است (از ابتدای حرف H تا انتهای حرف P). در این بخش، اصل بر امانتداری و انتقال همهٔ عناصر زبانی تا حد امکان بوده است، مشروط به آنکه برای خوانندهٔ این نوع متن، دشوار فهم نباشد. هنگام برابری برای مدخلها، اصل ارجح، رجوع به منابع ترجمه شده معتبر و در

مرحله بعد، واژه‌گزینی و اصطلاح‌سازی بوده است. هنگام ضبط اسامی اشخاص (اعلام) نیز کوشیده شد تا شیوه نگارش اعلام با توجه به خاستگاه افراد از لحاظ ملیتشان صورت گیرد.

✽ ✽ ✽ ✽

◆ Students of Philosophy and Religion in Translating Technical and & Non-technical Texts
By: Malak Mortazi Biabani, Advisor: Dr. F. Farahzad, Reader: Dr. G. Tajvidi, 2005

عنوان: تفاوت عملکرد دانشجویان مترجمی انگلیسی و دانشجویان فلسفه و فقه در ترجمه متون تخصصی و

غیر تخصصی / ملک مرتاضی بیابانی

- به راهنمایی فرزانه فرحزاد- به مشاوره غلامرضا تجویدی- ۱۳۸۴

ترجمه به عنوان مهمترین ابزار ارتباطات بین‌المللی، همواره در مرکز توجه قرار داشته است. متخصصان بسیاری در تلاش بوده‌اند تا تفاوتها و مشکلات ترجمه را از طریق ارائه فرضیه‌های مختلف، روشهای ترجمه و معیارهای ارزشیابی روشن کنند. ترجمه متون تخصصی نیز از جایگاه ویژه‌ای در بین مترجمان برخوردار بوده است. آنچه در ترجمه متون تخصصی و غیر تخصصی مورد توجه قرار می‌گیرد در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. این امر از طریق مقایسه ترجمه یک متن تخصصی (فلسفی) و دیگری، متن غیر تخصصی (متن ساده/ خبری) محقق شده است. متن تخصصی به این دلیل انتخاب شده است که معلومات تخصصی و تأثیر آن را در افراد مورد مطالعه، بسنجد و متن غیرتخصصی به این دلیل انتخاب شده است که قابلیت ترجمه عمومی افراد مورد تحقیق را عموماً برآورد کند. واحد ترجمه در تصحیح متون مذکور، جمله تعیین شده است. معنادار بودن، کیفیت، صحت، ساختار صحیح، طبیعی بودن و بسندگی جملات ترجمه شده از جمله موارد بررسی شده در تحقیق مورد نظر می‌باشند. الگوی تصحیح متون مذکور از الگوی فرحزاد (۱۹۹۲) گرفته شده است. از نتایج به دست آمده در این تحقیق می‌توان در دوره‌های تربیت مترجم و در تدریس دوره‌های مترجمی استفاده نمود. الگوی ارزیابی ترجمه که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است را می‌توان برای ارزیابی سایر ترجمه‌ها خصوصاً در دروس دانشگاهی رشته مترجمی به کار برد.

✽ ✽ ✽ ✽

◆ The Impact of Grammar Knowledge on the Translator Trainees' Translation Ability

By: Reza Farzi, Advisor: Dr. F. Farahzad, Reader: Dr. G. Tajvidi, 2005

عنوان: تأثیر دانش دستوری بر توانایی ترجمه دانشجویان مترجمی زبان انگلیسی / رضا فرضی

- به راهنمایی فرزانه فرحزاد- به مشاوره غلامرضا تجویدی- ۱۳۸۳-۸۴

هدف از تحقیق حاضر، بررسی تأثیر دانش دستوری بر توانایی ترجمه دانشجویان رشته مترجمی می‌باشد. برای نیل به این هدف مراحل مختلفی توسط محقق انجام شد. ابتدا سؤالات تحقیق (فرضیات) مطرح گردیدند که به قرار زیر می‌باشند:

۱. آیا رابطه معناداری بین دانش دستوری و توانایی ترجمه دانشجویان رشته مترجمی وجود دارد؟
۲. آیا رابطه معناداری بین نمرات کسب شده در امتحان چندگزینه‌ای ترجمه و نمرات کسب شده در امتحان کتبی ترجمه وجود دارد؟
۳. آیا رابطه معناداری در میان نمرات کسب شده در بخشهای مختلف امتحان کتبی ترجمه وجود دارد؟

پیرو این فرضیات، فرضیات صفر مربوطه نیز اعمال گردیدند. سپس از میان ۹۴ دانشجوی سال آخر رشته مترجمی زبان انگلیسی (دانشگاه آزاد اسلامی اسلامشهر) به جهت همگن شدن جامعه آماری، امتحان توانش زبانی (تافل) گرفته شد. از میان ۹۴ دانشجوی مذکور، ۴۴ دانشجو به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند. یک هفته پس از امتحان تافل آنان ۲ امتحان ترجمه چند گزینه‌ای و ترجمه کتبی به عمل آمد. از آنجایی که امتحان توانش زبانی استاندارد در زبان فارسی وجود ندارد، محقق نمره کسب شده در درس فارسی عمومی را مبنای توانش زبانی فارسی در نظر گرفت. حداقل نمره معیار در فارسی عمومی ۱۴ در نظر گرفته شد. بر اساس اطلاعات آماری بدست آمده از سه امتحان فوق (بخش دستوری امتحان تافل، امتحان چند گزینه‌ای ترجمه و امتحان کتبی ترجمه) و با استفاده از روش آماری همبستگی وجود تأثیر مثبت دانش دستوری بر توانایی ترجمه اثبات گردید و تمامی فرضیات صفر این تحقیق رد شدند.



◆ A Comparative Study of English Participial Phrases and Their Persian Translation Equivalents

By: Ahmad Karimi Banadkouhi, Advisor: Dr. H. Vossoughi, Reader: Dr. F. Farahzad, 2004

عنوان: بررسی تطبیقی عبارات وجه وصفی انگلیسی و معادلهای (ترجمه‌ای) فارسی آنها / احمد کریمی

بنادکوی

- به راهنمایی حسین وثوقی - به مشاوره فرزانه فرحزاد - ۱۳۸۳

این پژوهش به دو نکته اساسی می‌پردازد:

۱- جستجوی راهکارها و معادلهای متنی زبان فارسی که عموماً و با دامنه وسیع کاربرد، در ترجمه عبارات وجه وصفی زبان انگلیسی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۲. در صورت امکان، یافتن معادلهای متنی یا معادلهای صوری پایا و متداول فارسی که به طور معمول در ترجمه عبارات وجه وصفی انگلیسی به کار رفته، در راستای سهولت امر آموزش، بعضی از جوانب فرایند ترجمه را قابل پیش‌بینی نمایند.

در این تحقیق ضمن گردآوری اطلاعات مورد نیاز (جفت‌های انتخاب شده عبارت وجه وصفی انگلیسی و معادل ترجمه‌ای فارسی آن) از منابع مختلف انگلیسی و ترجمه‌های فارسی آنها بوسیله مترجمان مختلف، به مطالعه تطبیقی آنها پرداخته شده است. این امر همچنین تلاشی است جهت کشف و تعیین معادلهای "ساختاری" و "نقشی" فارسی که به طور معمول در ترجمه عبارات وجه وصفی انگلیسی به کار گرفته می‌شوند. بنابراین، به امید دستیابی به الگوهای کلی و مفید در ترجمه این ساختارها، محقق سعی کرده است هر یک از جفت‌های انتخاب شده را از زوایای ساختار و نقش آنها در زبانهای مربوطه توصیف و سپس مقایسه نماید. نتایج به دست آمده به طور خلاصه عبارت است از:

۱- از نظر ساختار، حدود ۹۰٪ از عبارات وجه وصفی انگلیسی، در فرایند ترجمه، به جمله‌واره‌های فارسی تغییر شکل یافته‌اند. به عبارت دیگر، ساختارهای طبیعی فارسی که می‌توانند به طور پایا و پربسامد معادل عبارات وجه وصفی انگلیسی قرار گیرند، جمله‌واره‌های فارسی می‌باشند و بدین صورت فرضیه صفر که در آغاز پژوهش مطرح گردیده است رد می‌شود و خوشبختانه پاسخ به سؤال مطروحه با نتیجه خوبی حاصل شده است.

۲- از نظر نقش، حدود ۸۰٪ از عبارات وجه وصفی انگلیسی که در زبان مبدأ نقش معرف (modifier) داشته‌اند، در زبان فارسی نقش متفاوتی از قبیل: قید حالت، قید زمان، قید علت، قید منظور و حتی اسم و نیز جمله‌واره‌های اصلی (که فاقد نقش می‌باشند) به خود می‌گیرند.

امید است که یافته‌های این تحقیق به صورت ره‌آوردی هر چند اندک در پیشبرد دانش ترجمه‌شناسی بخصوص در حوزه انگلیسی به فارسی در موارد زیر مؤثر واقع شود:

۱- برای دانشجویان و مربیان ترجمه در دستیابی به معادلهای فارسی مناسب در ترجمه عبارات وجه وصفی انگلیسی که ساختارهای پیچیده‌ای هستند، مفید واقع شود.

۲- به مترجمان و معلمان ترجمه در تشخیص ساختارهای فارسی که ممکن است به عنوان معادلهای متنی در ترجمه عبارات وجه وصفی انگلیسی به کار گرفته شوند دیدگاه دقیقتر و بینش عمیقتری بدهد. اینگونه بررسیها در زمینه ساختار و مطالعات ساختاری همچنین ممکن است با بهره‌گیری از رویکردی نوین در علم مطالعات ترجمه، مترجمان و ترجمه‌شناسان فارسی را در دستیابی به راهکارها و نگرشهای جدید در ارتباط با ترجمه دیگر ساختارهای انگلیسی و معادلهای طبیعی و متداول آنها در زبان فارسی کمک نماید.



◆ Terminology: Principles, Methods, and Standards

By: Mazdak Bolouri, Advisor: Dr. F. Farahzad, Reader: Dr. P. Birjandi, 2004

عنوان: اصطلاح‌شناسی: اصول، روشها و استانداردها / مزدک بلوری

- به راهنمایی فرزانه فرحزاد- به مشاوره پرویز بیرجندی- ۱۳۸۲

این پایان‌نامه کارشناسی ارشد شامل دو بخش است:

در بخش نخست، تلاش می‌شود که شرح مختصری از اصول، روشها و استانداردهای اصطلاح‌شناسی ارائه گردد. این بخش شامل اطلاعات مقدماتی ضروری برای واژه‌گزینی موفق و نیز مراحل مختلفی است که در صورت مبادرت به این کار باید از آنها عبور کرد. این مقاله توضیح می‌دهد که چگونه اشیاء موجود در یک حوزه خاص در قالب مفاهیم انتزاعی ریخته می‌شوند و به تبیین روش می‌پردازد که این مفاهیم را به صورت شبکه‌های مفهومی سامان می‌دهد. سپس در ادامه، انواع مختلف تعاریف را معرفی می‌کند تا در تعریف مفاهیمی که پیشتر شناسایی شده‌اند به کار گرفته شوند و در ضمن اصول تعریف نویسی را شرح و بسط می‌دهد. پس از آن، توصیفی از انواع متفاوت بازنمودها همراه با تحلیلی از اصول و روشهای واژه‌سازی ارائه می‌گردد. این پژوهش در ادامه کار خود به تشریح اهمیت استانداردسازی و هماهنگ‌سازی مفاهیم و اصطلاحات در کار اصطلاح‌شناسی پرداخته، روشهای و مراحل این دو فرایند را بر می‌شمارد. در خاتمه، روشی را که باید با استفاده از آن داده‌های اصطلاح‌شناختی را از طریق فرایند واژه‌نگاری ثبت، پردازش و ارائه کرد توصیف می‌کند.

در بخش دوم این پایان‌نامه، قسمتی (ابتدای حرف A تا انتهای حرف G) از یک فرهنگ توصیفی مطالعات ترجمه (شاتلورث و کوئی، فرهنگ مطالعات ترجمه، منچستر: انتشارات سنت جروم، ۱۹۹۷) به فارسی ترجمه خواهد شد. در این ترجمه تلاش می‌شود که برگردان متن تا سر حد امکان به متن اصلی نزدیک باشد و در عین حال به نقش اطلاعاتی متن توجه خاص می‌شود تا این متن بتواند هدف (یا اسکوپوس) خود را دنبال کند. به بیان دیگر، این ترجمه بین وفاداری به متن اصلی و اهداف اطلاعات‌دهندگی متن ایجاد مصالحه می‌کند. در ضمن تعدادی معادلهای فارسی برای آن دسته از مفاهیمی که هیچ بازنمودی در فارسی ندارند انتخاب یا برساخته خواهد شد.



◆ On the Relationship between Simultaneous Interpreters' Speed of Speaking in Farsi and the Quality of Their Interpreting

By: Maryam Hosseinzadeh, Advisor: Dr. H. Marashi, Reader: Dr. G. Tajvidi, 2006

عنوان: رابطه بین سرعت کلام مترجمان همزمان در فارسی و کیفیت ترجمه آنها/ مریم حسین زاده

- به راهنمایی حمید مرعشی - به مشاوره غلامرضا تجویدی - ۸۵-۱۳۸۴

این تحقیق درصدد بررسی رابطه میان دو شیوه پیچیده ارتباطی یعنی تکلم و ترجمه همزمان بود که بیانگر فرایندهای پیچیده زبانی و نورولوژیکی هستند که با سرعتی باورنکردنی در ذهن شکل می گیرند. پرسش اصلی تحقیق این بود که آیا میان سرعت کلام مترجمان همزمان در زبان مادری شان یعنی فارسی و کیفیت ترجمه همزمان آنها از انگلیسی به فارسی رابطه معناداری وجود دارد یا خیر. ۱۴ نفری که برای این مطالعه انتخاب شدند مترجمان همزمان حرفه‌ای بودند که در همایشهای مختلف داخل و خارج کشور مشغول به کار بودند. دو آزمون تکلم به فارسی و به دنبال آن ترجمه همزمان از انگلیسی به فارسی به عمل آمد. سرعت تکلم مترجمان در زبان مادری شان با مقیاس تعداد کلمات در هر ثانیه محاسبه شد و سپس آزمونهای ترجمه بررسی و نمره‌گذاری شدند. در پایان، داده‌ها نشان دادند که هیچ رابطه معناداری میان سرعت کلام مترجمان همزمان در زبان فارسی و کیفیت ترجمه همزمان آنها از انگلیسی به فارسی وجود ندارد.

◆ ◆ ◆ ◆

◆ Shifts in English-Persian Translation

By: Masomeh Komijani, Advisor: Dr. A. Sedighi, Reader: Dr. G. Tajvidi, 2005

عنوان: شیفت در ترجمه از انگلیسی به فارسی/ معصومه کمجانی بزچلوئی

- به راهنمایی احمد صدیقی - به مشاوره غلامرضا تجویدی - ۱۳۸۴

در این تحقیق، تلاش بر این بوده که بسامد انواع مختلف تغییرات نحوی (شیفت) و پربسامدترین آنها که در ترجمه رمان از زبان انگلیسی به فارسی اتفاق می افتد بررسی شود. مطابق فرضیه تحقیق، پربسامدترین نوع این تغییرات نحوی در ترجمه رمان از انگلیسی به فارسی تغییرات ساختاری است و به طور ویژه ما در جستجوی یافتن پاسخ به سؤال زیر هستیم: - پربسامدترین تغییر نحوی در ترجمه رمان از انگلیسی به فارسی کدام است؟ در این تحقیق شیفت در ترجمه از دیدگاه کتفورد مورد بررسی قرار گرفته و در واقع، چهارچوب نظری و پایه و اساس این تحقیق را تشکیل می دهد. به منظور پاسخ به سؤال تحقیق، در این تحقیق بخشهایی از متن مبدأ، از سه رمان مختلف انگلیسی و ترجمه های آنها به فارسی اقتباس شده است تا انواع تغییرات نحوی اتفاق افتاده در طول ترجمه بررسی شود و از این طریق به هدف تحقیق یعنی بسامد انواع مختلف تغییرات نحوی - که کتفورد معرفی کرده است - و پربسامدترین آنها دست یابد.

تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای این سه رمان و ترجمه‌های فارسی آنها نشان می‌دهد که تغییرات ساختاری (structure-shifts) با بسامد ۵۱۳ و درصد ۴۹ از کل تغییرات نحوی موجود در متنهای مورد بررسی، پربسامدترین این تغییرات نحوی است و بعد از آن به ترتیب تغییرات واحدی یا مرتبه‌ای (rank or unit-shifts) با بسامد ۲۱۰ و درصد ۲۰، تغییرات داخل سیستمی (intra-system shifts) با بسامد ۱۵۸ و درصد ۱۵/۱، تغییرات

طبقه‌ای (class-shifts) با بسامد ۹۸ و درصد ۹/۳ و تغییرات بین سطوحی (level-shifts) با بسامد ۶۷ و درصد ۶/۴ اتفاق افتاده است.

این تحقیق می‌تواند از چند جهت مفید واقع شود:

۱. برای دانشجویان زبان انگلیسی که از این طریق عناصر زبان انگلیسی را شناخته و در نتیجه می‌توانند به طور مؤثر این زبان را بیاموزند.
۲. به دانشجویان مترجمی زبان انگلیسی کمک می‌کند تا جملات را به خوبی تجزیه و تحلیل کرده و در نتیجه ترجمه مؤثری را ارائه دهند.



◆ Reading for Translation and for Non-Translation Purposes

By: Nasrin Mohaghegh, Advisor: Dr. H. Vossoughi, Reader: Dr. Mohammad Khatib, 2004

عنوان: خواندن با هدف ترجمه و خواندن با هدف غیر ترجمه / نسرین محقق

- به راهنمایی حسین وثوقی - به مشاوره محمد خطیب - ۸۳-۱۳۸۲

می‌توان گفت که ترجمه از قدمتی معادل خود زبان برخوردار است زیرا در داخل هر زبان و هم در بین زبانهای مختلف ارتباط انسانها همواره از طریق ترجمه عملی بوده است. با این همه آنگونه که شیریو و دیگران (۱۹۹۳) نیز یادآور شده‌اند تا سالهای اخیر ترجمه عمدتاً در محدوده و چارچوب محصول نهایی بررسی می‌شده و لذا در مورد نقش هر یک از عوامل مؤثر در فرایند ترجمه تحقیق لازم به عمل نیامده است.

از مهمترین عوامل مؤثر در فرایند ترجمه آنگونه که از نظرات دانشمندان و محققان برمی‌آید توانایی مترجم در خواندن و درک مطلب در زبان مبدأ می‌باشد و به نظر می‌رسد که بررسی این مهم که مترجم برای دست یافتن به آن سطح از آگاهی درک و بینش از متن اصلی و برای بیان کردن قصد و منظور نویسنده اصلی روش خاصی از خواندن را به کار می‌برد، لاقلاً برای منظوره‌های آموزشی ضروری باشد.

خواندن یک متن به منظور ترجمه کردن آن به سامان یافتن یک متن مقصد و به پدید آمدن اثری منطبق با منظور نویسنده اصلی می‌انجامد که این روش خواندن آن متن برای هر هدف دیگری است. بنابر موارد ذکر شده این تحقیق به منظور برداشتن قدمی در جهت اثبات توانایی خاص مترجم در خواندن و تجزیه و تحلیل متن اصلی و اثبات این مهم که این روش خواندن متفاوت با روش خواندن همان متن برای هر هدف غیر ترجمه‌ای دیگر است و با پرسش و فرضیه زیر انجام شده است.

پرسش: آیا شیوه خواندن یک متن برای هدف ترجمه با شیوه خواندن همان متن برای یک هدف غیر ترجمه‌ای متفاوت است؟

فرضیه (فرضیه صفر): مترجم به منظور دست یافتن به آن سطح از آگاهی، درک و بینش از متن اصلی شیوه خاصی از خواندن را به کار نمی‌برد. به عبارت دیگر شیوه خواندن یک متن برای هدف ترجمه، با شیوه خواندن آن برای یک هدف غیر ترجمه یکسان است.

(فرضیه مقابل): تفاوت نمره دانشجو در هر دو بار مشهود است.

تعداد ۴۰ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران، از بین تمامی گروه‌های کارشناسی مترجمی انگلیسی دانشگاه مذکور، به طور تصادفی انتخاب و به عنوان نمونه‌ای از جامعه مورد تحقیق مورد استفاده قرار گرفتند. از نمونه مورد اشاره در سه زمینه آزمون به عمل آمد:

۱- آزمون خواندن و درک مطلب که به صورت چهارگزینه‌ای اجرا گردید.

۲- آزمون ترجمه متن (مکتوب) از انگلیسی به فارسی- آزمون خواندن و درک مطلب (تکرار آزمون اول) بر اساس نمرات آزمونهای فوق محاسبات آماری لازم انجام و با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان گفت: $D=\overline{X1}-\overline{X2}=0$ در فاصله اطمینان ۹۵٪ بدست آمده قرار نمی‌گیرد. بنابراین فرضیه صفر به راحتی رد می‌گردد.

- نتایج این تحقیق با نظرات دانشمندان عرصه ترجمه مبنی بر اینکه روش خواندن برای هدف ترجمه با روش خواندن برای هر هدف دیگری متفاوت است (با تحقیق آقای شیرینو همخوانی دارد).

از یافته‌های این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که همانگونه که مورد تأکید صاحب‌نظران ترجمه است، مترجم از توانایی خاصی برای خواندن و تجزیه و تحلیل متن برخوردار است و برای هدف ترجمه، متن را به گونه‌ای خاص تحلیل می‌کند که این روش خواندن برای ترجمه با روش خواندن برای هر هدف دیگری متفاوت است.

✽ ✽ ✽ ✽

◆ The Relationship between the Knowledge of Persian Grammar and Translation Performance

By: Muhammad Kamani, Advisor: Dr. A. Sedighi, Reader: Dr. F. Farahzad, 2005

عنوان: رابطه بین دانش دستور زبان فارسی در ترجمه از زبان انگلیسی / محمد کامانی

- به راهنمای احمد صدیقی- به مشاوره فرزانه فرحزاد - ۱۳۸۳

الف- موضوع و طرح مسئله: این تحقیق به منظور مشخص کردن رابطه بین آشنایی مترجم با دستور زبان فارسی و توانایی او در ترجمه از زبان انگلیسی به فارسی است.

ب- مبانی نظری، پرسشها و نظریه‌ها: چارچوب نظری به کار گرفته شده در این تحقیق بر این پایه استوار است که کسانی که در امر ترجمه با دستور زبان مبدأ و مقصد آشنایی دارند، ترجمه آنها از نظر کمی و کیفی در سطح بالاتری قرار دارد.

ج- روش تحقیق، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها: روش به کار گرفته شده در تحقیق روش آماری بود که برای دستیابی به این منظور از ۵۵ دانشجوی رشته مترجمی در دو دانشگاه آزاد واحد جنوب تهران و پیام نور خمین خواسته شد که به سه گروه سؤال که شامل ۲۰ سؤال چهارگزینه‌ای گرامر، ۲۰ سؤال چهارگزینه‌ای بود لغت پاسخ دهند و ۱۵ جمله انگلیسی را به فارسی ترجمه کنند.

د- یافته‌ها و نتیجه‌گیری: آمار و ارقام در تحقیق انجام گرفته نشان داد مترجمانی که به دستور زبان هر دو مبدأ و مقصد آشنایی دارند در به‌کارگیری جملات صحیح و روان تسلط بیشتری دارند.

✽ ✽ ✽ ✽

آشنایی با دوره کارشناسی ارشد مترجمی

آزمونهای ورودی و سرفصلهای دروس کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی

سید حسین حیدریان*

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی - واحد رودهن

بخش نخست: بررسی سؤالات آزمونهای ورودی (سراسری و آزاد اسلامی)

در قسمت "شرایط پذیرش" مندرج در "کتابچه مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس" دوره کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فعلی) چنین آمده است:

"داوطلبان ورود به این رشته علاوه بر دارا بودن شرایط عمومی ورود به دوره کارشناسی ارشد (براساس آئین‌نامه کارشناسی ارشد شورای عالی برنامه‌ریزی) باید بتوانند از عهده امتحان ورودی این دوره که عبارت است از زبان انگلیسی، زبان و ادبیات فارسی، مهارت ترجمه از زبان انگلیسی به فارسی و بالعکس و آئین نگارش فارسی برآیند."

در طی سالهای برگزاری آزمونهای ورودی دوره‌های کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی (از سال ۱۳۸۰)، سؤالات تخصصی با ضریب ۳ در مقایسه با ضریب ۲ برای زبان عمومی به صورت تستهای چهارجوابی، شامل ۵ موضوع درسی اصول و مبانی نظری ترجمه، واژه‌شناسی، مهارت ترجمه، زبان‌شناسی، و ادبیات فارسی بوده است. جدول شماره ۱ تعداد سؤالات مطرح شده در کنکور سراسری و دانشگاه آزاد اسلامی را طی چهار سال متوالی به تفکیک موضوعات مختلف امتحانی نشان می‌دهد.

همان‌طور که از جدول شماره ۱ پیداست، مجموع سؤالات مربوط به بخش مهارت ترجمه یا ترجمه متون (که گاه از آن به‌عنوان ترجمه عملی نیز یاد می‌شود) تقریباً سال به سال کمتر شده است. کاهش این‌گونه سؤالات در هر دو آزمون، یقیناً بی‌دلیل نیست و می‌تواند به دلیل ناکارآمد بودن آنها در سنجش تواناییهای ترجمه داوطلبان باشد. سؤالات مهارت ترجمه معمولاً طوری است که برای انتخاب گزینه درست می‌توان از استدلال، دانش واژگانی و حتی از هوش و تکنیکهای پاسخگویی به تست به جای مهارت در ترجمه استفاده جست و این معیار خوبی نیست. از سویی، گاه ابهام ناشی از سلیقه‌ای بودن سؤالات، انتخاب بین دو گزینه نزدیک به پاسخ را برای مترجمی حرفه‌ای نیز دشوار می‌کند. در نمودارهای ۱ و ۲، میزان کاهش این سؤالات در مقایسه با تغییر در تعداد سؤالات دیگر طی سه سال متوالی نشان داده شده است.

با توجه به نمودارهای ۱ و ۲ افزایش نسبی سؤالات اصول و مبانی نظری ترجمه در سالهای اخیر، بویژه در کنکور سراسری کاملاً مشهود است؛ به طوری که حدود ۳۱ درصد سؤالات کنکور سراسری سال ۸۵ (مجموعاً ۲۵ سؤال) و ۲۱ درصد سؤالات دانشگاه آزاد اسلامی (مجموعاً ۳۰ سؤال) را سؤالات اصول و مبانی نظری ترجمه تشکیل داده است.

* heydariann@yahoo.com

** مصوب کمیته تخصصی زبانهای خارجی، گروه علوم انسانی شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ آموزش عالی، ۱۳۷۸، ص ۴ (شرح کامل برنامه و سرفصل دروس در بخش پنجم این گفتار آمده است).

۳۰	۲۰	۲۰	۱۵	۲۵	۲۶	۱۰	۱۵	*
۱۵	۱۰	۱۰	۲۰	۱۵	۱۰	۱۵	۱۲	
۵	-	۳۵	۳۷	۱	۳	۵	۱۶	سیاسی/اقتصادی
۱۵	۱۰	۲۰	۱۹	۷	۱۰	۲۲	۱۹	اسناد/حقوقی
۱۰	۱۵	۵	۹	۷	۱	۳	۸	مذهبی ادبیات مذهبی/اخلاقی
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	ادبی
۳۰	۲۵	۶۰	۶۵	۱۵	۱۴	۳۰	۴۳	
۴۰	۴۵	۲۰	۲۰	۱۰	۲۰	۱۵	۱۰	
-	-	-	-	۱۰	۱۰	۱۰	-	**
۲۵	۳۷	۳۰	۲۰	۵	-	-	-	***
۱۴۰	۱۴۰	۱۴۰	۱۴۰	۸۰	۸۰	۸۰	۸۰	

* این عنوان در آزمون آزاد اسلامی به نام نظریه‌های ترجمه آمده است.

** در بعضی سالها سؤالات بررسی مقابله‌ای ساخت جمله با سؤالات درس زبانشناسی ادغام شده است و در مجموعه زبانشناسی قرار گرفته است.
*** معمولاً در آزمون سراسری، درس واژه‌شناسی و دستور زبان فارسی در یک مجموعه و در ذیل عنوان واژه‌شناسی قرار گرفته است که در این جدول تفکیک شده است. بیشتر سؤالات ادبیات فارسی، سؤالات دستوری و نگارشی است و هر سال فقط دو یا سه سؤال از تاریخ ادبیات (با تکیه بر سبک‌شناسی) مطرح شده است.

این کاهش و افزایش در تعداد سؤالات دو بخش مهارت‌های ترجمه و اصول و مبانی نظری ترجمه، علاوه بر مسائل مطرح شده در ابتدای این گفتار، می‌تواند در جهت تطابق بیشتر آزمون با اهداف این دوره، مندرج در بخش پنجم این گفتار یعنی تأکید بر قابلیت‌ها و دانسته‌های داوطلبان در خصوص مسائل نظری باشد.

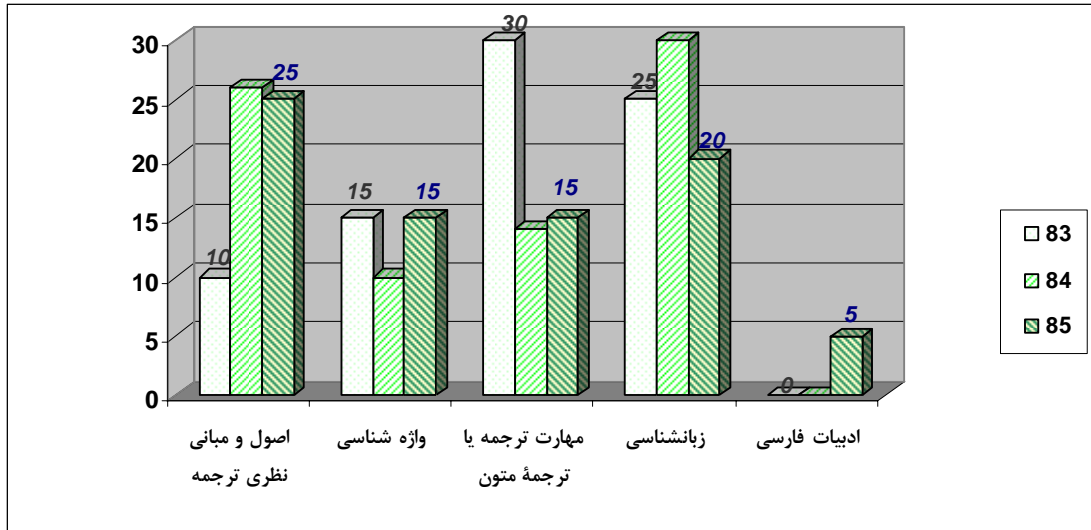
جدول ۲ تعداد و درصد سؤالات آزمونهای سراسری و آزاد در سال ۸۵ را نشان می‌دهد. درصدهای موجود در این جدول در نمودار ۳ (جهت مقایسه میزان تأکید طراحان سؤال بر موضوعات مختلف درسی در آخرین سال برگزاری آزمونهای ورودی) آمده است. به نظر می‌رسد توجه به این نمودار و نیز منابع ذکر شده در بخش چهارم این گفتار برای داوطلبان ورود به این دوره مفید باشد.

بی‌شک، تحلیل کاملی از نوع و فراوانی سؤالات و نحوه برگزاری آزمونهای ورودی مذکور، مجال دیگری را می‌طلبد که از حوصله این گفتار خارج است. از مسائلی که می‌تواند موضوع یک تحقیق جامع در این خصوص باشد، تحلیل ویژگیهای سؤالات و نیز نوع انتخاب گزینه‌ها است. این موضوع در مورد سؤالات اصول و مبانی نظری ترجمه به طور اجمالی در بخش سوم این گفتار (بخش پاسخنامه) بررسی شده است.

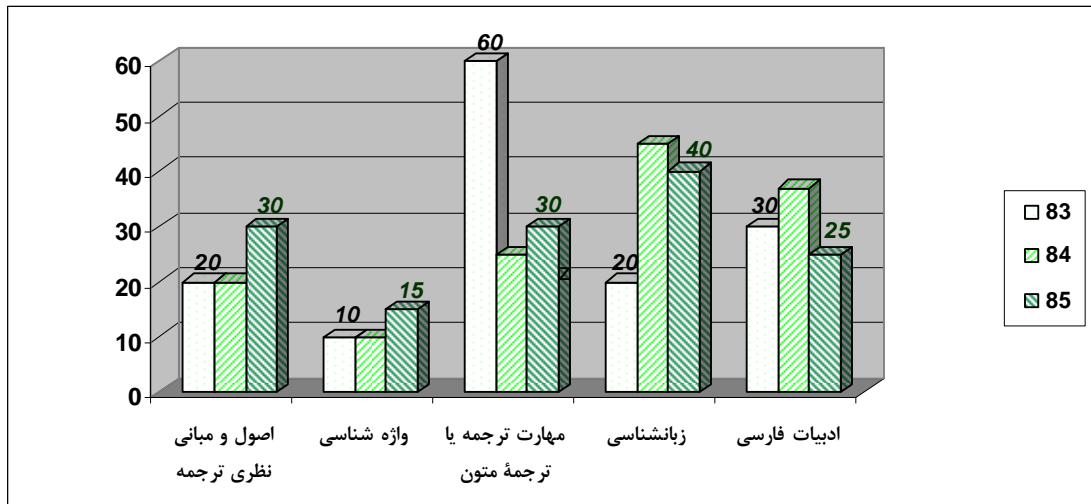
نکته دیگر، پایین بودن تعداد سؤالات بخش ادبیات فارسی است که اهمیت آن در آیین‌نامه کارشناسی ارشد نیز پیش‌بینی شده است. نام بردن از موضوع درسی زبان و ادبیات فارسی در آئین‌نامه یادشده، در واقع تأکیدی است بر لزوم تسلط بر زبان مادری برای دوره‌های مترجمی*. سؤالات ادبیات فارسی، در سالهای قبل از ۸۵ در کنکور سراسری اصلاً وجود نداشته است و آن‌طور که از نمودار ۳ می‌توان دریافت، در کنکور سراسری سال ۸۵ نیز، درصد این سؤالات به طور مشهودی پایین (۶/۲۵ درصد) بوده است.

* برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: ملانظر، حسین، مقاله "وضعیت کنونی آموزش ترجمه در ایران" در فصلنامه مطالعات ترجمه، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۲.

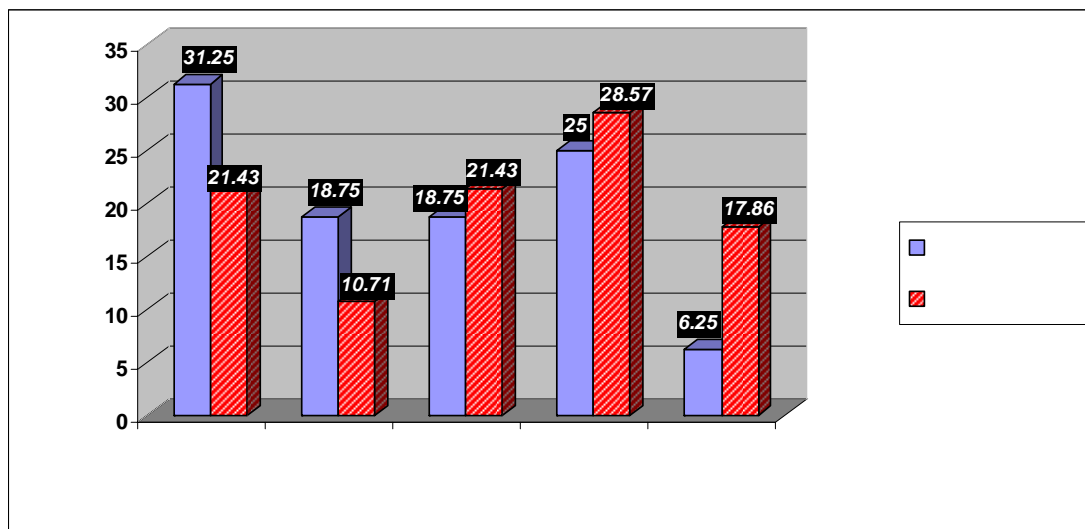
() :



() :



				/
				()



بخش دوم: نمونه سؤالات اصول و مبانی نظری ترجمه در آزمونهای ورودی کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی*

()

241. Translators seek to

- 1) express one world in terms of another
- 2) domesticate otherwise foreign texts
- 3) find equivalent forms for L1 lexical items
- 4) show that man's experiences are translatable

242. Recording, in translation, refers to

- 1) expression plane transfer
- 2) content plane transfer
- 3) content plane transfer transposition
- 4) expression plane transposition

243. The grammatical categories that best reflect conative function are:

- 1) the imperative and locative forms
- 2) the passive and circumlocutory forms
- 3) the vocative and imperative forms
- 4) the exhortative and conative forms

* در تهیه این گزارش، آقای بهروز ابراهیمی - دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی (واحد علوم و تحقیقات) - با ما همکاری داشته‌اند. همچنین بخش سوم گفتار، به سفارش نشریه توسط دوست و همکار گرامی آقای بهروز کروبلی نگاشته شده است.

244. Equivalent effect is easier to achieve in the case of texts.

- 1) expressive
- 2) informative
- 3) phatic
- 4) vocative

245. The translatability/untranslatability concept is

- 1) a key concept in applied translation studies
- 2) no longer very important after Jakobson's works
- 3) the core concept of linguistics
- 4) the core concept of semantics

246. Code-switching refers to

- 1) an expressive mode used by some artists and poets
- 2) a typical disorder of multilingual children
- 3) a typical disorder of multilingual individuals
- 4) a typical disorder of aphasic children

247. The term context is

- 1) an aspect of the text particularly important for the language student
- 2) the cultural, historical, and geographical setting of an utterance
- 3) the co-text of a given utterance
- 4) the same as co-text, according to the terminology of some translation studies schools

248. According to Dryden, a word-by-word translation is a (an)

- 1) adaptation
- 2) imitation
- 3) metaphrase
- 4) paraphrase

249. Which one of the following is an example of intralingual translation as discussed by Jakobson?

- 1) Reproducing in the SL.
- 2) Rewording in the SL.
- 3) Rephrasing in the TL.
- 4) Recreating in the SL.

250. In Catford's words, translation shifts are

- 1) lexical mismatches
- 2) grammatical mismatches
- 3) changes in the meaning of the ST
- 4) departures from formal correspondence

251. Recent MT programs are

- 1) knowledge-based and transfer-based
- 2) example-based and statistics-based
- 3) based on matching, recognition, and output
- 4) based on analysis, transfer, and restructuring

252. When you learn foreign languages, translation is

- 1) not included in the program
- 2) limited to exercises in the use of foreign language
- 3) replaced by version
- 4) a didactic tool

253. Multilingual MT systems tend to use

- 1) limited input
- 2) an interlingua
- 3) bi-directional programs
- 4) an abstract representation

254. In Vinay and Darbelnet's model, calque is a procedure in

- 1) literal translation
- 2) free translation
- 3) direct translation
- 4) oblique translation

255. Which one of the following questions is addressed by the cultural approaches to translation and translation studies?

- 1) What do translations do?
- 2) How can translations be compared?
- 3) What is equivalence in translation?
- 4) What are the mental processes of translating?

256. What distinction does Levy make between translation theory and practice?

- 1) Translation theory is abstract, but translation practice is actual.
- 2) Translation theory is instructive, but translation practice is applied.
- 3) Translation theory tends to be normative, but translation practice is pragmatic.
- 4) Translation theory is rank-bound, but translation practice is rank free.

257. What are the major sources of difficulty for interpreters?

- 1) Fluency
- 2) Register and unit
- 3) Tone
- 4) Speed and memory

258. Which of the following is an example of vocative texts?

- 1) A drama
- 2) A scientific report
- 3) Popular literature
- 4) An autobiography

259. Think-aloud protocols are used to investigate the of translation.

- 1) function
- 2) interpretation
- 3) medium
- 4) process

260. The equivalence of two linguistic signs

- 1) is possible in only interlingual translation
- 2) is possible only in intralingual translation through the use of synonyms
- 3) does not exist
- 4) is what allows translation

261. In Dryden's words, metaphor needs

- 1) adaptation
- 2) imitation
- 3) literal translation
- 4) rewording

262. What are kernel level sentences in Nida's theory?

- 1) Basic deep-structure sentences.
- 2) Transformed surface-structure sentences.
- 3) Basic statements and simple surface-structure sentences.
- 4) Back-transformed, simple, active, declarative sentences.

263. A pragmatic equivalent is oriented toward the

- 1) message
- 2) reader
- 3) writer
- 4) text

264. According to Catford, in a partial translation

- 1) some words are left untranslated
- 2) some parts of the ST are omitted
- 3) words are translated at corresponding levels
- 4) the TL material replaces only some parts of the SL material

265. Translators performing under different conditions often adopt differing strategies and ultimately come up with different

- 1) evaluations
- 2) hypotheses
- 3) products
- 4) theories

()

101. Within Jakobson's approach, cross-linguistic differences occur at the levels of

- 1) form, meaning, syntax
- 2) aspect, gender, semantic fields
- 3) features of meaning, lexical mismatches
- 4) poetics, stylistics

102. "Naturalness" is considered a characteristic of translation.

- 1) unduly free
- 2) modified literal
- 3) idiomatic
- 4) equivalent-response

103. In the structural approaches, translation is defined as

- 1) a change of meaning
- 2) reproduction of message
- 3) reproduction of content
- 4) a change of form

104. What is the semantic label for the word "repetition"?

- 1) event
- 2) noun
- 3) object
- 4) verb

105. According to polysystem theory, when is translated literature peripheral?

- 1) when it includes a variety of genres in literature
- 2) when it is smaller in volume than non-translated literature
- 3) when it is marginalized
- 4) when it is canonized

106. In the history of translation studies, the 18th century is known to be more whereas the 19th century is known to be more

- 1) linguistics-oriented, literature oriented
- 2) philology-oriented, linguistics-oriented
- 3) data-oriented, theory-oriented
- 4) literature-oriented, science-oriented

107. In the twentieth century, accuracy became more important than

- 1) style
- 2) fidelity
- 3) literalness
- 4) naturalness

108. In what ways is the Spanish-English translation of a novel by Marquez restricted, according to Holme's map?

- 1) rank-restricted, area-restricted, text type-restricted.
- 2) problem-restricted, time restricted, text type-restricted.
- 3) text type-restricted, medium restricted, problem-restricted.
- 4) area-restricted, text type-restricted, time-restricted.

109. According to Larson, a borrowed word is into the receptor language, whereas a loan word is to the TT receptors.

- 1) transferred, known
- 2) assimilated, new
- 3) integrated, unfamiliar
- 4) transposed, unidentified

110. Larson's approach to translation studies is

- 1) semiotic
- 2) descriptive
- 3) structural and prescriptive
- 4) post-structural and transformational

111. The Relevance Theory was mediated into translation studies by

- 1) Sperber and Wilson
- 2) Gutt
- 3) Hermans
- 4) Hatim and Mason

112. According to Larson, a modified literal translation

- 1) changes the grammatical forms when constructions are obligatory.
- 2) adds extraneous information to the source text.
- 3) is rank-bound at the level of word
- 4) reproduces the patterns of the source language

113. What is the primary sense, according to Larson?

- 1) The isolated meaning a word suggests to most of its users.
- 2) The meaning of a word in the context.
- 3) The meaning suggested by the word when it is used alone.
- 4) The most important meaning of a word.

114. The Manipulation Scholl considers translation a

- 1) paraphrase
- 2) rewriting
- 3) recoding
- 4) reproduction

115. The skopos theory was introduced by

- 1) Nord
- 2) Bassnett and Lefever
- 3) Blum Kulka
- 4) Verneer and Reiss

116. Toury's approach to translation is

- 1) post-structural
- 2) analytical
- 3) hermeneutic
- 4) normative

117. Which of the following concepts corresponds to the concept of "the invariant core of meaning"?

- 1) propositional meaning
- 2) functional meaning
- 3) literal meaning
- 4) connotative meaning

118. Which theory of translation is known to be behavioristic and mathematical?

- 1) Steiner's
- 2) Kade's
- 3) Catford's
- 4) Neubert's

119. Cultural approaches to translation reject the concept of

- 1) historical differences.
- 2) translation universals.
- 3) linguistic similarities
- 4) power relations.

120. Herman believes that

- 1) all translations contain manipulation.
- 2) translation is paraphrasing.
- 3) translation is a linguistic activity.
- 4) translation is distortion.

121. Popovic believes that the difference between the various target versions of a single source text concerns

- 1) the variant parts
- 2) the core
- 3) the periphery
- 4) the meaning

122. According to Zohar, translated literature is contral when

- 1) it is done from a dominant language.
- 2) it covers ideologically loaded material.
- 3) it excludes certain literary genres.
- 4) it is greater in volume than non-translated literature.

123. What is the difference between automatic text translation and automatic speech translation?

- 1) The former is more complex.
- 2) the latter is based on speech recognition, whereas the former is based on speech synthesis.
- 3) The latter uses two more additional stages.
- 4) The latter requires human intervention, whereas the former does not.

124. Which of the following contributed to the development of second generation MT programs?

- 1) Development of artificial intelligence.
- 2) Inclusion of pre-editing and post-editing in the MT process.
- 3) Text-linguistics
- 4) Output restriction

125. Which of the following constitutes an indirect method in MT?

- 1) The ALPAC
- 2) The Transfer Approach
- 3) The text-analysis method
- 4) The ASLIB

126. Which one of the following strategies was used for null-equivalent words in the Baghdad school?

- 1) borrowing
- 2) coinage
- 3) substitution
- 4) omission

127. Koller's "pragmatic equivalence" is similar to Newmark's

- 1) semantic translation
- 2) formal equivalence
- 3) communicative translation
- 4) text-type equivalence

128. Munday defines "tertium comparationis" as

- 1) a taxonomic linguistic strategy which is used in the analysis of translation shifts.
- 2) a descriptive criteria which identifies the web of relations between ST and TT.
- 3) a prescriptive notion which distinguishes between acceptable and unacceptable translations.
- 4) an invariant against which two segments can be measured to gauge variation.

129. In Vinay and Darbelnet's model, a change of one part of speech for another is called

- 1) calque
- 2) transposition
- 3) modulation
- 4) adaptation

130. According to Catford, a change of the active voice to the passive is called

- 1) structural shift
- 2) class shift
- 3) unit shift
- 4) intra-system shift

بخش سوم: پاسخها و منابع سؤالات اصول و مبانی نظری ترجمه در آزمونهای سال ۸۵

گردآوری: بهروز کرویی*

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی - واحد اراک

الف- آزمون سراسری سال ۸۵

سؤال ۲۴۱: پاسخ صحیح طبق پاسخنامه پایگاه سازمان سنجش، گزینه ۱ می باشد. متأسفانه، منبعی برای این سؤال یافت نشد.

سؤال ۲۴۲: به پایگاه اینترنتی زیر رجوع شود:

www.logos.it. پاسخ این سؤال طبق پاسخنامه موجود در این پایگاه و نیز پاسخنامه منتشر شده توسط سازمان سنجش گزینه ۱ است. (در خصوص این پایگاه ناآشنای اینترنتی که ۷ سؤال از سؤالات بخش اصول و مبانی نظری ترجمه در آزمون سراسری سال ۸۵ از آن انتخاب شده است در انتهای این بخش (قسمت منابع) توضیح داد شده است. لازم به ذکر است در صورت سؤال نیز اشتباه املایی به چشم می خورد: recoding به اشتباه recording تایپ شده است.)

همچنین به منبع زیر رجوع شود:

((The signal achievement of **Roman Jakobson's** widely cited 1959 essay (reprinted below) is to have introduced a semiotic reflection on translatability. Jakobson questions empiricist semantics by conceiving of meaning, not as a reference to reality, but as a relation to a potentially endless chain of signs. **He describes translation as a process of recoding which "involves two equivalent messages in two different codes." Jakobson underestimates the interpretive nature of translation, the fact that recoding is an active rewording that doesn't simply transmit the foreign message, but transforms it. Still, he is mindful of the differences among cultural discourses, especially poetry, where "grammatical categories carry a high semantic import" and which therefore requires translation that is a "creative transposition" into a different system of signs.)) (Venuti, 2000, p. 69, my emphasis)**

سؤال ۲۴۳: پاسخ صحیح گزینه ۲ است. به منبع زیر رجوع شود:

www.logos.it و نیز:

((This function [**vocative** function] of language has been given many other names, including 'conative' (denoting effort), 'instrumental', 'operative', and 'pragmatic'.)) (Newmark, 1988, p.41, my emphasis)

سؤال ۲۴۴: پاسخ صحیح گزینه ۲ است. به منبع زیر رجوع شود:

(Newmark, 1988, pp. 48-9)

سؤال ۲۴۵: پاسخ صحیح گزینه ۲ است! به منبع زیر رجوع شود:

www.logos.it

همچنین رجوع شود به:

((Jakobson's discussion on translation centres around certain key questions of linguistics, including **equivalence** between items in SL and TL and the notion of **translatability**.) (Hatim & Munday, 2004, p.7, my emphasis underlined).

NOTE: THEREFORE, TRANSLATABILITY IS "A KEY QUESTION" IN LINGUISTICS AND NOT "THE CORE CONCEPT" OF LINGUISTICS.

سؤال ۲۴۶: پاسخ صحیح گزینه ۱ است! به منبع زیر رجوع شود:

www.logos.it

* behrouz.karoubi@gmail.com

همچنین رجوع شود به:

(([Code switching is] a change by a speaker (or writer) from one language or language variety to another one.)) (Richards & Platt, 1992, p. 58)

سؤال ۲۴۷: پاسخ صحیح گزینه ۲ است. به منبع زیر رجوع شود:

www.logos.it

توضیح: این سؤال منطقی‌ترین سؤالی است که از وبگاه فوق استخراج شده است!

همچنین رجوع شود به:

(([Context is] The multi-layered extra-textual environment which exerts a determining influence on the language used. The subject matter of a given text, for example, is part of a context of situation. The ideology of the speaker, on the other hand, would form part of the context of culture...)) (([Co-text is] The other lexical items that occur before and after a word.)) (Hatim & Munday 2004, pp.336-337, my emphasis underlined)

سؤال ۲۴۸: پاسخ صحیح گزینه ۳ است. به منبع زیر رجوع شود:

((In the preface to his translation of Ovid's *Epistles* in 1680, Dryden (1680,'1992: 17) reduces all translation to three categories:

- 1 **'metaphrase'**: 'word by word and line by line' translation, which responds to literal translation;
- 2 **'paraphrase'**: 'translation with latitude, where the author is kept in view by the translator so as never to be lost, but his words are not so strictly followed as his sense'; this involves changing whole phrases and more or less corresponds to faithful or sense-for-sense translation;
- 3 **'imitation'**: 'forsaking' both words and sense; This corresponds to Cowley's very free translation and is more or less adaptation.)) (Munday, 2001, p.25)

سؤال ۲۴۹: پاسخ صحیح گزینه ۲ است.

توضیح: هنگامی که صحبت از ترجمه درون زبانی (intralingual) به میان می آید، بحث در مورد زبان مبدأ و مقصد (SL & TL) نامربوط است، زیرا در این نوع ترجمه تنها با یک زبان سر و کار داریم! در هیچ یک از گزینه‌ها، دو زبان مبدأ و مقصد هم زمان ذکر نشده، در واقع در ترجمه درون زبانی، زبان مبدأ و مقصد یکی است. برای ندادن کلید پاسخ (راهنمایی) به پاسخ دهنده‌ها از کلمه زبان مبدأ استفاده شده است! به منبع زیر رجوع شود:

((... the Russo-American linguist Roman Jakobson makes a very important distinction between three types of written translation:

1. **intralingual translation** – translation within the same language, which can involve rewording or paraphrase;
2. **interlingual translation** – translation from one language to another, and
3. **intersemiotic translation** – translation of the verbal **sign** by a non-verbal **sign**, for example music or image.))

(Hatim & Munday, 2004, p.5, my emphasis underlined)

سؤال ۲۵۰: پاسخ صحیح گزینه ۴ است. به منبع زیر رجوع شود:

((John Catford was the first scholar to use the term in his *A Linguistic Theory of Translation* (1965, see Section B Text B4.1). His definition of shifts is 'departures from formal correspondence in the process of going from the SL to the TL'.) (Hatim & Munday, 2004, p.26 my, emphasis underlined)

سؤال ۲۵۱: پاسخ صحیح گزینه ۲ است. به منبع زیر رجوع شود:

((In recent years, several **important new and quite different approaches** to MT have emerged, two of which are worth summarizing here: **example based MT and statistics-based MT.**)) (Somers, qtd in Baker 1998, p. 148, my emphasis)

سؤال ۲۵۲: پاسخ صحیح گزینه ۴ است. به منبع زیر رجوع شود:

www.logos.it

همچنین رجوع شود به:

(([Grammar Translation Method is] a **method of foreign or second language teaching** which makes use of **translation** and grammar study **as the main teaching and learning activities.**)) (Richards & Platt, 1992, p. 161, my emphasis)

سؤال ۲۵۳: پاسخ صحیح گزینه ۲ است. به منبع زیر رجوع شود:

((... there are many advantages of an **interlingual** approach, especially when one thinks of **multilingual systems** translating between many language pairs)) (Somers, qtd in Baker 1998, p. 145, my emphasis)

سؤال ۲۵۴: پاسخ صحیح گزینه ۳ است. به منبع زیر رجوع شود:

((Vinay and Darbelnet's categorization of translation **procedures** is very detailed. They name two 'methods' covering seven **procedures**:

1. **direct translation**, which covers **borrowing**, **calque** and **literal** translation, and
2. **oblique translation**, which is **transposition**, **modulation**, **equivalence** and **adaptation.**)) (Hatim and Munday, 2004, p. 30, my emphasis underlined)

سؤال ۲۵۵: پاسخ صحیح گزینه ۱ است. به منبع زیر رجوع شود:

(([In cultural approaches] Translation is recognized as possessing an ideological power, not only reflecting the dominant forces at work in the society but also performing an active role in the formation and interpretation of ideology.)) (Hatim & Munday, 2004, p. 329, my emphasis)

سؤال ۲۵۶: پاسخ صحیح گزینه ۳ است. به منبع زیر رجوع شود:

((Translation theory tends to be normative, to instruct translators on the **OPTIMAL** solution; actual translation work, however, is pragmatic; the translator [resorts to] that one of the possible solutions which promises a maximum of effect with a minimum of effort. That is to say, he intuitively [invokes] the so-called **MINIMAX STRATEGY.**)) (Levy, qtd. in Hatim & Munday, 2004, p.174)

سؤال ۲۵۷: پاسخ صحیح گزینه ۴ است. به منبع زیر رجوع شود:

- ((The main problems that each interpreter usually complains about are of three types:
- a. Not being able to write as fast as the speaker delivers his/her speech and not being able to read what one writes
 - b. Not being able to remember all portions of the speech delivered
 - c. Not being able to make pace with the speaker's speech delivery)) (Miremedi, 1991, p. 226, my emphasis underlined)

سؤال ۲۵۸: پاسخ صحیح گزینه ۳ است. به منبع زیر رجوع شود:

(Newmark, 1988, p. 40)

سؤال ۲۵۹: پاسخ صحیح گزینه ۴ است. به منبع زیر رجوع شود:

((**THINK-ALOUD PROTOCOL (TAP):** A technique for recording reactions elicited from translators or users of translations regarding the **PROCESS** of translation.)) (Hatim & Munday, 2004, p.351)

سؤال ۲۶۰: پاسخ صحیح گزینه ۴ است! به منبع زیر رجوع شود:

www.logos.it

سؤال ۲۶۱: طبق کلید منتشر شده در وبگاه سازمان سنجش، پاسخ صحیح گزینه ۳ است. با این حال، علیرغم مراجعه به منابع مختلف در مورد عقاید و نظرات "درآیدن"، متأسفانه نتوانستم مطلبی در مورد نظر خاص وی در مورد ترجمه استعاره بیابم. آنچه که یافتم کاملاً مغایر با پاسخ اعلام شده در وبگاه سازمان سنجش بود:

((... the process which this term [metaphrase] denotes is that of LITERAL TRANSLATION. Dryden condemns such a practice in no uncertain terms by arguing that "'tis almost impossible to translate verbally, and well, at the same time")) (Shuttleworth & Cowie, 1997, p. 103-4)

سؤال ۲۶۲: پاسخ صحیح، گزینه ۴ است. (گزینه ۱ نیز صحیح است)

به منبع زیر رجوع شود:

((The 'analysis' phase begins with discovering the so-called 'kernels' (a term which Nida borrows from Chomsky's **transformational generative** grammar). Kernels are basic structural elements to which **syntactically** more elaborate **surface structures** of a language can be reduced.)) (Hatim & Munday, 2004, p. 46)

(توضیح: مفهوم kernel sentence نایدا بسیار نزدیک به مفهوم deep structure چامسکی است.)

سؤال ۲۶۳: پاسخ صحیح گزینه ۲ است. به منبع زیر رجوع شود:

((To achieve similarity of effect and cater for reader expectations is to attain full *pragmatic* or *dynamic equivalence*.)

(Hatim & Munday, 2004, p.51, my emphasis underlined)

سؤال ۲۶۴: پاسخ صحیح گزینه ۱ است. به منبع زیر رجوع شود:

(Miremadi, 1991, p. 143)

سؤال ۲۶۵: پاسخ صحیح گزینه ۳ است. به منبع زیر رجوع شود:

((At any rate, translators performing under different conditions (e.g., translating texts of different kinds, and/or for different audiences) often adopt different strategies, and ultimately come up with markedly different products.))

(Toury, qtd. in Venuti, 2000, p. 199)

فهرست منابع

توضیح: بیش از یک چهارم (۷ سؤال از ۲۵ سؤال) از سؤالات بخش اصول و مبانی نظری ترجمه آزمون سراسری کارشناسی ارشد مترجمی در سال ۸۵ "مستقیماً و بدون هیچ گونه تغییری" از وبگاه اینترنتی به نشانی www.logos.it انتخاب شده است که توسط Bruno Osimo مدرس قراردادی دروس ترجمه در دانشگاه Università degli Studi di Milano ایتالیا طرح شده‌اند. نکته قابل تأمل اینکه این وبگاه فاقد اعتبار علمی لازم است؛ و بسیاری از سؤالات مطرح شده ظاهراً نظرات و برداشتهای شخصی آقای Osimo است. حال این سؤال پیش می‌آید که آیا جزوه استاد مذکور جزو منابع کارشناسی ارشد مترجمی در کشور ایران است؟ و شخص و یا اشخاصی که این سؤالات را انتخاب کرده‌اند تا چه حد با مباحث نظری ترجمه آشنایی دارند؟

Baker, M. (1998). *Routledge Encyclopedia of Translation Studies*. London: Routledge.

Hatim, B. & Munday, J. (2004). *Translation: An Advanced Resource Book*. London: Routledge.

Miremadi, S. (1991). *Theories of Translation and Interpretation*. Tehran: SAMT.

Munday, J. (2001) *Introducing Translation Studies*. London: Routledge.

Newmark, P. (1988). *A Textbook of Translation*. New York: Prentice Hall.

Richards, J.C., and Platt H. (1992) *Dictionary of Language teaching and Applied Linguistics*. London: Longman.

Shuttleworth, M. & Cowie, M. (1997). *Dictionary of Translation Studies*. Manchester: St. Jerome.

Venuti, L. (2000) *The Translation Studies Reader*. London: Routledge.

ب- آزمون دانشگاه آزاد اسلامی سال ۸۵

سؤال ۱۰۱: پاسخ صحیح گزینه ۲ است. به منبع زیر رجوع شود:
(Munday, 2001, p.37)

توضیح: سه مورد ذکر شده "مثالهایی" هستند که یاکوبسن (Jakobson) برای نشان دادن اختلافات زبانشناختی بین ساختارهای نحوی و واژگانی زبانهای مختلف از آنها بهره می گیرد. بر خلاف آنچه که از این سؤال برمی آید وی معتقد به این نیست که اختلافات بین زبانی تنها به همین موارد ختم می شود!

سؤال ۱۰۲: پاسخ صحیح گزینه ۳ است. به منبع زیر رجوع شود:
(Larson, 1984, p.17)

سؤال ۱۰۳: پاسخ صحیح گزینه ۴ است. به منبع زیر رجوع شود:
(Munday, 2001, Chapter 4)

سؤال ۱۰۴: پاسخ صحیح گزینه ۱ است. به منبع زیر رجوع شود:
(Larson, 1984, pp. 191-2)

سؤال ۱۰۵: پاسخ صحیح گزینه ۳ است. به منبع زیر رجوع شود:
(Munday, 2001, pp. 110-111)

سؤال ۱۰۶: پاسخ صحیح گزینه ۳ است. به منبع زیر رجوع شود:
(Miremadi, 1991, p. 102)

سؤال ۱۰۷: پاسخ صحیح گزینه ۱ است. به منبع زیر رجوع شود:
(Miremadi, 1991, p. 102)

سؤال ۱۰۸: پاسخ صحیح گزینه ۴ است. به هر یک از دو منبع زیر رجوع شود:
(Munday, 2001, p. 12) also: (Hatim & Munday, 2004, pp. 130-31)

سؤال ۱۰۹: پاسخ صحیح گزینه ۲ است. به منبع زیر رجوع شود:
(Larson, 1984, p.170)

سؤال ۱۱۰: پاسخ صحیح گزینه ۳ است. به منبع زیر رجوع شود:
(Larson, 1984, p. 26) Larson's approach is based on the analysis of semantic structures.

سؤال ۱۱۱: پاسخ صحیح گزینه ۲ است. به منبع زیر رجوع شود:
(Hatim & Munday, 2004, p. 57 and also p.176)

سؤال ۱۱۲: پاسخ صحیح گزینه ۱ است. به منبع زیر رجوع شود:
(Larson, 1984, p. 16)

سؤال ۱۱۳: پاسخ صحیح گزینه ۳ است. به منبع زیر رجوع شود:
(Larson, 1984, p. 100)

سؤال ۱۱۴: پاسخ صحیح گزینه ۲ است. به منبع زیر رجوع شود:
(Shuttleworth & Cowie, 1997, p. 102)

سؤال ۱۱۵: پاسخ صحیح گزینه ۴ است. به منبع زیر رجوع شود:
(Hatim & Munday, 2004, p. 349)

سؤال ۱۱۶: پاسخ صحیح گزینه ۴ است. به هر یک از دو منبع زیر رجوع شود:
(Munday, 2001, pp. 112-113) also: (Hatim & Munday, 2004, p. 95)

سؤال ۱۱۷: پاسخ صحیح گزینه ۱ است. به منبع زیر رجوع شود:
(See Larson, 1984, Chapter 18; also Bassnett, 1980/2002, p. 33)

سؤال ۱۱۸: پاسخ صحیح گزینه ۳ است. به منبع مقابل رجوع شود: (Newmark, 1991)
(و نیز جزوه اصول و مبانی نظری ترجمه، خانم دکتر فرح زاد - دانشگاه علامه طباطبایی)

سؤال ۱۱۹: پاسخ صحیح گزینه ۴ است. به منبع زیر رجوع شود:
(Hatim & Munday, 2004, p. 106) به جای واژه reject در واقع criticize صحیح است.

سؤال ۱۲۰: پاسخ صحیح گزینه ۱ است. به منبع مقابل رجوع شود: (Shuttleworth & Cowie, 1997, p. 102)
 سؤال ۱۲۱: پاسخ صحیح گزینه ۱ است. به منبع مقابل رجوع شود: (Bassnett, 1980/2002, p. 33)
 (و نیز جزوه اصول و مبانی نظری ترجمه، خانم دکتر فرحزاد - دانشگاه علامه طباطبایی)
 سؤال ۱۲۲: پاسخ صحیح گزینه ۱ است. (به مورد دوم در متن زیر توجه شود.)

Even-Zohar gives three major cases when translated literature occupies the primary position:

1. When a 'young' literature is being established and looks initially to 'older' literatures for ready-made models;
2. When a literature is 'peripheral' or 'weak' and imports those literary types which it is lacking. This can happen when a smaller nation is dominated by the culture of a larger one. Even-Zohar sees that 'all sorts of peripheral literature may in such cases consist of translated literature' (p. 194). This happens at various levels. For instance, in modern Spain smaller regions such as Galicia import many translations from the dominant Spanish form Castilian, while Spain itself imports canonized and non-canonized literature from the English-speaking world;
3. When there is a critical turning point in literary history at which established models are no longer considered sufficient, or when there is a vacuum in the literature of the country. Where no type holds sway, it is easier for foreign models to assume primacy... (Munday, 2001, pp. 110-111)

توضیح: در صورت سؤال central اشتباهاً conral نوشته شده است.

سؤال ۱۲۳: پاسخ صحیح گزینه ۳ است. (نقل از Somers 2003, p. 363); همچنین این مطلب در مقاله آقای مصطفی عاصی در مجموعه مقالات دو هم‌اندیشی ترجمه‌شناسی به صورت فارسی آمده است.
 سؤال ۱۲۴: پاسخ صحیح گزینه ۳ است. به منبع زیر رجوع شود:

(Somers in Baker, 1998, p.141 also 145)

(همچنین موضوع این سؤال و سؤالات دیگر مربوط به این منبع، در مقاله آقای مصطفی عاصی در مجموعه مقالات دو هم‌اندیشی ترجمه‌شناسی به صورت فارسی آمده است.)

سؤال ۱۲۵: پاسخ صحیح گزینه ۲ است. به منبع مقابل رجوع شود: (Somers in Baker, 1998, p.141)

سؤال ۱۲۶: پاسخ صحیح گزینه ۱ است. به منبع مقابل رجوع شود: (Baker, 1998, p. 321)

سؤال ۱۲۷: پاسخ صحیح گزینه ۳ است. به منبع زیر رجوع شود:

(Newmark, 1988, p. 47) also: (Hatim & Munday, 2004, p. 51)

سؤال ۱۲۸: پاسخ صحیح گزینه ۴ است. به منبع مقابل رجوع شود: (Hatim & Munday, 2004, pp. 31-2)

سؤال ۱۲۹: پاسخ صحیح گزینه ۲ است. به هر یک از دو منبع زیر رجوع شود:

(Munday, 2001, p. 57) also: (Hatim & Munday, 2004, p. 150)

سؤال ۱۳۰: پاسخ صحیح گزینه ۱ است. به هر یک از دو منبع زیر رجوع شود:

(Munday, 2001, p. 61) also: (Hatim & Munday, 2004, p. 145)

فهرست منابع:

Baker, M. (1998). *Routledge Encyclopedia of Translation Studies*. London: Routledge.

Bassnett, S. (1980). *Translation Studies*. London: Routledge.

*Hatim, b. & Munday, J. (2004). *Translation: An Advanced Resource Book*. London: Routledge.

*Larson, L. (1984). *Meaning Based Translation: A Guide to Cross-language Equivalence*. London: University Press of America.

Miremadi, S. (1991). *Theories of Translation and Interpretation*. Tehran: SAMT.

*Munday, J. (2001) *Introducing Translation Studies*. London: Routledge.

Newmark, P. (1988). *A Textbook of Translation*. New York: Prentice Hall.

Newmark, P. (1991). *About Translation*. Clevedon: Multilingual Matters Ltd.

Shuttleworth, M. & Cowie, M. (1997). *Dictionary of Translation Studies*. Manchester: St. Jerome.

Somers, H. et al (2003), *Readings in Machine Translation*, New York: MIT Press.

بخش چهارم: فهرست کامل منابع پیشنهادی برای سؤالات تخصصی*

۱. اصول و مبانی نظری ترجمه:

در مورد سؤالات بخش اصول و مبانی نظری ترجمه، در پاسخنامه تهیه شده در بخش سوم این گفتار به منابع ویژه‌ای اشاره شده است. ولی به نظر می‌رسد مطالعه همه این منابع، از جمله دائرةالمعارف مونا بیگر (تحت عنوان *Routledge Encyclopedia of Translation Studies*) صرفاً برای آمادگی در آزمونهای ورودی ضروری نیست. در سالهای اخیر، در بخش مبانی نظری ترجمه، از دو منبع زیر، که از کتابهای جامع درسی برای این رشته محسوب می‌شوند، در هر دو آزمون سراسری و آزاد اسلامی، نسبت به منابع دیگر، سؤالات بیشتری آمده است. قابل توجه اینکه برخی از مطالب این دو کتاب مشترک است. اشاره‌ای که در پاسخنامه بخش قبلی در پاسخ به برخی از سؤالات (سؤالهای ۱۰۸، ۱۱۶، ۱۲۹ و ۱۳۰ دانشگاه آزاد اسلامی) شده است مؤید همین مطلب است. هر دو کتاب در بازار به صورت افست شده موجود است:

1. * *Introducing Translation Studies*; J. Munday
(چهار فصل اول و فصل هفتم این کتاب اهمیت بیشتری دارد.)
2. * *Translation: An Advanced Resource Book*; B. Hatim & J. Munday
(با تأکید بر (Unints 1-10) Section A و نیز Glossary آخر کتاب)
توضیح: بخش دوم (Section B) این کتاب، شامل مقالاتی است که در فصلهایی از کتاب اول خلاصه شده است.

برخی از سؤالات دانشگاه آزاد اسلامی از این منبع بوده است:

- * *Meaning-based Translation*; M. L. Larson
- در سالهای گذشته، از کتابهای ذیل نیز سؤال مطرح شده است (خصوصاً دو منبع نخست که در آزمونهای سال ۸۵ نیز مورد توجه طراحان سؤال بوده دارای اهمیت بیشتری است).
- * *A Textbook of Translation*; P. Newmark
- *Theories of Translation & Interpretation*; Dr. Miremadi (انتشارات سمت)
- *Approaches to Translation*; P. Newmark
- *Principles & Methodology of Translation*; Dr. Mollanazar (انتشارات سمت)

۲. زیباشناسی:

- * *The Study of Language*; G. Yule
- و / یا:
- *An Introduction to Language*; V. Fromkin & R. Rodman

۳. بررسی مقابله‌ای ساخت جمله:

- *Contrastive Analysis & Error Analysis*; Dr. Keshavarz (انتشارات رهنما)
- *Contrastive Linguistics & Error Analysis (1st vol)*; Dr. Fallahi; (Iran University Press)
- بررسی ساخت فارسی و انگلیسی و تجزیه و تحلیل خطاها؛ دکتر ضیاء حسینی (انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب یا انتشارات رهنما)
- بررسی مقابله‌ای ساخت جمله فارسی و انگلیسی؛ دکتر یارمحمدی (انتشارات دانشگاه پیام نور)

* در مورد این منابع، توجه به این نکته ضروری است که طراحان سؤالهای آزمونهای ورودی در سالهای مختلف متغیرند. ولی منابع معرفی شده در این بخش به همراه توجه به بخش اول گفتار در خصوص رویکرد طرح سؤال در سالهای اخیر جهت علاقه‌مندان به قبولی در دوره‌های مترجمی زبان انگلیسی مفید خواهد بود. در این بخش، منابع دارای اهمیت بیشتر با علامت "*" مشخص شده‌اند.

۴. ادبیات فارسی:

- نگارش و ویرایش؛ دکتر سمیعی گیلانی (انتشارات سمت)
- دستور زبان فارسی؛ دکتر ناتل خانلری (انتشارات توس)

۵. واژه‌شناسی:

- * واژه‌شناسی انگلیسی؛ دکتر تجویدی (انتشارات سمت)
- واژه‌شناسی؛ دکتر رضائی باغبیدی
- ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز؛ دکتر کلباسی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
- وندهای رایج در زبان انگلیسی؛ دکتر صفار مقدم (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

۶. مهارت ترجمه (یا ترجمه متون):

همانطور که در بخش اول اشاره شد. اهمیت سؤالات ترجمه متون، سال به سال کم‌رنگتر شده است. از سویی به نظر می‌رسد بخش مهمی از این‌گونه سؤالات با معلومات زبان عمومی و دقت، قابل پاسخگویی باشد. لذا پیشنهاد می‌شود داوطلبان، کتابهای ذیل را در درجه دوم اهمیت در نظر بگیرند. (در بین این کتابها، آگاهی از واژه‌ها و اصطلاحات برخی از آنها، بویژه، کتابهای مکاتبات و اسناد، در پاسخگویی به سؤالات مربوطه مؤثر بوده است):

- * ترجمه مکاتبات و اسناد (۲ جلدی)؛ هوشنگ توانگر (انتشارات دانشگاه پیام نور)
- * نمونه‌های عملی ترجمه مکاتبات و اسناد؛ رحیم اصلان زاده (انتشارات سمت)
- * بررسی ترجمه انگلیسی متون اسلامی (۱)؛ دکتر سالار منافی اناری (انتشارات سمت)
- * بررسی ترجمه انگلیسی متون اسلامی (۲)؛ دکتر الهی قمشه‌ای (انتشارات سمت)
- ترجمه متون سیاسی؛ دکتر تجویدی (انتشارات دانشگاه پیام نور)
- ترجمه متون مطبوعاتی (۲ جلدی)؛ دکتر تجویدی (انتشارات دانشگاه پیام نور)
- ترجمه متون ادبی؛ دکتر خزاعی فر (انتشارات سمت)
- ترجمه پیشرفته (۱)؛ دکتر فرحزاد (انتشارات دانشگاه پیام نور)
- ترجمه متون اقتصادی؛ دکتر جعفری گهر (انتشارات دانشگاه پیام نور)
- فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی (انگلیسی - فارسی)؛ دکتر نوروزی خیابانی (نشر نی)

منابع دیگر:

- همچنین توسط گروه مطالعات ترجمه دانشگاه علامه طباطبایی، مطالعه منابع فارسی زیر نیز که بعضاً برای موضوع درسی اصول و مبانی نظری ترجمه مفید بوده پیشنهاد شده است:
- درآمدی بر اصول و روش ترجمه؛ دکتر لطفی پور ساعدی (مرکز نشر دانشگاهی)
 - نخستین درسهای ترجمه؛ دکتر فرحزاد (انتشارات دانشگاه پیام نور)
 - شماره‌های مختلف فصلنامه مطالعات ترجمه (صاحب امتیاز: دکتر حسین ملانظر)
 - مجموعه مقالات دو هم‌اندیشی ترجمه‌شناسی (بخش اول) (انتشارات یلدا قلم)
 - ترجمه و مترجم؛ غلامرضا رشیدی (انتشارات آستان قدس رضوی)

بخش پنجم: برنامه و سرفصل دروس کارشناسی ارشد

در این قسمت، برنامه و سرفصل دروس دوره‌های کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی در ایران برگرفته از کتابچه مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فعلی) آمده است. این برنامه می‌تواند برای داوطلبان بسیاری که می‌خواهند بدانند چه اهداف، دروس و سرفصلهایی در این دوره مورد نظر است و انتخاب خود را بر اساس علایقشان تعیین و تبیین کنند بسیار مفید باشد.

(برگرفته از کتابچه مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس)

:

منظور اصلی از ایجاد دوره کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، برآوردن دو هدف برای نیازهای مملکت است:

الف - تربیت مترجمان زبده در زمینه‌های علوم انسانی، علوم اجتماعی و غیره.

ب - تربیت ترجمه‌شناسان و مربیان دروس ترجمه در سطوح مختلف دانشگاهی و محققانی در زمینه مسایل و کاربردهای ترجمه. بدیهی است فارغ‌التحصیلان این دوره می‌توانند نیاز روزافزون مملکت را به مترجمان و نیز نیاز هیأت علمی لازم برای تدریس دروس ترجمه و تحقیقات ترجمه را تا حد زیادی برآورده سازند.

-

دوره کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی حداقل ۴ نیمسال می‌باشد که ۲۸ واحد آن طبق مقررات کارشناسی ارشد در سه نیمسال توزیع می‌گردد و پایان‌نامه آن در نیمسال چهارم انتخاب می‌شود و کلاً در چهار نیمسال به پایان می‌رسد و تعداد واحدهای لازم برای گذراندن این دوره ۲۸ واحد درسی و ۴ واحد پایان‌نامه می‌باشد که جمعاً بالغ بر ۳۲ واحد می‌گردد. سه درس هم (معادل ۶ واحد) به عنوان دروس پیش‌نیاز تعیین شده که گذراندن آنها برای همه دانشجویان اجباری است و حداقل نمره قبولی در هر یک از آنها دوازده می‌باشد و در میانگین نمرات دوره محاسبه می‌گردد.

-

داوطلبان ورود به این رشته علاوه بر دارا بودن شرایط عمومی ورود به دوره کارشناسی ارشد (بر اساس آئین‌نامه کارشناسی ارشد شورای عالی برنامه‌ریزی) باید بتوانند از عهده امتحان ورودی این دوره که عبارت خواهد بود از زبان انگلیسی، زبان و ادبیات فارسی، مهارت ترجمه از زبان انگلیسی به فارسی و بالعکس و آئین نگارش فارسی برآیند. اگرچه داوطلبان ورود به این رشته بیشتر فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی رشته‌های مترجمی زبان انگلیسی خواهند بود. فارغ‌التحصیلان زبان و ادبیات انگلیسی و دبیری زبان انگلیسی هم می‌توانند داوطلب شرکت در آزمون این رشته باشند.

:

آن دسته از فارغ‌التحصیلان کارشناسی کلیه رشته‌های علوم انسانی علوم پایه، علوم فنی و مهندسی، علوم اجتماعی و اقتصادی نیز که به نظر خود به زبان انگلیسی و زبان فارسی تسلط کافی داشته باشند می‌توانند در آزمون این رشته شرکت کنند. با این وجود، درسهای کمبود برای کلیه دانشجویان کارشناسی ارشد مترجمی اجباری خواهد بود که در طی یک نیمسال قبل از شروع دوره کارشناسی عرضه می‌شوند و پیش‌نیاز درسهای کارشناسی ارشد می‌باشند.

-

تعداد واحدهای دوره کارشناسی ارشد مترجمی به ترتیب زیر می‌باشد:

الف: درسهای تخصصی - اجباری	۲۲ واحد
ب: درسهای انتخابی - تخصصی	۶ واحد
ج: پایان‌نامه	۴ واحد
جمع واحدهای درسی	۳۲ واحد*

* همانطور که از بند دوم متن فوق استنباط می‌شود اجباری بودن ۶ واحد دروس کمبود (یا پیش‌نیاز)، عملاً مجموع واحدهای درسی را به ۲۸ می‌رساند که در بند چهارم در نظر گرفته نشده است. در این باره رجوع شود به: حیدریان، سید حسین، مقاله "کارشناسی ارشد مترجمی: حرفهای ناگفته" در فصلنامه مطالعات ترجمه، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۲.

() - :

پیشنیاز یا زمان ارائه درس	ساعت			تعداد واحد	نام درس	کد درس
	عملی	نظری	جمع			
— (ترم اول)		۳۴	۳۴	۲	زبانشناسی کاربردی و ترجمه	۰۱۱
— (ترم اول)		۳۴	۳۴	۲	روشهای پیشرفته تحقیق و ترجمه	۰۱۲
— (ترم اول)		۳۴	۳۴	۲	نظریه‌های ترجمه	۰۱۳
— (ترم اول)		۳۴	۳۴	۲	ادب فارسی در ادبیات جهان	۰۱۴
۰۱۱ (ترم دوم)		۳۴	۳۴	۲	واژه‌شناسی و معادل‌گزینی در ترجمه	۰۱۵
۰۱۱ و ۰۱۲ (ترم دوم)		۳۴	۳۴	۲	سمینار مسایل ترجمه	۰۱۶
۰۱۳ (ترم دوم)		۳۴	۳۴	۲	مدلهای ترجمه	۰۱۷
۰۱۳ (ترم دوم)		۳۴	۳۴	۲	نقد و بررسی آثار ترجمه شده	۰۱۸
۰۱۲ (ترم سوم)		۳۴	۳۴	۲	ارزشیابی پیشرفته و ترجمه	۰۱۹
۰۱۸ (ترم سوم)		۳۴	۳۴	۲	کارگاه ترجمه	۰۲۰
۰۱۸ و ۰۱۲ (ترم سوم)		۳۴	۳۴	۲	نقد کاربردی (در ادبیات انگلیسی)	۰۲۱
				۴	پایان‌نامه	۰۲۲
				۲۶	جمع	

() - :

پیشنیاز یا زمان ارائه درس	ساعت			تعداد واحد	نام درس	کد درس
	عملی	نظری	جمع			
— (ترم اول)		۳۴	۳۴	۲	مقاله‌نویسی به زبان انگلیسی	۱۰۱
— (ترم اول)		۳۴	۳۴	۲	اصول و نظریه‌های آموزشی زبان	۱۰۲
— (ترم اول)		۳۴	۳۴	۲	فرهنگ و جامعه‌شناسی در ترجمه	۱۰۳
۰۱۴ (ترم دوم)		۳۴	۳۴	۲	دیرینه‌شناسی ترجمه در ایران و آشنایی با آثار ترجمه شده به فارسی	۱۰۴
۰۱۱ و ۰۱۳ (ترم دوم)		۳۴	۳۴	۲	ادبیات و تحلیل کلام	۱۰۵
۰۱۳ (ترم دوم)		۳۴	۳۴	۲	بررسی ترجمه انواع متون علمی	۱۰۶
۰۱۷ (ترم سوم)		۳۴	۳۴	۲	کاربرد رایانه در ترجمه	۱۰۷
۰۱۱ و ۰۱۷ (ترم سوم)		۳۴	۳۴	۲	ترجمه از دیدگاه زبانشناسی	۱۰۸
۰۱۴ (ترم سوم)		۳۴	۳۴	۲	شناخت عناصر فرهنگی در دو زبان	۱۰۹
۰۱۴ و ۰۱۵ (ترم سوم)		۳۴	۳۴	۲	سبک‌شناسی مقابله‌ای انواع نثر در ترجمه	۱۱۰
۰۱۴ (ترم سوم)		۳۴	۳۴	۲	بررسی شاهکارهای ادبیات داستانی	۱۱۱

گروههای آموزشی با توجه به امکانات و نیازهای دانشجویان خود سه درس (معادل ۶ واحد) از بین دروسهای جدول ب انتخاب و برگزار می‌نمایند.

: ()

کد درس	نام درس	تعداد واحد	ساعت		
			جمع	نظری	عملی
۰۱	بررسی و ترجمه آثار اسلامی (از فارسی به انگلیسی)	۲	۳۴	۳۴	---
۰۲	مبانی نظری ترجمه	۲	۳۴	۳۴	---
۰۳	فلسفه تعلیم و تربیت	۲	۳۴	۳۴	---

۶۰ ۶۰ ۶۰ ۶۰

آنچه که در مقدمه و عناوین دروس این برنامه آمده است نشان می‌دهد که همانند دیگر دوره‌های تکمیلی (از جمله آموزش زبان انگلیسی و زبان‌شناسی عمومی)، علاقه به بحثهای نظری لازمه تحصیل در دوره کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی است؛ موضوعی که برخی از داوطلبان از آن غافل هستند و پس از قبولی در دانشگاه به علت رویارویی با بحثهای نظری به عنوان بخش عمده مباحث درسی، دچار سرخوردگی می‌شوند*. این غفلت شاید از عنوان این دوره که گاه بسط و تقویت تواناییهای ترجمه را تداعی می‌کند ناشی شده باشد. اما همان‌طوری که در مشخصات کلی این دوره می‌بینید، تنها یکی از اهداف آن، تربیت مترجمان زبده برشمرده شده است: هدفی که معمولاً در دوره محدود تحصیل، زیر سایه هدف دوم، یعنی تربیت مترجم‌شناسان، و در درجه بعدی اهمیت قرار می‌گیرد. همان‌گونه که از جداول دروس این دوره نیز استنباط می‌شود، از مجموع ۳۸ واحد تخصصی، انتخابی و پیشنیاز این رشته تنها دو درس دو واحدی کارگاه ترجمه و بررسی و ترجمه آثار اسلامی (از فارسی به انگلیسی)، به ترجمه عملی و آموزش آن اختصاص دارد.

در مورد جدول دروس انتخابی-تخصصی (جدول ب)، ذکر این نکته ضروری است که امکاناتی که در دانشگاههای کشور در زمان تحصیل دانشجویان وجود دارد، معمولاً آنها را ملزم به گذراندن ۶ واحد مشخص شده از سوی دانشگاه مربوطه می‌کند.

* در این مورد رجوع شود به: همان منبع.

کلمه ها و ناکلمه های ترجمه

درباره ترجمه *



میرحسین هاشمی میناباد *

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد اراک

تکرار **

از جمله اسطوره‌های غلطی که برخی از استادان ترجمه به دانشجویان یاد می‌دهند این است که تکرار کلمه یا عبارتی در جمله اشتباه است و باید از آن خودداری ورزید. دانشجویان متین و مطیع هم باید خود را به هزار در و دیوار بزنند تا در ترجمه‌هایشان اثری از تکرار نباشد.

مگر ما در گفتارهای روزمره با چنین جمله‌هایی مواجه نمی‌شویم: کار کارِ توست، امر امر توست، کار از کار گذشت؟ آیا این مثل‌های فارسی را باید نادرست خواند: دست بالای دست بسیار است، دست دست را می‌شوید دست هم برمی‌گردد رو را می‌شوید، با هر دست بدهی از همان دست پس می‌گیری، قولش قول است، کار خدایی نه کاری است خُرد، کارِ دل است کارِ خشت و گل نیست، لطف کن لطف که بیگانه شود حلقه به گوش، مادر نسوخت مادر اندرسوخت.

در اینجا با آوردن نمونه‌های روشنی نشان می‌دهیم که نمی‌توان حکم کرد که مترجم نباید در جمله‌اش واژه‌ای را تکرار کند. تکرار فرآیند عادی زبان است که به مقاصد مختلف به کار می‌رود، به ویژه برای تأکید و زیبایی‌آفرینی. تکرار عنصر اساسی وحدت‌بخشی تقریباً در تمام انواع شعر و بیشتر انواع نثر است. یکی از صنایع ادبی در شعر و نثر همانا تکرار است. اما گاهی ممکن است همین تمهید زبانی زیبایی‌آفرین خودِ محلّ و قبیح باشد.

فرآیند تکرار را می‌توان به سه نوع تقسیم کرد: (۱) تکرار طبیعی و عادی زبان، (۲) تکرار هنری یا ادبی، و (۳) تکرار قبیح و محلّ، و همین نوع تکرار است که باید از آن دوری ورزید.

۱. تکرار طبیعی

دیگر اینکه نوشته بود که این کار کار خطیری است و مزید دقت و اهتمام در آن ضروری است.

(قائم مقام فراهانی ۱۳۶۶:۹)

* h_hashemi_mi@yahoo.com

** مطالبی که در این ستون می‌آید، برآیند نظرات نگارنده این سطور است که می‌تواند برای مترجمان تازه‌کار و ترجمه‌آموزان عزیز مفید واقع شود. نویسنده، از کلیه علاقه‌مندان و دوستداران ترجمه دعوت می‌کند نظرات خود را درباره این موارد و همچنین موارد مشابه در ترجمه عملی، به دفتر مجله ارسال فرمایند.

... جاپاها از اینها بسی فراوان است. جای پای آن چه در دوره استالین پیش آمد را می‌گویم.
(جلال آل احمد ۱۱۵:۱۳۵۷)

... یک بیمارستان یک بیمارستان است. در یک بیمارستان معمولاً صدایی جز ناله‌ی بی‌رمقِ بیماران نیست
... بله: شب قوروق باشد بیمارستان.

(همان ۱۱۶)

... هلنی در کار نیست! معنی هلن همان مبارزه به خاطر هلن است.

(محمد قاضی ۷:۱۳۵۲)

... عادت ایشان چنین بود که سلطان در سالی به دو عید خوان نهد و بار دهد خواص و عوام را. آنکه
خواص باشند در حضرت او باشند و آنچه عوام باشند در دیگر سراها و مواضع.

(ناصر خسرو ۶۶:۱۳۵۶)

... صفای خانه آب است و جارو؛ صفای دختر چشم است و ابرو

هوو هووست اگر همه سیوست

هوو هوو را خوشگل می‌کند، جاری جاری را کدبانو

۲. تکرار هنری و ادبی

... به نام آن خدای که نام او راحت روح است و پیغام او مفتاح فتوح است و سلام او در وقت صبح
مؤمنان را صبوح است و ذکر او مرهم دل مجروح است و مهر او بلانشینان را کشتی نوح است.

(خواجه عبدالله انصاری، سخنان پیر هرات ۶-۲۵: ۱۳۷۰)

... دلگم دلبرگم لحظه‌ای بنشین برکم

شاید از بهر خدا آسوده گردد دلکم

... هر که عروس عمه شد سرخ و سفید و پمبه شد

هر که عروس خاله شد سوسک سیاه، جزغاله شد

... مسلمانان مسلمانان مسلمانان مسلمانان وزین آیین بی‌دینان پشیمانی پشیمانی (سعدی)

... چند از این الفاظ و اضممار و مجاز سوز خواهم سوز، با آن سوز ساز

قومی غم دین دارد و قومی غم دنیا بعد از غم رویت غم بیهوده خوراندند (سعدی)

... یکی بود یکی نبود، جلی بود و جلالی بود، حلقه به گوش غلامی بود، هر چه رفتیم راه بود، هر چه
کندیم چاه بود، کلیدش دست ملک جبار بود.

... پسر، پسر، لاری پسر دگون عطاری، پسر

هفتا زن بیاری پسر یکیش تهرونی قر دار

یکیش اصفهونی مال‌دار یکیش دختر ایله

جاهازش سر فیله یکیش زن زنانه

یکیش مگس پرانه

۳. تکرار قبیح و محل

از ۴۰ میلیارد نخ سیگار مورد نیاز در کشور ۲۵ میلیارد نخ به صورت قاچاق به کشور قاچاق می‌شود. (حیات نو، یکشنبه ۲۰ آذر ۱۳۷۹، ص ۹)
(عبارت «به صورت قاچاق» زائد است)

اما اینکه این چگونه است که این چیزی را که پیش از تولد اتفاق افتاده با این دقت و قاطعیت عنوان می‌کنم، این هم داستانی دارد.
(ابراهیم یونسی، *تریسترآم شنیدی*. لارنس استرن. تهران: نشر تجربه. ۱۳۷۸:۱۶)
(تکرار محل "این")

- اقدامات رژیم شاه در مورد خانمها که روی طبقات متوسط یا بالای خانمها تأثیر می‌گذاشت، الزاماً مورد موافقت اکثریت خانمهای ایرانی، نبود یا حتی درکش نکرده بودند.
(«خانمهای» و نیز «خانمهای ایرانی» در موارد دوم و سوم را می‌توان به ضمیر «آنها» تبدیل کرد).
- باوجود وجود ← علیرغم وجود
- در مورد این موارد ← دربارهٔ این موارد

تکرار فعل نقش دیگری دارد و آن نشان دادن استمرار فعل است. به عبارت دیگر، همان‌گونه که «می» نشانهٔ فعل استمراری است. تکرار فعل نیز نشانگر این است که کاری به طور مستمر انجام گرفته و تکرار شده است. مانند «دویدم و دویدم / سر کوهی رسیدم» یعنی مدت زمانی می‌دویدم تا اینکه به سر کوهی رسیدم.

بعد هم گل‌بهار با جوجه‌گنجشک‌ها خداحافظی کرد و شروع به پایین آمدن کرد. آمد و آمد و آمد تا به جایی رسید که دیگر نمی‌توانست برود.

(امیرحسین فردی، *گل‌بهار و گنجشک*. تهران: مؤسسه انتشارات کوچک جنگلی ۸: ۱۳۷۰)

هم‌زبان با جلال‌الدین همایی می‌گوییم: «کثرت تکرار بی‌مورد ... [و] بدون ضرورت از عیوب فصاحت کلام یا فصاحت جمله است (۲۱: ۱۳۵۴). پیداست که تکرار بی‌مورد ... چون در غیر موارد منقضی اتفاق افتاده باشد. محل فصاحت است، ولیکن آن را از عیوب مسلم نمی‌توان شمرد، چه ممکن است در بعضی از موارد، لازم بلکه مستحسن باشد. (۲۱: ۱۳۵۴). پس هر تکراری ناخوشایند نیست؛ تکرار اگر به‌گونه‌ای باشد که کلام را درشت و ناهموار گرداند عیب است و باید از آن پرهیز کرد.

کتابشناسی

- آل احمد، جلال، ۱۳۵۷. *ارزیابی شتابزده*. تهران: انتشارات رواق
- خواجه عبدالله انصاری، *سخنان پیر هرات*، ۱۳۷۰. به کوشش محمد جواد شریعت. تهران: کتابهای جیبی.
- فردی، امیرحسین، ۱۳۷۰. *گل بهار و گنجشک*. تهران: مؤسسه انتشارات کوچک جنگلی.
- قائم مقام فراهانی، ابولقاسم، ۱۳۶۶. *منشآت قائم مقام*. به کوشش بدرالدین یغمایی، تهران: انتشارات شرق.
- قاضی، محمد (مترجم)، ۱۳۵۲. *مسیح باز مصلوب*. نوشته نیکولاس کازانتزاکیس. تهران: انتشارات خوارزمی.
- ناصرین خسرو قبادیانی مروزی، ۱۳۵۶. *سفرنامه ناصر خسرو*. به کوشش نادر وزین پور. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- همای، جلال الدین، ۱۳۵۴. *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. تهران: دانشگاه سپاهیان انقلاب.

Be about to

ساختار *be about to* به اضافه یک مصدر در شرف وقوع بودن یا در آستانه اتفاق افتادن عملی را نشان می‌دهد. بسیاری از مبتدیان و مترجمان و ترجمه‌آموزان تازه‌کار نمی‌توانند به راحتی، این ساختار را درک کنند یا معادل مناسبی برای آن بیاورند. معادلهای عمده آن در فارسی عبارت‌اند از:

- ۱- در شرف ...، در آستانه ...، در دم ... (عنصر بعدی مصدر یا کلمه‌ای است که بر عمل دلالت می‌کند).
- ۲- زمان ملموس یا ناتمام. متناسب با مفهوم جمله انگلیسی می‌توان از حال یا گذشته ملموس استفاده کرد. در این ساختار فعل معین «داشتن» پیش از فعل اصلی می‌آید و هر دو فعل یعنی هم فعل معین و هم فعل اصلی صرف می‌شوند مثلاً *داشتم می‌رفتم*، دارند می‌روند.
- ۳- نزدیک بود، کم مانده بود، عن‌قرب (در مفهوم محاوره‌ای آن)، چیزی نمانده بود. این مفهوم بر قصدی که جامه عمل نپوشیده و تحقق نیافته است دلالت می‌کند. این مفهوم *be about to* را با ساختار *on the very of* یا *on/at the point of* به اضافه صورت *-ing* دار فعل نیز می‌توان بیان کرد.

دارد باران می‌آید. *It's about to rain.*

He was at the point of finishing the exercises.

داشت تمرینها را تمام می‌کرد / چیزی نمانده بود که تمرینها را تمام کند.

I was about to go to bed when there was a knock.

داشتم به رخت‌خواب می‌رفتم که در زدند.

He was about to cry.

داشت گریه‌اش می‌گرفت / کم مانده بود که گریه کند.

The train was about to leave.

قطار در شرف / در آستانه حرکت بود. / قطار داشت حرکت می‌کرد.

He was about to hit me. نزدیک بود مرا بزند.

The suspects admitted being about to commit a crime.

این مظنونان اعتراف کردند که در آستانه ارتکاب به یک جنایت بودند.

ساختار *about to* دو کاربرد دیگر نیز دارد: (۱) عمل یا توافقی که قرار بود یا قرار است در آینده اتفاق بیفتد و یا سرنوشت محتوم چنین بود. و (۲) دستور دادن بزرگ‌تر به کوچک‌تر یا والدین به فرزندان یا دستورالعمل در اطلاعیه‌ها و شیوه مصرف دارو یا کار با دستگاه و وسیله و ابزار.

In favor of

پرکاربردترین معنای in favor of عبارت است از طرفدار، حامی، پشتیبان، به نفع، به سود. از سوی دیگر، در چک و اوراق قرضه به معنی «در وجه» و «به نام» کسی یا سازمانی است. تا اینجا مشکلی نداریم. ولی آیا این معانی در مورد جمله‌های زیر هم مصداق دارد؟

(1) The plan for the new airport has been scrapped in favor of an extension of the old one.

(2) The party had rejected wholesale nationalism in favor of competitive, selective public enterprise.

(3) You will have to temporarily abandon your own needs in favor of theirs.

(4) He refused a job in the steel industry in favor of a university appointment.

مفعول بعد از in favor of در این جمله‌ها انسان نیست تا به راحتی از معادلهای «به نفع» و «به سود» و جز آن استفاده کنیم. در این مواقع in favor of، برخلاف تصویری که از favor داریم، به معنی ترجیح دادن چیزی بر چیز دیگر است و نشان می‌دهد که عنصر دوم را انتخاب می‌کنیم، به مورد دوم می‌پردازیم و آن را انجام می‌دهیم نه اولی را. بنابراین، ترجمهٔ جمله‌های فوق چنین می‌شود:

(۱) طرح احداث فرودگاه جدید کنار گذاشته شد و در عوض گسترش فرودگاه قدیمی در برنامه قرار گرفت.

(۲) حزب، ملی‌گرایی فراگیر را کنار گذاشت و به بنگاههای اقتصادی عمومی رقابتی و گزینشی پرداخت.

(۳) باید موقتاً از نیازهای خود دست بکشی و به برآوردن نیازهای آنها بررسی.

(۴) شغلی را در صنایع فولاد نپذیرفت و به جای آن پُست دانشگاهی را قبول کرد.

Very

اولین تصویری که از معنای very داریم، «خیلی»، «زیاد» و «بسیار» است که در اغلب موارد نیز درست است. اما very گاهی با اسم یا صفت غیر مدرج می‌آید و خواننده یا مترجم بنا به عادت قبلی خود از همین معادلهای استفاده می‌کند و به معنای نادرستی می‌رسد یا اینکه در تعیین معنا در می‌ماند و very را که واژهٔ موکدسازی است در ترجمه حذف می‌کند.

واژهٔ very را معمولاً قید می‌دانیم که با صفت یا قید دیگری می‌آید و آن را مؤکد می‌سازد. اما گاهی می‌بینیم که very با اسم به کار رفته، در حالی که معمولاً قید نمی‌تواند بلافاصله اسم را توصیف و مقید کند. این واژه هنگامی که با اسم همراه می‌شود و نقش صفت را دارد برای تأکید بر زمان و مکان و موقعیت و حالت به کار می‌رود.

Very برای تأکید بر معنی اسم یا صفت غیر مدرج (مانند مجرد، حامله) پیش از آنها می‌آید. واژه‌های زیر از جمله معادلهای very هستند که با توجه به متن می‌توان از بین آنها نزدیک‌ترین معادل را برگزید.

— همان، درست همان، عیناً همان

— خود، خود، خود، خودش

— درست، عیناً درست

– صِرْفِ، عَيْنِ، محض

– دَقِيقاً، واقِعاً، واقِعِي، كاملاً

– عدل، عدل همان (در زبانِ عامیانه)

– همان، درست همان، دَقِيقاً همان

– به معنایِ واقِعِي کلمه

تکرارِ کلمه در فارسی از جمله سازوکارهای تأکید است، مثلاً داغِ داغ یعنی خیلی داغ. از آنجا که نقشِ اصليِ very تأکید بر اسم است تا نشان دهد منظور ما دقیقاً یک مکان یا نقطه یا بخشِ انتهایی آن یا آخرین نقطهٔ زمانی و مکانی است، می‌توان در مقابل آن در فارسی از فرآیندِ واژه‌سازیِ تکرار استفاده کرد.

وسطِ وسطِ ردیفِ اوّل The very middle of the front row

تهِ تهِ کتاب at the very end of the book

علاوه بر این در مواردِ دیگر، همانطور که اشاره شد، در فارسی می‌توان از « خودِ خودِ » استفاده کرد که باز هم بر طبق فرآیندِ تکرار ساخته شده است.

(نیز نگاه کنید به مبحث *proper* در همین سلسله مباحث)

These are the very words he used.

اینها دقیقاً / درست همان کلماتی هستند که او بر زبان آورد.

We met in this very room.

در همین / درست در این / در خودِ این اتاق (بود که) با هم دیدار کردیم.

The commercial theater is fighting for its very life.

تئاترِ تجاری برای خودِ زندگی می‌جنگد.

Respect is the very foundation of civilized living.

احترام، شالودهٔ واقِعِي زندگیِ متمدن است.

The very first light of day.

درست / دقیقاً اولین نورِ روز.

The very next day we held a session.

درست / دقیقاً روزِ بعدش جلسه‌ای برگزار کردیم.

I walked to the very top.

درست تا قلّه پیاده رفتم، تا خودِ قلّه پیاده رفتم.

We were in on their discussion from the very beginning.

(درست) از همان آغاز، ما در بحثشان شرکت داشتیم.

The role of the peacemaker is, by its very nature, a thankless one.

نقشِ میانجی، بنا به ماهیتِ واقِعِي اش / به صرفِ ماهیتش / صرفاً بر طبقِ ماهیتش، نقش بی‌اجر و پاداشی است.

The very latest techniques واقِعاً آخرین شیوه‌ها

She seemed very English to him / کاملاً انگلیسی به نظر می‌آمد.

مثالهای فوق را با این مورد مقایسه کنید:

زنِ پا به ماه a very pregnant woman

نفرت عمیق یک زن به معنای واقعی کلمه The fierce hatred of a very woman

... yea, at that very moment, Consideration like an angel came

... در همان آن

تدبیر چونان فرشته‌ای آمد.

(هنری پنجم، شکسپیر، ترجمه احمد خزاعی: ۹-۱۴)

در انگلیسی واژه very، در مقایسه با معنای مشابه آن در فارسی، بیشتر به کار می‌رود. در ترجمه‌های فارسی به انگلیسی توسط مترجمان انگلیسی از این واژه در مواردی استفاده می‌شود که ظاهراً در فارسی معادلی ندارد.

ز هنر به خود نگنجم چو به خم می مغانی

بدرک لباس بر تن چو بجوشدم معانی

(نظیری نیشابوری)

Through genius I cannot contain, like the Magian wine in the jar, the very garments are rent on my body when my ideas ferment. (E.G. Brown 1969: IV: 252)

من به گوش خود از دهانش دوش سخنانی شنیده‌ام که می‌پرس

(حافظ)

But yester-night, this very ear
Such language from her mouth did hear-
O ask me not what

کتابشناسی

- خزاعی، احمد، ۱۳۷۱، هنری پنجم، نوشته ویلیام شکپیر، تهران: نشر قطره.

-Shakespeare, William. 1954. *King Henry V*. edited by J. H. Walter. London: Routledge.

owing to, thanks to

owing to و thanks to برخلاف کلمات سازنده‌شان هیچ ارتباطی به بدهکار بودن و تشکر کردن ندارند. هر دو بر دلیل و علت انجام گرفتن کاری دلالت می‌کنند و نشان می‌دهند که کسی یا چیزی باعث روی دادن کاری بوده است. because of و due to مترادفهای این عبارت‌اند.

به سبب، به علت، به جهت، به دلیل، به خاطر، در نتیجه، به برکت اگر کسی عامل و باعث و بانی کاری مثبت شود می‌توان از این معادلها استفاده کرد: به لطف، به همت، به برکت وجود، در سایه، به یمن.

He missed the last quarter of last season owing to injury.

به علت آسیب‌دیدگی، از آخرین بازی فصل پیش محروم شد.

Now, owing to the financial cut-backs, the workshops have been closed.

اکنون به دلیل کمبود مالی کارگاهها بسته شده‌اند.

It was entirely owing to him that they acquired two bonus points.

صرفاً به برکت وجود او بود که آنها توانستند دو امتیاز فوق‌العاده بگیرند.

The town center had a narrow escape from destruction, thanks to 100 firemen, who contained the blaze.

مرکز شهر به همت صد مأمور آتش‌نشانی که زبانه‌های آتش را مهار کردند از خطر نابودی نجات یافت.

Thanks to the new network, clerks will be able to deal with all the payments at one time.

کارمندان در سایه وجود شبکه جدید می‌توانند در آن واحد تمام پرداختها را انجام دهند.

We were late, owing to snow.

به خاطر برف دیر کردیم.

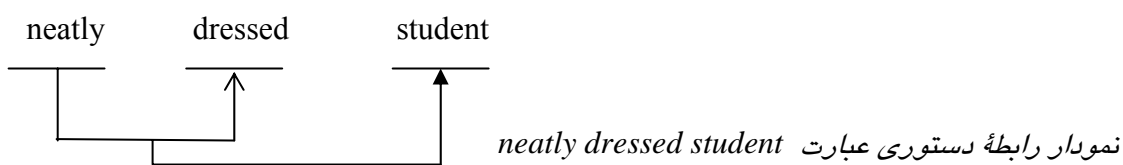
It was thanks to your stupidity that we lost the game.

در نتیجه حماقت، بازی را واگذار کردیم / باختیم.

اسم + صفت + قید

Highly praised achievements

قید از شگفتی‌های دستور زبان است که گاهی ترجمه آن مشکل‌ساز می‌شود. قید می‌تواند صفتی را وصف کند که هر دو آنها مجموعاً توصیف‌گر اسم باشند. در گروه اسمی *neatly dressed student* هسته گروه *student* است که عبارت صفتی *neatly dressed* آن را توصیف می‌کند و *neatly* خود توصیف‌گر صفت *dressed* است. این رابطه نحوی را می‌توان بدین صورت نشان داد.



کار هنگامی سخت می‌شود که این ساختار را نتوان به ساختار مشابه در فارسی برگرداند، مخصوصاً وقتی که صفت مورد نظر به *-ed* مختوم باشد. در این صورت، شاید بهترین راه آن باشد که عبارت صفتی را به جمله‌واره تبدیل کنیم و با «که»ی موصولی آن را به هسته اسمی ربط دهیم یا تغییرات دستوری دیگری انجام دهیم.

eagerly awaited telephone call

پیغام تلفنی‌ای که مشتاقانه منتظرش بودیم.

carefully performed duty

وظیفه‌ای که با دقت اجرا شده است.

دانشجویان و ترجمه‌آموزان، معمولاً در ترجمه اینگونه عبارات دچار مشکل می‌شوند و ترجمه مطلوبی از آن عرضه نمی‌کنند. اگر این ساختار را بتوان به همین شکل به فارسی انتقال داد بدون اینکه تعارضی با دستور زبان فارسی و شیوه بیان طبیعی فارسی پیدا کند، با مشکلی مواجه نمی‌شویم مانند:

a highly successful company

شرکتی فوق‌العاده / بسیار موفق

an extremely disappointed young man

جوان فوق‌العاده مأیوس

Highly praised achievements

دستاوردی که مورد ستایش فراوان قرار گرفت / دستاوردهایی که از آن بسیار ستایش شد.

A very frightened little girl

دختر کوچکی که بسیار ترسیده بود (دقت کنید که ترجمه این عبارت به ساختار مشابه فارسی چه قدر غیر طبیعی است؟ دختر بسیار ترسیده به من گفت ...)

Geoffrey was a deeply religious man

جفری آدمی با اعتقادات عمیق مذهبی بود.

He has amazingly long eyelashes.

مژه‌های بلندی داشت که این موضوع شگفت‌انگیز بود. (مژه‌هایی به شکل خیره‌کننده‌ای بلندی داشت).

A delightfully refreshing taste

طعم دل‌چسپی داشت که بسیار مطبوع بود.

Incredibly boring documents

اسنادی که به طرز باورنکردنی کسالت‌آور بود / اسناد کسالت‌آور بود و این موضوع باورکردنی نبود.

تغییراتی که در اینجا صورت گرفت انطباق‌های دستوری یا دگرگون‌سازی دستوری نام دارد که بر طبق آن در ساختار دستوری جمله یا عبارت، مطابق زبان مقصد، تغییراتی داده می‌شود که نتیجه در زبان مقصد پذیرفتنی و قابل قبول باشد. مثلاً قید تنها به عبارت یا جمله‌واره قیدی تبدیل می‌شود، جمله‌واره به صورت عبارت یا کلمه واحد درمی‌آید، صفت به قید بدل می‌شود و جز آن.



نشریه با و خبرها

شماره ۴۳ و ۴۴ فصلنامه مترجم منتشر شد

شماره ۴۳: بهار و تابستان ۱۳۸۵

در این شماره از مجله می‌خوانیم:

سیر تحول روشهای ترجمه شعر در ایران / حسین معصومی همدانی
سوء تفاهم درباره نظریه‌های ترجمه در ایران / علی صلح‌جو
گفتگو با کامران فانی

روشهای ترجمه / علی خزاعی‌فر

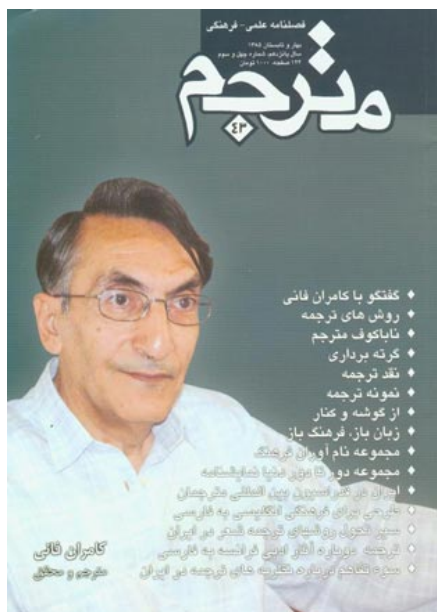
نقد ترجمه: هرگز رهایم مکن / پنین / روزگار آدمکشها / خنده در تاریکی

عضویت در فدراسیون بین‌المللی مترجمان / اسماعیل حدادیان مقدم
برای داشتن زبان باز در ترجمه باید فرهنگ باز داشت / داریوش آشوری

مجموعه نمایشنامه‌هایی از دور تا دور دنیا / محمد نوید

ترجمه دوباره آثار ادبی فرانسه به فارسی / دکتر محمد جواد کمالی

....



شماره ۴۴: پاییز و زمستان ۱۳۸۵

در این شماره از مجله آمده است:

در جستجوی زمان از دست رفته / مهدی سبحانی
نکته‌های ترجمه و ویرایش / علی صلح‌جو
فراسوی نظریه‌های ترجمه / بهروز کروجی
گفتگو با لیلی گلستان

لزوم بازنگری در شیوه نگارش خط فارسی / کریم امامی

اندر حکایت سرنوشت / روساریو فره / مترجم: عبدالله کوثری

نقد ترجمه: (عروسکخانه / بازمانده روز / سالومه / ترجمه انگلیسی

غزلیات حافظ) / علی خزاعی فر

کارگاه ترجمه: مناطق معنی در دو زبان مبدأ و مقصد / منوچهر انور

جایگاه ترجمه در فرهنگستان / علی خزاعی فر

....



دوباره ترجمه

اولین شماره فصلنامه پیام مترجمان رسمی منتشر شد.

فصلنامه خبری، آموزشی، پژوهشی پیام مترجمان رسمی، به صاحب امتیازی جامعه مترجمان رسمی ایران و مدیر مسئولی امیر صادقی بابلان، منتشر شد. در اولین شماره از این فصلنامه، در بخش سخن مدیر مسئول چنین آمده است:

"پس از هفتاد سال از پدید آمدن ترجمه رسمی در ایران، این نخستین بار است که مترجمان رسمی صاحب رسانه‌ای مخصوص به خود می‌شوند.... ما امیدواریم این نشریه محلی برای تبادل آرا در زمینه فن ترجمه و مسائل و مشکلات آن در کشور باشد و موجب رشد و ارتقای کیفی آن در جامعه گردد."

در این شماره، مطالب زیر آمده است:

- جامعه مترجمان رسمی در یک نگاه
- تولد و رشد جامعه مترجمان رسمی ایران
- اولین همایش ترجمه رسمی در ایران
- ترجمه: هنر مظلوم
- فقر لغوی است یا سهل انگاری؟
- نقدی بر یک ترجمه



تلفن فصلنامه: ۸۸۸۳۴۸۳۸
نشانی پست الکترونیکی:
a_s_bablan@yahoo.com

فرهنگستان و ترجمه

هفتمین نشست گروه ادبیات معاصر فرهنگستان زبان و ادب فارسی با موضوع "فرهنگستان و ترجمه" روز شنبه ۱۲ اسفند ۸۵ در ساختمان مرکزی شهر کتاب برگزار شد. به گزارش فصلنامه مترجم، سخنران این نشست دکتر علی خزاعی فر بود که به بحث درباره جایگاه ترجمه در فرهنگستان پرداخت. دکتر خزاعی فر ضمن اشاره به سابقه تاریخی فرهنگستان در ایران گفت: "واژه‌گزینی در فرهنگستان اهمیت بسیاری دارد به طوری که اکنون در اذهان عموم، فرهنگستان، واژه‌گزینی را تداعی می‌کند. ایشان در بخشی از سخنان خود اضافه کرد: "در دو سه دهه اخیر، دنیا بسیار تغییر کرده و لذا دستور کار فرهنگستانها عوض شده است."

خزاعی فر تصریح کرد: "امروزه غالب کشورها برنامه مدونی تحت عنوان سیاست زبانی یا language policy دارند که عبارت است از مجموعه سیاستهای رسمی دولت که از طریق قانونگذاری یا صدور دستورالعملهای اجرایی و ... در مورد استفاده از زبان در محیطهای عمومی، کم و کیف آموزش مهارتهای زبانی و حق افراد و گروهها برای استفاده یا حفظ و پاسداری از زبان مادری خود اعمال می‌شود." در ایران، تصمیم‌گیری در مورد مسائل مختلف زبان را نهادهای مختلف انجام می‌دهند، بدون آنکه بین این نهادها روابط تعریف‌شده‌ای وجود داشته باشد. اگر از منظر سیاست زبانی به کار فرهنگستان نگاه کنیم، از ۱۱ گروهی که در فرهنگستان به کار مشغولند، ده گروه پژوهشهای تاریخی، زبانی و ادبی انجام می‌دهند و فقط یک گروه واژه‌گزینی است که کارش مشخصاً در حوزه سیاست زبانی قرار دارد."

خزاعی فر پس از بحثی مبسوط در مورد فعالیتهای فرهنگستان در زمینه آموزش زبان مادری، و مفهوم واژه اصالت در ترجمه اشاره کرد و گفت: "امروزه فارسی‌گفتاری از فارسی نوشتاری اصیل‌تر است چون ساختارها و تعبیرات بیشتری دارد که اصالتاً فارسی است." متن کامل این گزارش در فصلنامه مترجم (شماره ۴۴) آمده است.

مقاله

درباره ترجمه



خلأ واژگانی در ترجمه: موانع و راهکارها*

حسین حیدری تبریزی**

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد خوراسگان اصفهان

ترجمه را به تعبیری، فرآیند «انتقال و ارائه پیام از زبان مبدأ در قالب زبان مقصد» (یارمحمدی، ۱۳۷۲؛ ص ۱۳۹) تعریف کرده‌اند. اگرچه به‌ظاهر چنین تعریفی ساده می‌نماید، اما در عمل می‌بینیم که مترجمان با مشکلات عدیده‌ای در زمینه چگونگی انتقال پیام و به‌خصوص پیدا کردن قالبی مناسب و طبیعی در زبان مقصد برای انتقال مفاهیم زبان مبدأ روبرو می‌شوند چرا که از طرفی ساختارهای واژگانی و شیوه‌های توزیع مؤلفه‌های معنایی و به‌طبع آن قالب‌ریزی مفاهیم از زبانی به زبان دیگر متفاوت است و از طرف دیگر مفاهیم فرهنگی - اجتماعی آمیخته با زبان مبدأ با چنین مفاهیمی از زبان مقصد یکسان نیستند. بدین‌ترتیب از آنجائی که واژگان دو زبان با هم همخوانی و رابطه یک به یک ندارند مترجم به‌سادگی موفق به پیدا کردن معادلهای لغوی - که «هدف مطلوب و غایی است» (لارسن، ۱۹۸۴؛ ص ۱۵۳) - نمی‌شود. مثلاً در ترجمه انگلیسی drizzle مترجم ناگزیر از استفاده از ترکیبهایی مثل «نم‌باران»، «باران‌ریز» و یا «باران‌نرمه» می‌باشد و حتی در جایگزینی لغاتی نظیر bread و یا bath با معادلهای لغوی فارسی رایج این کلمات یعنی نان و حمام نیز مترجم در انتقال کامل این مفاهیم موفق نمی‌باشد زیرا مفهومی که از لفظ bread در ذهن انگلیسی‌زبانان نقش می‌بندد (خمیرپخته گرد به شکل باگت) با برداشت فارسی‌زبانان از لفظ نان (خمیر نازک پخته شده در تنور؛ برکت سفره) متفاوت است و همین‌طور هم مفهوم حمام انگلیسی با مفهوم حمام فارسی یکسان نیست. در این موارد تفاوت‌های فرهنگی دو زبان مبدأ و مقصد یافتن معادلهای لغوی را مشکل ساخته است. اما با این همه مشکلات مترجمان در یافتن معادلهای واژگانی به اینجا ختم نمی‌شود.

خلأ واژگانی^۲

مشکلات مترجم در تلاش برای یافتن معادلهای لغوی وقتی به اوج خود می‌رسد که مترجم بخواهد مفهومی را از زبان مبدأ منتقل نماید که واژگان زبان مقصد فاقد لفظی واحد برای بیان آن باشد و یا به‌طور کلی اصلاً از قبل قالبی برای این چنین مفهومی ساخته نشده باشد. چنین پدیده‌ای را اصطلاحاً «خلأ واژگانی» نامیده‌اند که بر دو نوع است: خلأ واژگانی نسبی^۱ و خلأ واژگانی مطلق^۳.

* نگارنده می‌باید دین خود را به آقای دکتر محمدرضا باطنی (زبان‌شناس برجسته ایرانی) و خانم میلدرد لارسن (مؤلف کتاب *Meaning-based Translation*) ابراز نماید.

** atbinus@yahoo.com (دانشجوی دوره دکتری آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه شیراز)

^۱ lexical equivalents

^۲ lexical gap/semantic void

^۳ relative lexical gap

^۴ absolute lexical gap

۱. خلأ واژگانی نسبی

اگر مترجم بخواهد واژه‌ای را ترجمه کند که این واژه در زبان مبدأ حاوی مؤلفه‌های معنایی بیشتری نسبت به واژه موجود در زبان مقصد باشد خلأ واژگانی، نسبی خواهد بود. به عبارت دیگر، هرگاه مفاهیمی مشترک را در هر دو زبان مبدأ و مقصد بیابیم که برش معانی این مفاهیم در زبان مقصد به‌دقت و ظرافت زبان مبدأ نباشد، در ترجمه این مفاهیم نمی‌توانیم معادلهای لغوی کاملاً دقیقی بیابیم که دربرگیرنده تمامی مؤلفه‌های معنایی موجود در واژه‌های زبان مبدأ باشند. مثلاً در ترجمه واژه انگلیسی OX انتخاب کلمه فارسی « گاو » به‌تنهایی مشکل معادل‌یابی را حل نمی‌کند چون در کلمه OX مؤلفه معنایی [+ مذکر] نیز گنجانده شده که در بین مؤلفه‌های معنایی کلمه گاو دیده نمی‌شود. در ترجمه چنین مفاهیمی می‌توان از دو شیوه معادل‌یابی توصیفی^۱ و معادل‌یابی فرهنگی^۲ استفاده کرد.

معادل‌یابی توصیفی

ساده‌ترین و مؤثرترین شیوه مقابله با این پدیده یعنی خلأ واژگانی نسبی معادل‌یابی توصیفی است یعنی انتخاب لفظی عام‌تر در زبان مقصد و تحدید آن با افزودن مؤلفه‌های معنایی متمایزکننده‌ای که در واژه زبان مبدأ گنجانده شده اما در لفظ عام انتخابی زبان مقصد وجود ندارد: به اختصار، یعنی استفاده از لفظ عام به همراه عبارتی وصفی. مثلاً دو واژه گوشت در زبان فارسی و meat در زبان انگلیسی هر دو به یک مفهوم کلی اشاره دارند اما در زبان انگلیسی برای هر نوع گوشت بخصوص واژه‌ای جداگانه ساخته شده و استفاده می‌گردد. حال آنکه در زبان فارسی تنها لفظ عام گوشت، برای تمام این موارد به کار می‌رود. پس در ترجمه لغات زیر می‌باید از معادلهای توصیفی سود جست:

beef	گوشت گاو	lamb	گوشت بره
veal	گوشت گوساله	mutton	گوشت گوسفند
pork	گوشت خوک	venison	گوشت گوزن

تا اینجا مترجم توانسته با افزودن نام حیوان به لفظ عام گوشت مفاهیم فوق را معادل‌یابی لغوی نماید، اما در مورد کلمات زیر صرف افزودن نام حیوان موردنظر کفایت نمی‌کند و مترجم باید دیگر مؤلفه‌های معنایی حاضر را به صورت عبارت وصفی به این مجموعه بیفزاید:

ham	گوشت ران خوک
bacon	گوشت دودی یا نمک سود خوک

مؤلفه‌های الصاقی به لفظ عام در این شیوه می‌توانند بیانگر خصوصیات ظاهری، مواد سازنده، ساختار، مکان و مورد استفاده و یا استفاده‌کنندگان، نحوه عمل و یا کاربرد شیء موردبحث باشند. مثلاً در ترجمه igloo به «کلبه برفی اسکیمویی» مترجم با افزودن دو صفت مربوطه به ساختار ظاهری (موارد سازنده) و استفاده‌کنندگان این شیء آن را از کلبه چوبی ساکنان شمال ایران و یا کلبه سنگی ساکنین کوهستانی متمایز می‌سازد. ترجمه فعل poach به «بدون پوست (پوست کنده) آب‌پز کردن» و فعل fetch به «رفتن و آوردن» نیز حاصل چنین شیوه‌ای است.

¹ descriptive equivalence

² equivalence by cultural substitute

معادلهایی فرهنگی

چنانچه شیوه فوق مؤثر واقع نشود مترجم می‌تواند با فدا کردن بخشی از خصوصیات به‌ویژه بار معنایی ضمنی و تلویحی واژه زبان مبدأ آن را با واژه‌ای مشابه در فرهنگ زبان مقصد جانشین سازد. مثلاً در ترجمه مفاهیم موجود در دین مسیح (ع) برای کلمات انگلیسی fast، altar و pulpit به ترتیب از الفاظ اسلامی-ایرانی روزه، محراب و منبر استفاده کند و یا goulash را (نوعی) خورشید سبزی ترجمه نماید که مشخصاً در این نوع ترجمه بخشی از پیام از دست می‌رود. با این وجود چنین معادلهایی نیز می‌توانند در جای خود معادلهایی پویا برای انتقال پیام باشند.

۲. خلأ واژگانی مطلق

در انتقال مفاهیمی از زبان مبدأ که در زبان مقصد به‌طور کلی جدید و ناشناخته محسوب می‌شوند مترجم با خلأی صددرصد در مجموعه واژگان زبان مقصد برای بیان این مفاهیم مواجه می‌شود، زیرا به علت تازگی این مفاهیم زبان مقصد از قبل هیچ نوع قالبی را برای بیان و نامیدن آنها در نظر نگرفته است و در نتیجه یافتن معادلهای لغوی برای مفاهیم مذکور اگر غیرممکن نباشد به‌سادگی نیز امکان‌پذیر نمی‌گردد. برخورد فرهنگها در نتیجه تماس هر چه بیشتر علل مختلف از یک طرف و گسترش دانش و پیشرفت علوم از طرف دیگر باعث شده است تا مترجمانی که سعی در انتقال دانش روز و فرهنگ ملل مختلف دارند هر روز با مفاهیمی روبرو شوند که در زبان مقصد تازگی دارند. در اینجا دیگر مترجمان الفاظی عام در اختیار ندارند که بتوانند با تحدید و یا احیاناً بسط آنها به کمک عبارات الصافی-وصفی در زبان مقصد معادلهای لغوی مناسب بیابند. مثلاً در سالهای گذشته مفاهیم و الفاظی نظیر تلویزیون، کامپیوتر، ماهواره و هیپی به وجود آمدند و امروز نیز صحبت از فاکس، موبایل، لایه اوزون، اینترنت و رپ است.

در برخورد با چنین واژه‌هایی از زبان مبدأ اولین و مهمترین وظیفه مترجم همانا رمزگشایی^۱ مفهوم دقیق آن کلمات و فهرست کردن مؤلفه‌های معنایی نهفته در آنهاست. بدین ترتیب مترجم ابتدا باید تلاش خود را به درک کامل و صحیح کلمات و مفاهیم جدید معطوف سازد و آنگاه کوشش نماید معادلهایی پویا برای آنها در زبان مقصد با استفاده از یکی از شیوه‌ها و راهکارهای زیر بیابد.

پدیده‌های قرضی^۲

رایج‌ترین شیوه مقابله با مشکلات ناشی از خلأ واژگانی مطلق در ترجمه استفاده از پدیده‌های قرضی است. به تعریف باطنی (۱۳۶۹)، «کلیه تغییراتی را که در زبان X بر اساس واژگان [و قواعد ساختاری] زبانهای Y و Z و غیره ... صورت می‌گیرد پدیده‌های قرضی می‌نامیم» (صص ۷۹-۷۸). به عبارت دیگر وقتی زبان مقصد برای نامیدن مفاهیم تازه واژه‌ای ندارد مترجم می‌تواند (البته با رعایت اصول و ضوابطی خاص) با قرض گرفتن عین واژه و یا الگوی ساختاری آن و یا ترکیبی از این دو زبان مبدأ در زبان مقصد معادلهایی پویا بسازد. پدیده‌های قرضی خود انواعی دارد که در زیر تشریح می‌شوند.

واژه قرضی^۳

^۱ decoding / unpacking

^۲ loan processes

^۳ loan word

به ظاهر، ساده‌ترین شیوه برای نامیدن مفاهیم تازه قرض گرفتن و به کار بردن عین همان واژه‌ها و عبارات زبان مبدأ در زبان مقصد است یعنی مترجم به محض برخورد با چنین واژه‌هایی شروع به نوشتن آنها به زبان مقصد به شیوهٔ آوانویسی و یا حرف‌نویسی بنماید. مثلاً واژهٔ computer را در زبان فارسی «کامپیوتر» بنویسد. اما باید به این نکته توجه کرد که از آنجائی که رابطهٔ بین صورت و معنای واژه‌ها در زبان از نوع قراردادی است پس واژهٔ وام گرفته شده هر چند با حروف زبان مقصد (در اینجا فارسی) هم نوشته شده، با حروف زبان مقصد (مثلاً فارسی‌زبانان) واژه‌های گنگ، بی‌معنی و به اصطلاح «توخالی» خواهد بود. تنها با گذشت زمان، تکرار و تمرین است که مفهوم این چنین واژه‌های قرضی در زبان مقصد روشن می‌گردد. از این شیوه معمولاً در برگردان اسامی خاص افراد، مکانها و ... استفاده می‌شود. ضمن آنکه برای آسانتر کردن درک این واژه‌ها استفاده از کلمات «شاخص گروه» (گروه‌نما)^۱ قبل از واژه‌های موردنظر معمولاً سودمند واقع می‌شود:

General motors	جنرال موتورز	شرکت
TOEFL	تافل	آزمون
Reuter	رویتر	خبرگزاری

در مواردی نیز مترجم وقتی برای اولین بار از واژه‌های قرضی در متنی استفاده می‌کند باید برای روشن شدن مفهوم این واژه توضیحی کوتاه و تعریف‌گونه در پانویس صفحه و یا در داخل دو پرانتز بعد از آن واژهٔ قرضی فراهم آورد و از آن به بعد در ادامهٔ متن تنها به ذکر خود واژه قرضی اکتفا کند. مثلاً:

Coyote	کایوت (نوعی گرگ صحرایی بومی آمریکای شمالی)
Pudding	پودینگ (نوعی دسر شیرین)
Lemming	لمینگ (نوعی موش قطبی)

روند دیگری که در زبان - و به خصوص در زبان انگلیسی - به ظهور کلمات و مفاهیم جدید می‌انجامد استفاده از انواع اختصارات است. از بین انواع اختصارات سرنام‌ها (سرواژه‌ها)^۲ معمولاً به صورت واژهٔ قرضی وارد زبان مقصد می‌شوند:

MENA	منا (کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا)
UNSCOM	آنسکام (کمیسیون ویژه سازمان ملل متحد)
GATT	گات (پیمان عمومی تعرفه و تجارت)

ضمناً در اینجا نیز عبارات توضیحی داخل پرانتزها در اولین برخورد با این سرنام‌ها در متن آورده می‌شوند. گاهی هم بهتر است مترجم به جای آنکه واژه‌ای را مستقیماً از زبان مبدا ناآشنا قرض بگیرد ابتدا آنرا با واژه‌ای معادل در زبان خارجی آشناتری تعویض کند و سپس آن واژهٔ میانجی را در زبان مقصد استفاده نماید. این شیوه را اصطلاحاً «تبادل قرضی»^۳ می‌گویند. مثلاً در ترجمه از زبان ژاپنی به فارسی لازم است به جای وام گرفتن عین واژهٔ ژاپنی معادلهای آن را از زبان عربی، انگلیسی و یا فرانسه که فارسی‌زبانان با آنها آشناترند قرض گرفت. به عبارت دیگر به جای ذکر لفظ روسی عنصر شمارهٔ هشت جدول مندلیف از لفظ انگلیسی «اکسیژن» استفاده شود و مترجم bacon را ژامبون ترجمه کند که در اصل لفظی فرانسوی است. به طور کلی تبادل فرضی مانع از تنوع و چندگانگی واژه‌های قرضی برای تنها یک مفهوم در زبان مقصد می‌شود و به همین دلیل آشنایی با آن برای مترجمان مهم است.

¹ classifiers

² acronyms

³ loan exchange

در مواردی نیز مترجم می‌تواند با اعمال قوانین دستوری و آوای زبان مقصد بر واژه‌های قرضی جاقفاده در آن زبان ترکیب‌هایی بسازد که نیمی از مواد سازنده آن قرضی و نیمی دیگر بومی باشد. این شیوه موسوم به «آمیزش قرضی»^۱ بیشتر در مورد واژه‌های قرضی به‌کار گرفته می‌شود که از نظر گویشوران زبان مقصد رنگ و بوی خارجی خود را از دست داده‌اند. نمونه‌های بارز این نوع ترجمه برگردان کلمات atomic و bombardment به ترتیب به اتمی و بمباران (بم + باران) هستند (باطنی، ۱۳۶۹؛ صص ۸۹-۸۵). در سالهای اخیر نیز ظهور لفظ «پارک‌سوار» و ترجمه bandage به «باندپیچی» و استفاده از لفظ پستچی در زبان فارسی حاصل چنین شیوه‌ای است.

ترجمه قرضی^۲

در این شیوه، مترجم به عوض وام گرفتن اصل واژه تنها الگوی ساختاری آن را قرض می‌گیرد. یعنی با استفاده از واژگان بومی زبان مقصد واژه زبان مبدأ را جزءبه‌جزء ترجمه می‌کند. سالها پیش عنصر فرهنگی «به تعطیلات رفتن نوعروس و داماد بعد از ازدواج» در فرهنگ ایرانیان و به تبع آن در زبان فارسی وجود نداشت، پس مترجمان در ترجمه عبارت honeymoon با مشکل مواجه می‌شدند که این مشکل با ترجمه جزءبه‌جزء این عبارت به «ماه‌عسل» با حفظ ساختار قرضی آن برطرف شد. و یا واژه skyscraper که به «آسمانخراش» ترجمه شده است. مترجمان باید به این نکته نیز توجه نمایند که استفاده مفرط و سهل‌انگارانه از این روش باعث لطمه دیدن زبان مقصد (مثلاً فارسی) و ظهور ترکیبات نامأنوس و پذیرفته‌نشده نظیر «نگاه‌های شیرین» از sweet looks (باطنی، ۱۳۶۹؛ ص ۸۴) و «مردان قورباغه‌ای» از frogmen (صلح‌جو، ۱۳۶۵؛ ص ۴۹) می‌گردد. گزینش معادل برای کلمات زیر بدین طریق انجام پذیرفته است:

garbology	زباله‌شناسی	ultraviolet	ماوراء بنفش
automobile	خودرو	blender	مخلوط‌کن
wheel chair	صندلی چرخدار	superstar	فوق‌ستاره

تعبیر قرضی^۳

در این روش مترجم به عوض ترجمه کردن اجزاء واژه خارجی پس از رمزگشایی مفهوم آن و مشخص کردن مؤلفه‌های معنایی آن تعبیر خود را از آن واژه با به‌کارگیری واژگان بومی زبان مقصد به دست می‌دهد که معمولاً بیانگر خصوصیات ظاهری و یا کارکردی آن واژه می‌باشد. مثلاً در گذشته مترجمان واژه انگلیسی indicator را در فارسی به «چراغ راهنمایی» تعبیر نموده‌اند. در سالهای اخیر نیز فرهنگستان زبان و ادب فارسی در گزینش معادل برای واژه‌های خارجی راه یافته به زبان فارسی این روش را به‌غایت به کار گرفته است:

Pyrex	نسوز	subsidy	یارانه
abstract	چکیده	answering machine	پیام‌گیر
sink	ظرفشویی	microwave	تندپز

این چنین کلمات و ترکیباتی معمولاً وقتی عامه‌پسند و فراگیر می‌شوند که در ساخت آنها ذوق سلیم و معیارهای دستوری-آوایی زبان مقصد در نظر گرفته شده و معنی آنها روشن و زودیاب باشد. مثلاً از آنجائی که واژه «تندپز» همراه با ورود این وسیله به ایران ساخته شد و به‌علاوه قبلاً هم در فارسی واژه‌هایی نظیر زودپز، آرام‌پز و حتی پلوپز به کار رفته‌اند اقبال بیشتری برای فراگیر شدن دارد تا واژه‌ای مثل «رایانه» که مدتها پس از ورود این محصول و استفاده مکرر فارسی‌زبانان از لفظ کامپیوتر ساخته و عرضه شد.

¹ loan blending

² loan translation / calque

³ loan rendition

ترجمه و تعبیر قرضی^۱

در مواردی مترجم می‌تواند از تلفیق دو روش اخیر گزینش معادل نماید. در این روش، بخشی از واژه خارجی به واژه‌های بومی ترجمه می‌شود و مترجم بخش دیگری را تعبیر می‌کند. در گذشته، مترجمان spaceman را به فضاپرونده و aeroplane را به هواپیما ترجمه و تعبیر کرده‌اند (باطنی، ۱۳۶۹؛ ص ۸۵). امروزه نیز برگردان کلماتی مثل recycle، technology، folklore و به بازیافت، فناوری و فرهنگ عامه (مردم) نمونه‌های مشخص کاربرد این شیوه در ترجمه می‌باشند.

تغییر قرضی^۲

در این روش هیچ واژه‌ای از زبان مبدأ وام گرفته نمی‌شود و واژه جدیدی نیز در زبان مقصد ساخته نمی‌شود «بلکه به واژه‌ای که در زبان بومی [مقصد] وجود دارد یک بار معنایی تازه داده می‌شود» (باطنی، ۱۳۶۹؛ ص ۸۳). به عبارت دیگر، در این روش مترجم سعی می‌کند با تعمیم و یا تحدید مؤلفه‌های معنایی کلمه‌ای از مجموعه واژگان زبان مقصد چنین کلمه‌ای را برای بیان مفاهیم تازه - وارداتی از زبان مبدأ - آماده سازد. گزینش معادل‌هایی نظیر سپر برای bumper، سیاست به جای politics، یخچال در عوض refrigerator و دفتر به اِزاء office از نمونه‌های موفق چنین تغییرات معنایی در گذشته هستند. در حال حاضر نیز فرهنگستان زبان و ادب فارسی از چنین شیوه‌ای در گزینش معادل برای برخی کلمات و مفاهیم خارجی مثل album (آلبوم)، handbook (دستینه) و compote (خوشاب) سود جسته است.

مترجمان تازه‌کار باید اکیداً از به‌کارگیری این روش بپرهیزند و حرفه‌ای‌ها هم باید توجه داشته باشند که برای تغییر معنایی واژه‌های بومی و جایگزین کردن واژه و مفهوم خارجی با آن باید این واژه بومی و آن مفهوم با هم قرابت معنایی داشته باشند تا چنین تغییری پذیرفته انگاشته شود: مثلاً بین معنی اولیه کلمه خشک در فارسی و مفهوم کلمه "strict" انگلیسی نزدیکی معنایی حس می‌شود. پس عبارت strict rules را می‌توان به «مقررات خشک» ترجمه کرد. همین استدلال در خصوص تخصیص و تحدید معنایی کلمه فارسی مجلس صدق می‌کند تا بتوان آن را به اِزاء parliament انگلیسی قرار داد. نکته آخر در مورد این شیوه اینکه مترجمان باتجربه باید این روش را با احتیاط کامل به کار ببندند، چرا که ممکن است گاهی تحدید و یا تعمیم معنایی آن‌قدر دور از ذهن باشد که مخاطبان ترجمه در زبان مقصد در درک پیام با مشکل مواجه گردند.

معادلیابی به کمک واژه‌سازی^۳ یا تعریف^۴

بدیهی است که واژه‌سازی یا به اصطلاح «سکه‌زنی واژه» معمولاً کار مترجمان - و به هیچ‌وجه کار مترجمان نوپا - نیست. اما در مواردی خاص که نویسندگان متن اصلی خود اقدام به واژه‌سازی کرده است مترجم هم می‌تواند در صورتی که هیچ‌یک از روش‌های فوق‌الذکر کارگر نیفتد از طریق واژه‌سازی معادلی لغوی و پویا برای مفهوم مذکور در زبان مقصد ایجاد کند. مثلاً نگارنده این مقاله خود در متنی به واژه danclapping برخورد که به احتمال قریب به یقین حاصل فرایند آمیزش دو واژه dance (رقصیدن) و clap (دست زدن) می‌باشد. نگارنده کوشش نمود تا با خلق واژه شادکوبی (شادی + پایکوبی) پیام را منتقل سازد. این شیوه به‌ویژه در ترجمه «الفاظ

¹ loan translation and rendition

² loan shift

³ word coinage

⁴ definition

⁵ coinage

یکبار مصرف»^۱ که ساخته و پرداخته خود نویسنده اصلی در متن مبدأ هستند اهمیتی خاص می‌یابد. مثلاً در داستان ققنوس اثر سیلویا تاونسند وارنر^۲ در جمله:

The phoenix was handsome as ever, and as amiable; but, as Mr Poldero said, it hadn't got udge.

کلمه *udge* را که «لفظی یکبار مصرف» است می‌توان به کمک واژه‌سازی معادل‌یابی کرد. ابتدا نگارنده تلاش نمود تا معنی این کلمه را تا حد امکان درک کند، سپس با تکیه بر شَمّ زبانی خود کلمات بی‌معنی اما در عین حال منطقی «آجو، گومی، جوزی، آفو، سگا» را ساخت و سپس آنها را در اختیار ۵۰ نفر فارسی‌زبان تحصیلکرده (در رشته‌های مختلف) قرار داد تا تعیین کنند که از نظر آنها این کلمات ساختگی بار معنایی مثبت دارند یا منفی. سپس مجدداً نگارنده کلمات با بار معنایی مثبت را در ترجمه جمله موردنظر به قرار زیر به کار گرفت:

۱. اما ققنوس گومی نداشت.

۲. اما ققنوس جوزی نداشت.

۳. اما ققنوس آجو نداشت.

و این جملات را مجدداً در اختیار ۵۰ نفر دیگر با همان مشخصات قبلی گذاشت تا آنها تعیین کنند که کدامیک از این جملات تداعی‌کننده مفهوم «فقدان صفتی مثبت» می‌باشند. در نهایت به جمله شماره یک، چهل و دو رأی مثبت داده شد.

و آخر اینکه چنانچه هیچیک از روشهای مطرح شده در این مقاله نتوانست مترجم را در یافتن و گزینش معادل یاری دهد مترجم ناچار است تا از شیوه معمول فرهنگهای لغت تک‌زبانه یعنی تعریف مفاهیم در قالب عبارات و جملات استفاده کند. هر چند تکرار چنین عبارات طولانی مشکل‌ساز است اما به هر حال وظیفه انتقال پیام تا حد زیادی ادا شده است.

سخن آخر

شکی نیست که ترجمه، سه بُعد دارد: فن، هنر و علم. برای ترجمه در عصر حاضر مترجمی موفق خواهد بود که از هر سه جنبه سهمی برده باشد. چنین مترجمی در مواجهه با موارد گوناگون خلأ واژگانی، با بهره‌گیری از این هر سه و به کار بستن یکی از روشهای مورد اشاره در این مقاله و یا حتی با استفاده از شیوه‌هایی ابتکاری می‌تواند به سر منزل مقصود یعنی یافتن معادل واژگانی در زبان مقصد دست یابد.

References

- American Psychological Association. (1983). *Publication manual of APA*. Washington D. C.: APA.
- Larson, Mildred L. (1984). *Meaning-based translation: A guide to cross language equivalence*. USA: University Press of America.
- Mollanazar, Hussein. (1997). *Principles and methodology of translation*. Tehran: SAMT.
- Newmark, Peter. (1988). *A textbook of translation*. Singapore: Prentice-Hall Ltd.

کتابنامه فارسی

- باطنی، محمدرضا (۱۳۶۹). *پدیده‌های قرضی در زبان فارسی*. در *زبان و تفکر*. (صص ۷۴-۸۸). تهران: فرهنگ معاصر.
- صلح‌جو. علی (۱۳۶۵). *بحثی در مبانی ترجمه*. نصرالله پورجوادی (گردآورنده)، *درباره ترجمه*: برگزیده مقاله‌های نشر دانش (۳). تهران: مرکز نشر دانشگاهی تهران.
- گروه واژه‌گزینی (۱۳۷۶). *واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی: واژه‌های عمومی ۱*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۷۲). *شانزده مقاله در زبان‌شناسی کاربردی و ترجمه*. شیراز: انتشارات نوید شیراز.

¹ nonce words

² Sylvia Townsend Warner

ترجمه شعر از سروش اصفهانی در هزار و یک شب

شیرین امین*

دانشجوی زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه اراک**



ترجمه با عنوان هزار و یک شب از آثار گران قدر ادبیات فارسی و از نمونه‌های درخشان نثر فارسی دوره قاجار است که به قلم عبداللطیف طسوجی تبریزی فراهم آمده است. او این کتاب را به فرمان بهمن میرزا بهین فرزند عباس میرزا به فارسی برگرداند. بهمن میرزا به میرزا محمدعلی خان شمس‌الشعرا سروش اصفهانی دستور داد «به جای اشعار عربیه، شعر فارسی از کتب شعراء مناسب همان مقام» برگزیند و اگر شعری مناسب مضمون نباشد، خود بسراید.

او بهترین نمونه‌های شعر فارسی را از دیوانهای شاعران بزرگ استخراج کرد و با نهایت مهارت در خلال داستانهای هزار و یک شب گنجاند و خود نیز به صنعت‌گری پرداخت. برای نشان دادن میزان استادی و چیره‌دستی میرزا سروش اصفهانی، شعرهای او را به همراه اصل عربی آنها از ادبیات عامیانه ایران، تألیف دکتر محمد جعفر محجوب (به کوشش حسن ذوالفقاری، نشر چشمه، ۱۳۷۱، صص ۴۰۳-۴۰۰) می‌آوریم.

۱- ترجمه داستان علی نورالدین و کنیزک به شعر

در داستان علی نورالدین و کنیزک صحنه‌ای هست که در آن خلیفه هارون‌الرشید در لباس صیادان با علی نورالدین رو به رو می‌شود و سرگذشت وی را از او می‌پرسد. علی نورالدین می‌گوید: «حدیث خود را نثر گویم یا نظم؟ خلیفه گفت کلام نثر سخن گفتن است و کلام نظم در سفتن. پس نورالدین سر به زیر افکند و این ابیات انشا نمود:

که داشت در تن و چشمش مرا چو جان و بصر	به شهر بصره مرا بود مهربان پدری
بدیع چهره و مجلس فروز و رامشگر	یکی کنیزی بهر نشاط من بخیرد
ز بوی طره او کلبه‌ام پر از عنبر	ز رنگ چهره او خانه ام پر از گل برگ
بمانده بود مرا آنچه سیم و زر ز پدر	پدر نماند و تمامی به کار او کردم
چو دید دست من بی نوا تهی از زر	مرا کنیزک من گفت: رو مرا بفروش

...

بر امیر پیامد ز تو شکایت گر	چه گفت؟ گفت که آن پیر ناسپاس کنون
ببند رخت از جا که نیست جای مقر ...	امیر شهر به حبس تو نیز فرمان داد

و این است اصل عربی بیتها:

و همومی نمت لبعده بلادی	یا خلیلی انی هجرت رقادی
غاب غنی مجاور الالحاد	کان لی والد علی شفوفاً

* shirinamin5@gmail.com

** در نگارش این یادداشت، از یاری استاد عزیزم آقای حسن هاشمی میناباد بهره جسته‌ام.

و جرت لی من بعد ذاک امور
 اشتری لی من الحسان فتاة
 فرصت الذی ورثت علیها
 ...

فهدی مالک البلاد لحبسی
 رامزاً لی انی اسیر بعیداً
 فاتی الحاجب الرشید السداد
 عن ذراهم مکمد احسادی ...

۲- حکایت

در حکایت دلاک، ضمن قسمتی که در شب بیست و نهم آمده است، استاد دلاک خود را چنین می‌ستاید:

این صنعت شایان که به دست است مرا
 بر تارک سروران همی رانم تیغ
 اصل عربی بیتها این است:

و هذا المزمین در السلوک
 و تحت یدیہ رؤس الملوک
 جمیع الصنائع مثل العقود
 فیعلو علی کل ذی حکمه

۳- داستان بدیهه گویی ابونواس

داستانی در باب بدیهه‌گویی ابونواس در شبهای ۳۳۷ تا ۳۳۹ نقل شده است برای هارون الرشید با کنیزکی حادثه‌ای روی می‌دهد. ابونواس را که در میکرده‌ای به گرو بوده است نزد او می‌آورند و خلیفه بدو فرمان می‌دهد شعری بخواند که عبارت: «یا امین الله ما هذا الخبر» در آن باشد. ابونواس چنین می‌سراید:

طال لیلی بالعوادی و السهر
 قمت امشی فی محلی تارة
 فرأت عینای شخصاً اسودا
 فأنصنی جسمی و اکثرت الفکر
 ثم طوراً فی مقاصیر الحجر
 و هو بیضا قد تغطت بالشعر

ثم قامت و هی لی قائله
 یا امین الله ما هذا الخبر

و سرورش آن را به فارسی در همان بحر و به همان قافیه چنین (ترجمه کرده و) سروده است:

دوش پاسی رفته از شب بیشتر
 گرد خانه گشتمی شوریده حال
 گشتم و هنگام گشتن مر مرا
 پیکری آمد سیاه اندر نظر

گفت با من از سر مستی و ناز
 یا امین الله ما هذا الخبر...

بررسی نمونه‌های ترجمه متبحرانه میرزا سروش اصفهانی، ضمن اینکه تواناییهای زبان فارسی را در ترجمه می‌نماید، می‌تواند محلی باشد برای درنگ در مباحث نظری ترجمه از جمله مفهوم معادل (equivalent)، انتقال (shift)، و امکانات رعایت سبک در ترجمه ادبی.

در آئینه تاریخ

علی اکبر عابدیان

اسکندر: گنجها و ترجمه‌ها

اسکندر پادشاهی بگرفت و از ایرانیان بسیار بکشت و جایهاشان ویران کرد و حصارهای ایشان کند و خراب کرد و علمهای ایشان که مر ایشان را هیربدان خوانند همه را بکشت و کتابها که اندر دین مغان و زردشتی بود همه بسوخت. و آنچه اندر طب و نجوم و حساب و دیگر علمها بود فرمود تا آن همه را **ترجمه** کردند و به روم فرستاد و همه گنجهای ملوک ایران برداشت. آنچه حمل توانست کرد حمل کرد و به روم فرستاد و آنچه نتوانست، هم به ایرانشهر، اندر زمینها، بیابانها و کوهها و جایهای محکم دفن کرد. و گنجها ساخت و طلسمها کرد که کس را دست بدان نرسد.

و به استخر رفت، و آنجا مردم بسیار گرد آمده بودند از روزگار همای بنت بهمن، و جایی بود که آن را "دژ نوشت" گفتندی، یعنی دارالکتب. اندر وی کتاب بود، از علم دین زردشتی و فلسفه و حساب و هندسه و هر علمی. اسکندر بفرمود تا آن همه را **ترجمه** کردند و به روم فرستاد و فرمود به مقدونیا بنهاندند، و آن دژ نوشت را بسوختند، با هر چه کتاب بود اندر وی. و اندر میان عجم کتاب نماند، مگر اندک مایه که اندر دست مجهولان مانده بود، اندر زاویه‌های ولایت.

و پس سپاه ایران، آنچه باقی مانده بود، همه را جمع کرد و لشکری بساخت و به هندوستان رفت، از راه ترکستان، و همه را قهر کرد؛ و ترکستان و چین و ماچین و هندوستان و کشمیر بگرفت و همه ملوک را قهر کرد، و چون به بابل رسید در آنجا وفات یافت.

(مأخذ: ابوسعید عبدالحی ابن محمود گردیزی غزنوی، زین‌الخبار، قرن پنجم هجری)

و علمه لبسان

ترجمه قرآن برای کودکان نیازمند مشاوره کارشناس تربیتی است

استاد دانشگاه علوم قرآنی مشهد با تأکید بر اعجاز آیات قرآن کریم، بر ضرورت بهره‌گیری از سنت پیامبر و سیره ائمه معصومین (ع) برای درک دقیق آیات قرآن تأکید کرد و گفت:

ترجمه‌ها اختصاصی و برای گروههای سنی خاص از جمله کودکان و نوجوانان می‌بایست از مشاوره روانشناس و کارشناسان علوم تربیتی برخوردار باشند.

محمدرضا محمدی زاده استاد دانشگاه علوم قرآنی مشهد در گفتگو با خبرنگار مهر افزود: در روایات آمده است که آیات قرآن یکدیگر را تفسیر می‌کنند. پس برای فهم بهتر آیات می‌توان از آیاتی که به یکدیگر مربوط و منشأ آنها یکی است، بهره برد.

وی در مورد **ترجمه** قرآن به طور خاص برای کودکان و نوجوانان گفت: چنانچه **ترجمه‌ها** دقیق و توأم با نظریه‌های راهبردی متخصصانی مانند روانشناسان و کارشناسان علوم تربیتی باشد مناسب‌تر است و این **ترجمه‌ها** مورد استقبال کودکان قرار خواهد گرفت.

